



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

## جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان

رساله ماستری

محصله: هیلې "رشیدی"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1396 هـ - ش



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصيلات عالی

معینیت امور علمی

# جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان

رساله ماستری

محصله: هیلی "رشیدی"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: 1396 هـ - ش

اللَّهُمَّ  
إِبْرَاهِيمَ  
حَمِيمًا  
بِحَسْبِ  
عَمَلِهِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترمه هیلې بنت لېاس خان: ID: SH-MSF-95-168 محصل دور چهارم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: جرم بچه بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان به روز ۱۳۸۵/۶/۱۴ هـ ش موفقاته دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد سلیم مدنی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... آمر بورد ماستری

## تقدیم

به والدین گرامی‌ام آنهایی که همواره با دست دعای‌شان تنویرگر مسیر ظلمت و پرپیچ و خم این زندگی برایم بوده‌اند.

به تمامی کسانی که در راستای آموزش علم و دانش که هدفمندانه گام می‌گذارند و از تنویر علم و دانش خود جامعه‌ما را روشن می‌کنند.

به استادانی که بدون احساس خستگی و ناراحتی در پرتو آیین فطرت، وظایف خود را به گونه‌ی صادقانه انجام می‌دهند، خصوصاً به استاد رهنمایم جناب محترم دکتور محمد یونس "ابراهیمی" که در راستای رسانیدن امانت علمی و تنویر افکار و دانش فرزندان این سرزمین زحمات شبانه روزی را متقبل شده‌است.

## تشر و قدردانی

حمد و ثناء الله جلّ جلاله را که انسان را اشرف مخلوقات آفریده و به او عزت و افتخار علم اعطا نموده تا در روشنایی آن به راه فروزان و اهداف خلقت خود معرفت حاصل کند؛ چنانچه بنده را از یاری و لطف بی‌پایانش نصیب ساخت تا ذره‌ای از روشنی علم و دانش را کسب نمایم و درود بی‌پایان بر آخرین پیامبر الهی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم که با تأسیس مکتب اسلام، تنویرگر گوشه‌های ظلمت فکری بشر گردید.

همچنان اظهار تشکری و قدردانی دارم از ریاست پوهنتون سلام، پوهنځی شرعیات و خصوصاً دیپارتمنت فقه و قانون بخش ماستری که زمینه‌ی تحصیلی بنده را فراهم ساخته‌اند و بعد از همه استادان محترم این پوهنتون که هر کدام در زمینه انتقال امانت علمی به فرزندان این سرزمین مسؤلیت ایمانی و کاری خود را به بهترین وجه ممکن آن ادا نموده و در راستای سپردن امانت علم دین و آگاهی از هیچ گونه کوشش دریغ نکرده‌اند، در اخیر می‌خواهم از استاد راهنمایم جناب محترم دکتور محمد یونس "ابراهیمی" اظهار شکران و امتنان نمایم که زحمات زیادی را در حصه آماده سازی، جمع‌آوری معلومات و شیوه تحقیق این اثر بامن متقبل شده‌اند و در این عرصه رهنمای خوبی بوده‌اند؛ بنابراین، از الله جلّ جلاله موفقیت‌های مزیدی در تمام عرصه‌های زندگی برای‌شان خواهانم.

## خلاصه

جرم بچه‌بازی یکی از اعمال انحراف‌کننده اجتماعی بوده که نافرمانی مطلق، بی‌عفتی کامل، بی‌پردگی علنی، بی‌حیایی آشکار، بی‌فرهنگی و تباه‌کننده نسل، شرف، حیثیت و ناموس انسان‌ها را به بیار می‌آورد و از راه نجات و خوشبختی به سوی بدبختی و گمراهی می‌کشاند و انسان‌های پاک‌طنین و نیک‌سرشت را به دام هوس‌های شیطانی برده و در نتیجه آتش جهنم نصیب آنان می‌گرداند.

از اینرو این تحقیق به بررسی جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان پرداخته و اهمیت آن در اینجا برجسته می‌گردد که می‌تواند مشکلات جامعه را از اعمال خرافات ریشه‌کن نماید، یا حداقل راه‌چاره برای این عمل شنیع پیشکش نماید. این تحقیق با استفاده از روش تحقیق تحلیلی و توصیفی و جمع‌آوری معلومات از منابع کتابخانه‌ای به هدف اصلی آن که بررسی حکم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان بوده به آن دست یافته است. نتایج به دست آمده از این تحقیق این است که جرم بچه‌بازی یک عمل بسیار شنیع و ضد موازین انسانی، اخلاقی و اسلامی است. چنانچه فقها در این مسئله اتفاق نظر دارند که این عمل یک عمل شیطانی بوده و الله متعال و رسولش آنرا حرام دانسته و برای متخلفین این عمل جزای سنگین در دنیا و آخرت در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن قوانین جزایی افغانستان مخصوصاً کود جزا نیز جرم بچه‌بازی را یک عمل ضد حقوق بشری برشمرده و مجازات شدیدی را نظر به ماهیت، چگونگی، مصادیق، شرایط، زمان و مکان آن در نظر گرفته است.

**کلید واژه:** حکم، بچه، بچه‌بازی، فقه اسلامی، قانون افغانستان.

## فهرست مطالب

1	مقدمه
2	1 - بیان مسأله تحقیق
3	2 - اهمیت و ضرورت تحقیق
4	3 - سوالات تحقیق
4	4 - اسباب اختیار موضوع
5	5 - اهداف تحقیق
5	6 - روش انجام تحقیق
6	7 - پیشینه تحقیق
10	8 - جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق
10	9 - سازمان دهی تحقیق

## فصل اول

### مفاهیم و کلیات

12	مبحث اول: مفاهیم
12	مطلب اول: مفهوم فقه
22	مطلب دوم: مفهوم قانون
25	مطلب سوم: مفهوم جرم
28	مطلب چهارم: مفهوم بچه بازی
31	مطلب پنجم: مفهوم لواطت
32	مبحث دوم: کلیات
32	مطلب اول: پیشینه تاریخی فرهنگ بچه بازی
34	مطلب دوم: مصادیق جرم بچه بازی در کود جزای افغانستان
37	مطلب سوم: قلمرو فرهنگ بچه بازی



39.....مطلب چهارم: عوامل مجنی علیه واقع شدن اطفال به جرم بچه بازی

42.....مطلب پنجم: عوامل گسترش فرهنگ بچه‌بازی در افغانستان

44.....مطلب ششم: اثرات اجتماعی گسترش جرم بچه بازی

## فصل دوم

### جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی

47.....مبحث اول: ادلهٔ تحریم بچه بازی

47.....مطلب اول: ادلهٔ تحریم بچه‌بازی از دیدگاه قرآن کریم

72.....مطلب دوم: ادلهٔ تحریم بچه‌بازی از دیدگاه احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم

83.....مطلب سوم: ادلهٔ تحریم بچه‌بازی از دیدگاه فقه

90.....مبحث دوم: مجازات جرم بچه‌بازی از دید قرآن کریم، احادیث و فقه

90.....مطلب اول: مجازات جرم بچه‌بازی در قرآن کریم

94.....مطلب دوم: مجازات جرم بچه‌بازی از نظر احادیث

98.....مطلب سوم: مجازات جرم بچه‌بازی در فقه

103.....مبحث سوم: اضرار بچه‌بازی از منظر فقه اسلامی

104.....مطلب اول: اضرار اخلاقی فردی و اجتماعی

105.....مطلب دوم: اضرار روحی و فکری

106.....مطلب سوم: اضرار جسمی

107.....مبحث چهارم: راهکارهای جلوگیری جرم بچه‌بازی

## فصل سوم

### جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان

112.....مبحث اول: عناصر تشکیل دهندهٔ جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان

113.....مطلب اول: عنصر قانونی جرم بچه‌بازی

- 115 ..... مطلب دوم: عنصر مادی جرم بچه بازی
- 116 ..... مطلب سوم: عنصر معنوی جرم بچه بازی
- 117 ..... مبحث دوم: مجازات جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان
- 117 ..... مطلب اول: مجازات نگهداری طفل بمنظور رقصانیدن
- 119 ..... مطلب دوم: مجازات نگهداری طفل بمنظور آموزش رقص
- 119 ..... مطلب سوم: مجازات رقصانیدن طفل
- 120 ..... مطلب چهارم: مجازات برگزاری محفل بچه بازی
- 122 ..... مطلب پنجم: مجازات شرکت در محفل بچه‌بازی
- 123 ..... مطلب ششم: مجازات اعتیاد اجباری طفل به مواد مخدر
- 124 ..... مطلب هفتم: مجازات خرید یا فروش طفل بمنظور بچه‌بازی
- 124 ..... مبحث سوم: مجازات تجاوز جنسی بر طفل، آزار و ثبت هویت آن
- 124 ..... مطلب اول: مجازات تجاوز جنسی بر طفل
- 126 ..... مطلب دوم: مجازات آزار و اذیت طفل
- 127 ..... مطلب سوم: مجازات ضبط و ثبت هویت مجنی علیه در هنگام بچه بازی
- 130 ..... مبحث چهارم: مجازات منسوبین نظامی در عمل بچه‌بازی و یا عدم جلوگیری آن
- 130 ..... مطلب اول: مجازات منسوبین نظامی در عمل جرم بچه بازی
- 131 ..... مطلب دوم: مجازات منسوبین نظامی در عدم جلوگیری از جرم بچه‌بازی
- 132 ..... مبحث پنجم: حالات مشدده جرم بچه بازی
- 132 ..... مطلب اول: مجازات نگهداری بیشتر از یک طفل جهت ارتکاب جرم بچه‌بازی
- 133 ..... مطلب دوم: مجازات قربانی کننده اطفال پایین تر از سن 12 در جرم بچه‌بازی
- مطلب سوم: مجنی علیه قرار دادن طفل به جرم بچه‌بازی در صورت مشکلات اقتصادی وی
- 133 .....
- 134 ..... مطلب چهارم: مجازات اقاربین طفل در قربانی جرم بچه‌بازی
- 135 ..... مطلب پنجم: مجازات جرم بچه‌بازی با استفاده از صلاحیت وظیفوی

135	مطلب ششم: مجازات جرم بی‌جه‌بازی در صورت اضرار جسمی و روانی اطفال .....
136	نتیجه‌گیری .....
139	پیشنهادات .....
140	فهرست آیات .....
143	فهرست احادیث .....
145	منابع و مأخذ .....

الحمد لله العليم الخبير والصلاة والسلام على سيدنا محمد البشير النذير و على آله و صحبه ائمة الهدى مصابيح الهدى و رضی الله تبارك و تعالی عن ائمة الاجتهاد من السلف الصالح و التابعین و تابعیهم باحسان الی یوم الدین؛ اما بعد:

بچه بازی، به عمل شنیع گفته میشود که مرد بچه و بعضی مواقع مرد را می رقصاند و از آن لذت می برد و بسیاری از مواقع پس از رقصانیدن و پیش از آن باوی روابط جنسی لواط را برقرار می نماید. دین مقدس اسلام پیروان خویش را به شدت تام واضح و آشکار ازین انحرافات اخلاقی و شنیع و غیر انسانی منع فرموده است و عاملین آنرا به اشد عقاب مجازات سنگینی وعده داده است. اما اگر به این غریزه صرف و صرف به حیث خواست شهوانی و حیوانی نگاه شود برخورد دقیق نبوده بلکه انحرافی است. باتوجه به این، آغاز این گونه جرایم معمولاً از خانواده ها آغاز می گردد و مبنا و اساس تربیوی و یا بعضی از مواقع، اساس اقتصادی و اخلاقی دارد که این رویکرد رفته رفته سبب انشعاب از میان خانواده شده و فرزندان قربانی رفتارهای خلاف اخلاقی افراد بد اخلاق شده و به همین گونه نظم و نظام خانواده ها از هم می پاشد. باتوجه به این، اثرات ناگوار اینگونه فعالیت ها و جرایم، در شرایط کنونی خیلی چشم گیر است و این روش ناپسند هرچند ریشه در اعماق تاریخ دارد، اما رویکرد نوین آن در افغانستان و پاکستان بیشتر قابل توجه است. یعنی؛ پس از بروز جنگ های داخلی در افغانستان دامنه این مشکل چنان گسترده شد که به عنوان یک عرف در میان قوماندانان و افراد بانفوذ که نسبتاً از ارزش های اخلاقی به دور بودند، پخش و نشر گردید. بنابراین، فقه اسلامی و قانون گذار افغانستان این معضل را به عنوان عمل جرمی تلقی کرده، برای عامل آن مجازات تعیین نموده اند و همچنان کسانی که در محافل بچه بازی شرکت می کنند یا به

نحوی جهت برگزاری اینگونه جرایم تلاش می کنند، نیز مرتکب جرم شده و مجازات می شوند که این رویکرد در تحقیق حاضر مورد توجه است.

## 1 - بیان مسأله تحقیق

فساد اخلاقی به عنوان یکی از شنیع ترین و شکننده ترین نوع فساد در رفتار و فعالیت های روزمره بعضی از انسان ها قرار دارد که ریشه های فکری و اخلاقی عاملین آن را خشکانیده و سبب بروز انواع از مشکلات و مصایب فردی، خانوادگی و اجتماعی می گردد. لذا، یکی از مصادیق فساد اخلاقی در جامعه کنونی، خصوصاً در افغانستان و بعضی از کشورهای دیگر (عمل بچه بازی) است. این عمل با توجه به احکام قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و همچنان احکام فقهی و قوانین افغانستان حرام، جرم و ضد کرامت انسانی دانسته شده است که برای مرتکبین آن با در نظر داشت ماهیت ارتکاب این جرم و حالات مشدده آن، جزا تعیین شده است. بچه بازی که اصطلاح دری است، به رفتارهایی اطلاق می شود که افراد (مریض به این عمل)، اطفال خورد سال را با اعمال لواطت و لذت جویی استفاده کرده و آنها را می رقصانند. این عمل، نه تنها از لحاظ حکمی به عنوان زشت ترین عمل ضد عفت و اخلاق عمومی دانسته می شود، بلکه از لحاظ جسمی و فکری ضربات مهلک و کشنده ای را برای کسانی وارد می کند که قربانی این گونه اعمال زشت و خلاف کرامت و عفت انسانی قرار می گیرند، البته ناگفته نماند که هر نوع جرم و سرکشی، سبب بروز جرایم بی شمار دیگر می شود تا اینکه بلاخره سبب فلاکت و فاجعه انسانی می گردد که جرم بچه بازی یکی از مصادیق این جرایم است و نظامی را که الله متعال بر پایه های حکمت، عدالت، تقوی و انسانیت استوار ساخته است، فلسفه عمیقی دارد و عمل بر اساس آن، برای جامعه انسانی سعادت و خوشبختی دارین را به همراه دارد. با توجه به موارد فوق، محقق تلاش دارد تا در

تحقیق حاضر به بررسی حکم بچه بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان با توجه به روش تحقیق علمی پردازد.

## 2 - اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیق علمی روی مسائلی که بتواند مشکلی از مشکلات جامعه را ریشه کن نماید، یا حد اقل راه چاره‌ای را به عنوان راه حل پیشنهاد نماید، خالی از اهمیت نیست. با توجه به اینکه هر جامعه‌ای دارای فرهنگ و دیدگاه‌های مختلفی اند، جامعه افغانستان نیز از این امر مستثنی نیست و بچه بازی که به عنوان یکی از پدیده‌ها و فرهنگ ناپسند عده‌ای از مردم افغانستان است، به عنوان فرهنگ ناسازگار با فطرت انسانی دانسته می‌شود و منابع معتبر فقهی در زمینه موجود است که هر یک دارای جایگاه ویژه‌ای هستند، اما خوشبختانه که جدیداً قانون گذار افغانستان این پدیده را به عنوان جرم در نظر گرفته است و در کود جزای افغانستان آن را تحت یک فصل مشخص جایگزین ساخته است. بنابراین، تحقیق روی این موضوع می‌تواند به عنوان راه‌کشایی باشد که جامعه افغانستان بتواند از آن استفاده نمایند و درک کنند که بچه بازی و استفاده از حیثیت اطفال، عمل غیر انسانی، غیر اخلاقی و خلاف اصول شریعت اسلامی می‌باشد که اطفال را در آینده شرم سار و رانده شده از دربار اجتماعی بار می‌آورد. همچنان، سبب درک آنها گردد که این عمل سبب می‌شود تا نزاع و دشمنی‌های خانوادگی بوجود آید که دامنه این مشکل می‌تواند سبب ساز ایجاد مشکلات عظیمی گردد و تمامی اعضای جامعه از اثرات منفی آن متأثر خواهند شد. بنابراین، در تحقیق حاضر تلاش می‌شود تا با رویکرد تحقیقات علمی با استفاده از منابع فقهی و قوانین افغانستان این پدیده را تحت بررسی قرار داد و با حصول نتایج از جریان این تحقیق، پیشنهاداتی را جهت اصلاحات نظام اجتماعی خصوصاً ریشه کن کردن علمی و منظم پدیده‌های شوم اجتماعی مانند بچه بازی در نظر گرفت.

### 3 - سوالات تحقیق

سوال اصلی: حکم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان چگونه است؟

سوالات فرعی:

1 - مفهوم و ماهیت بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان چیست؟

2 - مجازات جرم بچه‌بازی در فقه اسلامی چگونه است؟

3 - مجازات جرم بچه‌بازی در قوانین افغانستان چگونه است؟

### 4 - اسباب اختیار موضوع

سبب اختیار تحقیق را از دو لحاظ می‌توان مورد توجه قرار داد، اول از لحاظ تئوریک و

دوم از لحاظ کاربردی:

از لحاظ تئوریک، قسمی که در ضرورت تحقیق پرداختیم، با توجه به اینکه هر جامعه‌ای دارای فرهنگ و دیدگاه‌های مختلفی اند، جامعه افغانستان نیز از این امر مستثنی نیست و بچه‌بازی که به عنوان یکی از پدیده‌ها و فرهنگ ناپسند عده‌ای از مردم افغانستان است، به عنوان فرهنگ ناسازگار با فطرت انسانی دانسته می‌شود. پس بنابراین، نیاز است تا از لحاظ تئوریک، این مسایل درج در کتاب و لوایح گردد تا بدین وسیله یک تحقیقی در زمینه انجام شده باشد تا با استفاده از محتوای چنین تحقیقاتی، مراجع ذیصلاح تصامیم جدی به عنوان راهکار در زمینه انجام عمل بچه‌بازی اتخاذ کنند؛ بناءً لازم دانستیم تا در این رابطه یک تحقیقی را انجام دهیم تا در این زمینه نقش خود را در جامعه به جا بگذاریم.

از لحاظ کاربردی آنگونه که واضح است؛ جامعه نیاز به عناصری دارد که تعریفی از زندگی قانون‌مدار داشته باشد؛ در اینجا نحوه جرم‌انگاری بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان برجسته می‌گردد؛ پس بررسی جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان از الزامات اساسی جامعه علمی است که محصلان پوهنتون‌ها و دیگر نهادهای

حقوقی نیاز به این چنین از موارد دارند؛ پس دلایل تئوریک و کاربردی کماکان دلایل مهمی هستند که اسباب اختیار موضوع بوده است.

## 5 - اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان است.

همچنان اهداف فرعی این تحقیق قرار ذیل اند:

- 1- بررسی ماهیت و مفهوم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان.
- 2- بررسی جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی.
- 3- بررسی جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان.

## 6 - روش انجام تحقیق

روشی که در این تحقیق استفاده صورت می‌گیرد، روش توصیفی-تحلیلی است؛ منابع این تحقیق کتابخانه‌ای است که از مهم‌ترین و مشهورترین منابع علمی در زمینه جهت بررسی علمی موضوع حاضر استفاده می‌شود.

از سوی دیگر، در این تحقیق کوشش می‌شود تا ترجمه آیات قرآن کریم از تفسیر نور، مصطفی خرم دل<sup>1</sup> اخذ شود و همچنان در زمینه به بعضی از احادیث ثقه و قوی

---

1. دکتر مصطفی خرم دل، یکی از محققین و مفسرین قرآن کریم و از دانشمندان حوزه علوم اسلامی و زبان و ادبیات عربی است که در سال 1315 هجری شمسی در روستای دهبکر مهابان کردستان ایران در یک خانواده متدین اهل سنت (شافعی مذهب) به دنیا آمد. وی دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مهاباد سپری نمود و در این مدت به آموزش علوم دینی نیز مشغول بود، وی در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات عرب موفق به دریافت سند لیسانس شد و از دوره تحصیلی و پس از فارغ‌التحصیلی سال‌ها به خدمت تعلیم و تربیت مشغول بود. از آثار برجسته این اسلام‌شناس و مفسر نامدار مهابادی می‌توان به تفسیر نور، صرف دستور زبان گردی سورانی، گلبن دانش، گنجینه صرف زبان عربی، گنجینه نحو زبان عربی و... یاد کرد. در نهایت امر، دکتر مصطفی خرم دل در سال 1399 هجری شمسی وفات یافت و در قطعه نام‌آوران مهاباد به خاک سپرده شد. منبع: بنیاد نخبگان استان کردستان، آدرس سایت: <https://kurdistan.bmn.ir/fa-ir/>



نبوی صلی الله علیه وسلم نیز پرداخته شود همچنین تلاش می شود تا از منابع علمی و معتبر فقه اسلامی و همچنان حقوق افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

در خصوص ارجاع دهی منابع و مآخذ این تحقیق از روش پاورقی استفاده می شود و همچنان تلاش می گردد تا متون و مباحث این تحقیق به گونه منظم و مبسوط از سوی محقق تحلیل گردد.

## 7 - پیشینه تحقیق

محقق بنا به بررسی نسبتاً دقیقی که در این خصوص انجام داده، مطالبی در خصوص این موضوع دریافت نکرده است؛ اما مرجع بررسی از کتاب های چاپی دولتی و غیر دولتی، مراکز علمی و تحقیقی و در نهایت نشریات حقوقی و کتابخانه ای در دسترس بوده و گفتنی است که مقاله و مونوگراف مشخص در این موضوع دریافت نگردیده است. اما، تحقیقات و کتاب های یافت گردیده که اشاراتی کوتاه و اجمالی به برخی از بخش های این تحقیق داشتند که به عنوان راه حل واقع نشدند، برای نمونه چند مورد را ذیلاً تذکر می دهیم:

الف: تحقیقات داخلی:

1. محمد باقر، شریفی تحقیقی را تحت عنوان عوامل اجتماعی مجنی علیه واقع شدن اطفال (1396) انجام داده است، نتایج این تحقیق نشان می دهد که افغانستان از شمار کشورهای است که سالهای متمادی در آتش جنگ سوخته است؛ اما بعد از جنگ های خانمانسوز داخلی و سقوط رژیم طالبان، با روی کار آمدن حکومت جمهوریت نزدیک به دو دهه، دست آوردهای قابل توجه در عرصه حقوق و تدوین قوانین داریم. در عرصه حقوق اطفال نیز اندک توجه صورت گرفته است. چنانچه میلیونها کودک به مکتب میروند و عرصه خدمات صحتی نیز در نقاط مختلف کشور بهبود یافته است. با این حال

هنوز هم اطفال در افغانستان با دشواریهای بیشمار مواجه اند. بخشی از این مشکلات ناشی از هنجارهای سنتی\_فرهنگی حاکم بر جامعه است که بر اساس آن موقف و جایگاه پایینی برای اطفال در خانواده و جامعه تعریف میشود که رفتارهای نا به جا نسبت به آنان را نیز در پی دارد. بخشی دیگر از مشکلات اطفال ناشی از وضعیت سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور میباشد. معضل مهمی که در این بخش باید مطرح گردد، اعمال خشونت در برابر اطفال است که علاوه بر این که در محیط خانواده و جامعه با انواع خشونت مواجه اند، قربانی یکی از عرفهای اجتماعی ناپسند تحت نام (بچه بازی) می شوند که به نام بچه مسمی شده و علیه آنها اعمال ذشت و خلاف کرامت انسانی صورت می گیرد.

2. محمد خوشحال، غورزنگ تحقیق را تحت عنوان حکم لواط از دیدگاه فقه و حقوق افغانستان دوره ليسانس پوهنتون کابل (1398) انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که لواط به عنوان یکی از جرایم پذیرفته شده در کود جزای افغانستان و فقه اسلامی می باشد که هر یک احکام خود را در زمینه دارند و در این خصوص از لحاظ حکمی کود جزای افغانستان از فقه اسلامی پیروی نکرده است و مجازاتی را که فقه اسلامی برای فرد لواطت کار در نظر گرفته است، کود جزای افغانستان از این حکم با در نظر داشت اشتراکاتی که با نهادهای حقوق بشری دارد، نمی تواند پیروی کند و مجازات مشخصی را پیشنهاد کرده است.

همچنین تحقیقاتی که در قالب کتاب صورت گرفته است، هر یک نشان دهنده بخشی از مباحث حکم بچه بازی و لواطت را در نظر دارند که شامل تحقیقات ذیل می شوند:

1. محمد اشرف، رسولی و همکاران در خصوص تدوین کتاب (تفسیر کود جزا) در قید چهار جلد (1398) انجام داده اند که این آثار از لحاظ ماهیت و جایگاه، معتبر است، اما از لحاظ اینکه مشخصاً روی یک موضوع باشد و جرم بچه بازی را به بررسی گرفته باشد، تنها در یک فصل مختصر به آن اشاره کرده اند که در جلد سوم آن درج گردیده است. بناء، اثر فوق الذکر پاسخگوی سوالات این تحقیق نیست.

2. عبدالاقرار، واصل اثری را تحت عنوان (حقوق جزای اختصاصی) (1397) به رشته تحریر در آورده است، این تحقیق هم از لحاظ ماهیت به عنوان یک اثر درسی و مبسوط است، اما از لحاظ عنوان و قلمرو موضوعی، با تحقیق حاضر همخوانی ندارد و مشخصاً روی یک بحث (جرم بچه بازی) منحصر نیست. بنابراین، پاسخگوی سوالات این تحقیق نیست.

با توجه به این، آثار دیگری در این خصوص به تحریر در آمده است که عبارت از:

1. حقوق جزای اختصاصی، اثر داد محمد نذیر؛

2. حقوق جزای اختصاصی، اثر محمد عارف رحیم؛

3. جرایم علیه حیثیت در حقوق جزای افغانستان، اثر غلام حیدر رضایی؛ و سایر کتابهای جزایی در این خصوص اند که هر یک دارای ویژگی خاصی اند و در خصوص جرم بچه بازی پرداخته اند، اما از لحاظ اینکه به عنوان یک اثر دارای مباحث مختلف اند، به عنوان آثار درسی و مطالعه‌ای قرار دارند. بنابراین، هیچ یک جوانب و سوالات این تحقیق را شامل شده نمی توانند.

ب: تحقیقات خارجی:

1. اسلام الدین، همدل تحقیقی را در قالب تیزیس ماستری در پوهنتون شهر کرد، کردستان ایران تحت عنوان بررسی تطبیقی بچه بازی در حقوق افغانستان و فقه

اسلامی (1398)، انجام داده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بچه‌بازی رقصانیدن و لذت بردن جنسی از طفل مذکر یا مخنث می‌باشد که معمولاً آثار چون؛ عمل لواطت، رقصانیدن با پوشش‌های زنانه و بیچگانه، لذت بردن از سایر عملکردهای وی را در بر دارد و در اواخر عصر هخامنشیان و با استعمار اسکندر کبیر یونانی در سنه 331 تا 323 ق.م وارد افغانستان شده است. بنابراین؛ توافق صورت گرفته میان خانواده طفل و کاته که منجر به بچه‌بازی و اعمال زشت چون لواط می‌شود، در فقه اسلامی حرام قلمداد شده است؛ چون هم نقض کرامت انسانی بوده و هم مجموعه‌ی از اعمال حرام می‌باشد و قانون فعلی هم به دلیل داشتن ضعف در ضمانت اجراء و نواقص نگارشی در این خصوص پاسخگو نیست. بناً، این تحقیق به بحث اساسی جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان به صورت گسترده و منحصر نپرداخته است؛ از این رو، این تحقیق، پاسخ‌گوی سوالات و فرضیات ما شده نمی‌تواند.

2. غلام علی، داودی قلعه بالا، تحقیق را در قید تحقیق دوره ماستری تحت عنوان؛ فقه و همجنس‌گرایی (لواط، مساحقه و قوادی) (1397)، انجام داده است، وی در نتایج تحقیق خود مشخص کرده است که غرایز نیروی محرکه انسان و گزینه جنسی موتور جستجوگر انسان در دنیا، برای بقا است که اگر در راستای اهداف خالق و شارع نظام هستی باشد، مطلوب و موجب خشنودی الله متعال جلّ جلاله است، وگرنه سبب می‌شود تا قهر خالق هستی را به دنبال داشته باشد و عامل عذاب و باعث فنا گردد. بنابراین، ارضای متعادل نیازهای روحی و جسمی همگام با تنظیم روابط و فعالیت‌های مربوط به جنسیت زن و مرد، عامل اصلی سلامت و روانی جامعه است، در حالی که همجنس‌گرایی، عملی غیر طبیعی و مخالف با عقل و فطرت بوده و با دین الله جلّ جلاله در تناقض قرار دارد. باتوجه به این، غالباً فاسدان و منحرفان جاهل و ناآگاه به اثرات دنیوی و آخروی همجنس‌گرایی

و همچنین احکام دینی و الهی، با اغواگری آلوده و در مسیر نظام سلطه گرفتار شده‌اند. همچنان تحقیقات دیگری در خصوص مباحث لواطت و استفاده جنسی از کودکان در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که هیچ یک پاسخگوی سوالات طرح شده تحقیق حاضر نیست. بنابراین، محقق در پی آن است که با استفاده از منابع موجود، به تحقیق حاضر پردازد تا باشد سهم خویش را در زمینه اداء نماید.

### **8 - جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق**

این تحقیق یکی از مهم‌ترین و بارزترین مواردی را که در حیات مادی و معنوی انسان جایگاه بلندی دارد، بحث عزت و جایگاه طفل و خانواده آن است، مورد بررسی قرار می‌دهد؛ از این رویکرد، یک جنبه جدید بودن تحقیق ما را می‌توان بیان کرد؛ از سوی دیگر، این تحقیق یکی از مهم‌ترین تحقیقاتی است که تا اکنون در این زمینه و با این مضمون بررسی می‌شود؛ در این زمینه، تحقیق جامع و کلی صورت نگرفته است که بتوان با اتکاء به آن، جرم بچه‌بازی را از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین افغانستان مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین، در این تحقیق تلاش می‌شود تا از این دو رویکرد جرم بچه‌بازی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و نتایج این تحقیق به عنوان یک دست‌آویز علمی می‌تواند سبب پیش‌گیری این دسته از جرایم گردد و همچنان می‌تواند راهکار مناسبی در این زمینه باشد؛ بناً، موارد فوق، از جنبه‌های جدید بودن و نوآوری‌های تحقیق ما است.

### **9 - سازمان‌دهی تحقیق**

این تحقیق شامل طرح تحقیق و سه فصل ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

فصل اول: مفاهیم و کلیات.

فصل دوم: جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی.

فصل سوم: جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان و در اخیر با ذکر نتیجه گیری،

پیشنهادات و منابع و مآخذ این تحقیق خاتمه می‌یابد.

# فصل اول

## مفاهیم و کلیات

این تحقیق در نظر دارد تا قبل از وارد شدن به مباحث اصلی چشم‌اندازی کلی را در باره موضوع ارائه نماید؛ چون هر بحث قبل از وارد شدن به مسایل اصلی خود نیازمند روشن ساختن و بیان مسایل آن به‌طور کلی می‌باشد؛ زیرا بیان مباحث مقدماتی و مفاهیم اساسی تحقیق، چشم‌انداز مختصر از مباحث یک تحقیق محسوب می‌گردد که باعث می‌شود تا از یک نگاه محقق را به اهداف تحقیق نزدیک سازد و از نگاه دیگر، ذهن خواننده را در رابطه به بیان موضوعات ذکر شده در تحقیق معطوف سازد. روی همین ملحوظ؛ این تحقیق در فصل اول روی مفاهیم اساسی موضوع پرداخته و آنرا مورد بحث بررسی قرار می‌دهد و سپس به بررسی موضوعات کلی بحث می‌پردازد:

### مبحث اول: مفاهیم

در این تحقیق مهم‌ترین مفاهیم کاربردی در نظر گرفته شده است که هر یک قرار ذیل مورد تعریف قرار می‌گیرند:

### مطلب اول: مفهوم فقه

فقه در لغت به معنی دانش اسلامی که موضوع آن شناخت فروع احکام شرعی و انطباق آن با مسائل روزمره زندگی است.<sup>۱</sup>

---

1. حسن، انوری، فرهنگ سخن، تهران: نشر سخن، ج 2، 1394، ص 1663.

معنی لغوی: فقه در لغت به معنای فهم و دانستن می باشد، چنانچه الله متعال جلّ جلاله میفرماید: ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيراً مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفاً وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزِينَ﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: ترجمه: قوم شعیب علی نبینا و علیه اصلاة و اسلام گفتند: ای شعیب! بسا آنچه که تو می گویی نمی دانیم؛

یا طبق این فرموده الله متعال جلّ جلاله که می فرماید: ﴿فَمَا لَهُؤْلَاءِ الْقَوْمِ لَأَ يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثاً﴾<sup>۲</sup>

ترجمه « این مردمان را چه شده است که سخن نمی فهمند (و منطق سرشان نمی شود؟)».

البته اگر به نصوص شرعی و اصطلاح عربها متوجه شویم به این نتیجه می رسیم که کلمه فقه مانند علم به معنای مطلق فهم و دانستن نمی باشد بلکه در مواردی بکار می رود که یا فهم عمیق باشد و یا مخاطب مقصد متکلم را بداند، چنانچه در آیه فوق به آن اشاره شده زیرا قوم حضرت شعیب علیه اسلام معنی ظاهری کلام او را می دانستند و او با لسان خود ایشان با آنها سخن می گفت، اما نفی دانستن بخاطر عدم درک مقصد اصلی او صورت گرفته است؛ به همین سبب هر عالم را فقیه گفته نمی شود.<sup>۳</sup>

همچنان تعریف فقه در لغت عبارت از «فهمیدن مقصود گوینده از گفتار او است»

آمده است.<sup>۴</sup>

1 . سورة هود، آیه 91.

2 . سورة نساء، آیه 78.

3 . غفوراحمد، غزنوی، اصول فقه، کابل: انتشارات تمدن شرق، 1398، ص 7.

4 . عبدالکریم احمد، محمودی، مبانی فقه، تهران: نشر احسان، 1378، ص 9.



فقه را از نظر اصطلاحی قرار ذیل به بحث می‌گیریم:

فقه عبارت است از علم به احکام شرعی که از ادله تفصیلی استنباط و استخراج میشود و به تعبیری ردیگر فقه عبارت است از آگاهی به احکام شرعی عملی که از دلایل تفصیلی آن‌ها بدست آمده باشد.<sup>1</sup>

تعریف فقه از لحاظ اصطلاحی به این شیوه نیز آمده است: «هو علم الحلال و الحرام وعلم الشرائع والاحکام».<sup>2</sup>

یعنی: فقه عبارت از دانستن اشیای حلال و حرام و نیز آگاهی از احکام شرعی می‌باشد؛

در ارتباط به معنای اصطلاحی فقه از جانب فقهاء دو تعریف ارائه گردیده است که یکی از جانب امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) و دیگری از طرف امام شافعی (رحمة الله علیه) می‌باشد.

1. تعریفی که امام ابوحنیفه<sup>3</sup> رحمه الله علیه برای فقه ارائه کرده است حاوی تمام احکام اعم از اعتقادی، اخلاقی، عبادی و معاملاتی می‌شود. پس به اساس این تعریف در علم فقه از تمام احکام چهارگانه مزبور بحث می‌شود. یعنی؛ این تعریف از امام ابوحنیفه رحمه الله علیه نقل شده است و عام می‌باشد طوری که تمام احکام اعتقادیات، مانند: وجوب ایمان، وجدانیات، مانند: اخلاق، احکام عملی، مانند: صلاة،

1. وهبة، الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، بیروت: دارالفکر، 1418، ص 9.

2. علاء الدین ابی بکر بن مسعود، الکاسانی النحنفی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج 1، 1424، ص 25.

3. اسم ایشان (نعمان) بن ثابت بن زوطی مرزیا و بنا بر روایتی زوطی بن ماه، فقیه ومحدث مشهور صاحب مذهب مشهور از مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت، مشهور به امام اعظم رحمه الله علیه است. امام اعظم رحمه الله علیه در خانواده مسلمان در شهر کوفه در دوران خلافت عبدالملک بن مروان (خلیفه اموی) در سال (80 هـ. ق) به دنیا آمده است. در زمینه علم، وی نه تنها به مسائل فقهی توجه داشت، بلکه به علم حدیث نیز اشتغال ورزید. امام در سال (150 یا 151 یا 153) بنا بر اختلاف روایات، در بغداد وفات نموده است وقول راجح در این مورد سال (150) می‌باشد.

صوم، بیع و شراء و غیره همه را شامل می‌گردد. بنابراین، تعمیم این تعریف در عصر امام ابوحنیفه رحمه الله علیه به خاطر عدم استقلالیت فقه از دیگر علوم شرعی بود؛ ولی در زمانه های بعدی علوم شرعی تقسیم بندی گردیده و فقه مختص به احکام مسائل عملی شد، فلذا علمای مذهب حنفی قید عملی را در تعریف فوق اضافه نموده اند تا مسائل اعتقادات و وجدانیات از آن خارج گردد. با توجه به این، امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) در مورد فقه می‌گوید: معرفه النفس ما لها و ما علیها.<sup>1</sup>

یعنی؛ فقه عبارت است از شناخت انسان از تمام حقوق و مکلفیت‌های خویش می‌باشد.<sup>2</sup>

2. امام شافعی<sup>3</sup> (رحمة الله علیه) می‌گوید: العلم بالأحكام الشرعية العملية المكتسب من أدلتها التفصیلية، او هو مجموعه الاحكام الشرعية العملية المكتسبه من ادلتها التفصیلية.<sup>4</sup>

یعنی؛ فقه دانش احکام شرعی و عملی است که از دلایل دقیق و تفصیلی به دست آمده است، یا گروهی از احکام شرعی عملی است که از دلایل دقیق و تفصیلی حاصل گردد. یا به معنی دیگر؛ فقه عبارت است از علم به احکام شرعی عملی که با

---

1. زین الدین ابن نجیم الحنفی ابن عابدین، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ومعه منحة الخالق، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج 1، 1418، ص 6.

2. سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله، التفتازانی، التلویح علی التوضیح، قاهره: مطبعة الصبیح، الجزء الاول، 1957، ص 10.

3. محمد بن ادریس بن عثمان بن شافع، معروف به امام شافعی رحمه الله علیه در سال 150 هجری در غزه، واقع در فلسطین دیده به جهان گشود. امام شافعی رحمه الله علیه اصالتاً قریشی بوده و یکی از اجداد او به نام شافع موفق به ملاقات رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) شده است، از این رو به امام شافعی معروف شد. امام شافعی رحمه الله علیه در خانواده ای تنگدست به دنیا آمد و در کودکی پدرش را از دست داد. او در کودکی همراه خانواده اش به مکه مسافرت کرد و در آنجا ماندگار شد. امام شافعی رحمه الله علیه در سال 204 هجری در یکی از سفرهایش به مصر در گذشت و در شهر قاهره به خاک سپرده شد.

4. محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة بن شهاب الدين الرملي، نهایه المحتاج إلى شرح المنهاج، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج 1،

1420، ص 31.

اجتهاد بالرأی از ادله تفصیلی گرفته می شود یا عبارت است از مجموعه از احکام شرعی که از ادله تفصیلی اخذ می گردد.<sup>۱</sup>

البته قابل ذکر است که مقصود از علم در تعریف فوق ادراک می باشد تا علم و ظن هر دو را شامل گردد، زیرا تمام مسائل فقه یقینی نیست بلکه اکثر مسائل آن ظنی است.<sup>۲</sup>

تعریف امام شافعی رحمه الله علیه قرار ذیل مورد توضیح قرار می گیرد:

**الف: علم:** - در این جا سوال مطرح می شود آنچه به واسطه اجتهاد دانسته می شود علم نیست، بلکه ظن غالب است، پس چطور از آن به علم تعبیر می شود؟ در پاسخ به این پرسش گفته شده است وقتی برای مجتهد ظن غالب حاصل شود که حکم حادثه فلان است، واجب است طبق آن عمل کند، لذا حکم قطعاً معلوم نیست و ظن در راه وصول به آن است و الله متعال جلّ جلاله نیز این صورت را به علم تعبیر کرده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلْوَا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

ترجمه: ای مؤمنان! هنگامی که زنان مؤمن به سوی شما مهاجرت کردند، ایشان را بیازمائید الله از ایمان آنان آگاه تر است (تا شما) - هرگاه ایشان را مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران برنگردانید. این زنان برای آن مردان و آن

1 . عبدالرحیم بن حسن بن علی، الاسنوی، نهاییة السؤل شرح منجاء الوصول الی الاصول، بیروت: ؟، جزء الاول، بی تا، ص 24.

2 . غزنوی، اصول فقه، ص 8.

3 . سورة الممتحنة، آیه 10

مردان برای این زنان حلال نیستند. آنچه را که همسران ایشان (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اند، بدانان مسترد دارید. گناهی بر شما نخواهد بود اگر چنین زنانی را به ازدواج خود درآورید و مهریه ایشان را بپردازید. با زنان کافر (غیر اهل کتاب) ازدواج نکنید و همسران کافر را در همسری خود نگاه ندارید (چرا که با کفر شوهر یا همسر، رابطه زوجیت به هم می‌خورد. اگر هم همسران شما کافر شدند و به دیار کفر گریختند، از کافران) چیزی را که (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اید درخواست کنید و مردان کافر نیز چیزی را که (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اند درخواست کنند. اینها حکم الله است و الله است که در میانتان فرمانروائی و داوری می‌کند و او آگاه کار بجا است.

**ب: احکام:** - احکام جمع حکم است و حکم در لغت به معنای اثبات امری برای امر دیگری یا نفی امری از امر دیگری است، مانند حکم بر اینکه ماه طلوع کرده است یا ماه طلوع نکرده است. اما در اصطلاح عبارت است از خطاب خداوند متعال متعلق به افعال اشخاص مکلف از حیث اقتضاء یا تخییر یا وضع. پس مقصود از احکام، احکام تکلیفی مانند وجوب، ندب، حرمت، کراهت و اباحت و احکام وضعی از قبیل شرطیت، سببیت و مانعیت می‌باشد.<sup>1</sup>

**ج: شرعی:** - منظور از شرعی، احکامی است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از قرآن و سنت گرفته شده است. پس احکام عقلی مانند چهار دو برابر دو است، کل نسبت به جزء خود بزرگ تر است، جهان حادث است و... احکامی که از طریق آزمایش ثابت است، مانند این که زهر مهلک است، احکامی که از طریق وضع ثابت

---

1. التفتازانی، التلویح علی التوضیح، ص 13.

است، مثل علم به این که افعال ناقصه مبتدأ را مرفوع و خبر را منصوب می سازند و احکام عادی، نظیر این که به تعقیب رعد و برق باران می بارد، خارج می شوند.<sup>۱</sup>

**د: عملی:** - شرط احکام شرعی آن است که عملی باشد، یعنی به افعال اشخاص مکلف، یعنی عبادات یا معاملات باشد، مانند نماز، بیع، شراء، جنایت. پس علم به احکام اعتقادی، یعنی اصول دین، مانند علم به وجود و وحدانیت الله و علم به صفات جمال و جلال خدای متعال و علم به این که همه انبیاء (علیهم السلام) فرستادگان برحق خداوند متعال به سوی بشریت هستند و علم به حق بودن روز آخرت و احوال آن بیرون می شود. هم چنین علم به احکام اخلاقی مانند واجب بودن صدق، عدالت، امانت و حرام بودن دروغ، ظلم و خیانت خارج می شود. زیرا احکام مذکوره محل بحث علم فقه نیست، بلکه مورد بحث علم کلام و اخلاق می باشد. قابل یادآوری است که منظور از این که احکام فقه عملی است تمام احکام فقه نیست، بلکه اکثریت آن است، زیرا برخی از احکام فقهی از قبیل رق که مانع میراث می شود، در شرایط کنونی علمی و نظری خالص می باشد.<sup>۲</sup>

**ه: ادله تفصیلی:** - هدف از ادله تفصیلی آن عده دلایل جزئی است که هر دلیل به یک مسأله معینی ارتباط می گیرد و بریک حکم معینی دلالت می کند، بطور مثال الله متعال (جلّ جلاله) می فرماید: ﴿وَأَقِمْوُ الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِينَ﴾<sup>۳</sup>

ترجمه: نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و با رکوع کنندگان رکوع

کنید.

---

1-الاسنوی، پیشین، ص 26.

2. هما اثر، ص 26.

3. سورة البقره، آیه 43.

این آیه کریمه یک دلیل جزئی است که به یک مسأله معین که همانا نماز است متعلق می باشد و بر یک حکم معین که همانا فرضیت نماز است دلالت می کند. و هم چنین خداوند (جلّ جلاله) می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾<sup>1</sup>

ترجمه: به زنا نزدیک نشوید زیرا زنا فحشاء و راه بدی است.

این آیه کریمه نیز به یک قضیه مشخص متعلق است که آن فحشاء است و بر یک حکم مشخص دلالت می کند که آن از حرام بودن جرم زنا می باشد. پس با قید (ادله تفصیلی) ادله اجمالی (کلی) خارج می شود، زیرا ادله اجمالی محل بحث علم فقه نیست، بلکه مورد نظر اصول فقه می باشد.

**و: اجتهاد بالرأی:** - با این قید علم الله متعال به احکام شرعی عملی خارج می شود، زیرا علم او تعالی اجتهادی نیست، بلکه ضروری است و هم چنین علم رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به احکام شرعی عملی بیرون می شود، زیرا علم آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) به احکام با اجتهاد بالرأی نیست، بلکه با وحی الهی حاصل می شود و هم چنین علم ما به احکام اشیایی که بالضرورة از دین دانسته می شود، مانند وجوب نماز و روزه و غیره. به همین ترتیب علم مقلدین راجع به احکام شرعی عملی که با سوال از مجتهد به دست می آورند و خود آنان اجتهاد نمی کنند، خارج می شود، زیرا علم مقلدین به طریقه اجتهاد به دست نمی آید، بلکه از طریق تقلید حاصل می شود.<sup>2</sup>

1 . سورة الاسراء، آية 32.

2 . ابوالفضل عضدالدین عبدالرحمن بن عبدالغفار، الايجی، شرح مختصر المنتهی لابن حاجب، قاهره: مطبعة الاميرية، ج 2، ب ت،

**ز: تفصیلی:** - با این قید ادله اجمالی کلی (قرآن، سنت، اجماع، قیاس و...) خارج می شود، زیرا ادله اجمالی محل بحث علم فقه نیست، بلکه مورد نظر اصول فقه می باشد.<sup>۱</sup>

بصورت فشرده و مفهومی می توان فقه را چنین تعریف کرد: فقه عبارت از دانستن مسائل عملی شرعی که از دلیل تفصیلی شریعت استنباط شده باشد.<sup>۲</sup>

فقه در اصطلاح فقهاء به آن بخشی از شریعت گفته می شود که مربوط به احکام عملی انسان در رابطه با خداوند خویشتن و دیگران است. بنابراین، معنی کلمه فقه در اسلام تحولات به خود دیده و در معانی مختلفی به کار رفته است.<sup>۳</sup>

فقه عبارت از علم به احکام شرعی متعلق به افعال مکلفین به صورت مجرد از دلیل بر اساس این اصطلاح است که به کتابهایی چون شرایع و لمعه کتب فقهی اطلاق می شود و همچنین علم به احکام و قواعدی که از ادله شرعی معتبر در رابطه به افعال مکلفین استنباط می شود می باشد. با توجه به این، نوع اول می تواند فقه تقلیدی باشد در حالی که دومی فقه اجتهادی است و در تحقق معنی اول کافی است که شخص احکامی را که دیگران استنباط کرده اند بداند ولی در معنای دومی فقه استنباط و اجتهاد و استخراج احکام از ادله شرعی ملاک صدق عنوان است در حالی که احکام فقه شامل مسائلی است که در شریعت اسلام نسبت به افعال مکلفین مقرر شده است و این احکام و قواعد شامل چهار زیر مجموعه به قرار ذیل است:

**الف:** آن سلسله احکامی که بالاصاله، رابطه انسان و خدا را تنظیم می بخشد که از جمله عبادات نیز شناخته می شود.

---

1 . عبدالاقرار، اصل، حقوق جزای اختصاصی، کابل: نشر سعید، 1398، ص 11.

2 . نصرالله، ستانکزی، قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل: نشر سعید، 1392، ص 118.

3 . عباس علی عمید، زنجانی، دانشنامه فقه سیاسی، تهران: نشر دانشگاه تهران، 1389، ص 294.

ب: آن بخشی از احکام که مربوط به تنظیم رابطه خلقی انسان با خویشتن و افراد دیگر و جامعه است که هدف از آن خود سازی و اتقرار ارزشه در اخلاق و رفتار و اندیشه فرد و اجتماع است و به این بخش از احکام شرع، اخلاقیات گفته می شود مانند: تعالیم مربوط به ایثار و بخل، این گونه احکام اغلب در شرایط عادی غیر الزامی هستند.

ج: آن قست از احکام که به رابطه اجتماعی مربوط می شوند و هدف از آن احکام، تنظیم روابط اجتماعی و استقرار نظم، عدالت و حفظ منافع عمومی است مانند: ابواب معاملات.

د: احکام مربوط به تنظیم روابط ملت ها که به وسیله مرزها جغرافیایی و یا عقیدتی که از یکدیگر جدا و به صورت تشکیل های سیاسی متمایز و با حاکمیت های مستقل زندگی می کنند.<sup>۱</sup>

فقه در متن عربی: «الْفِقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرْعِيَّةِ عَنِ ادِّلتِّهَا التَّفْصِيلِيَّةِ» آمده است که عبارت از علم به احکام فرعی شریعت از روی (منابع و دلایل تفصیلی آن است. بنابراین، عبارت «الاحكام الشرعيه» در تعریف مزبور، احکام عقلی از قبیل فلسفه و مانند آن، کلمه «الفرعيه» اصول دین و مسائل اعتقادی اسلام و جمله «عن ادلتها التفصيلية» علم غیر مجتهد را از محدوده «فقه» خارج می کند. از این رو، «مقلد» را نمی توان «فقیه» نامید، اگر چه به همه فتاوی مجتهد خود عالم باشد؛ زیرا علم او از روی دلیل نیست، بلکه از روی تقلید است.<sup>۲</sup>

1 . همان اثر، ص 294-295.

2 . محمد اسماعیل، نوری، آشنایی با ابواب فقه، تهران: نشر کتابخانه مدرسه فقهات، 1390، ص 14-15.



در نهایت امر، تعریف اصطلاحی فقه به معنی علم به احکام شرعی که با اجتهاد از ادله تفصیلی گرفته می‌شود، می‌باشد.<sup>۱</sup>

## مطلب دوم: مفهوم قانون

قانون در لغت به معنی؛ مقیاس همه چیز و طریق آنها می‌باشد.<sup>۲</sup>

قانون در لغت به معنی کلیه دستورات و مقررات موضوعه به وسیلهٔ مجلس ملی و قوهٔ اجرائیه در جوامع مدنی برای هدایت رفتار و عمل عمومی مطابق آن، قاعده و احکام به رسمیت شناخته شده و لازم الاجرا مثل قانون پرداخت مالیات بر عایدات و نظام وظیفه، نام کتابی که ابو علی سینا ترتیب کرده است.<sup>۳</sup>

همچنان، (معر) رسم، قاعده، روش، آیین؛ امری است کلی که بر همهٔ جزئیات منطبق گردد و احکام و جزئیات از آن شناخته شود؛ قاعده؛ قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت دار (قوهٔ مقننه) وضع ابلاغ کنند و آن مبنی بر طبیعت عالم تمدن و مناسب با مصلحت مردم است و همهٔ افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند؛ دفتر قانون، کتاب قانون؛ دفتر خراج؛ قوانین؛ قانون اساسی؛ یک سلسله قواعدی است که شکل حکومت و سازمان قوای سه گانه کشور و حقوق مردم و تکالیف ایشان را نسبت به دولت بیان می‌کند؛ مجموعهٔ قواعدی که جرم و مجازات را تعیین می‌کند؛ قانون جزاء؛ مجموعه قواعدی که جرم و مجازات را تعیین می‌کند.<sup>۴</sup>

در خصوص اصل مفهوم «قانون» که عربی است، دری یا یونانی میان حقوقدانان و لغت شناسان اتفاق نظر وجود ندارد. به طور کلی، در این مورد سه نظریه وجود دارد:

1 . عبدالکریم احمد، محمود، مبانی فقه، ص 10.

2 . احمد محمد الرفاعی، المدخل للعلوم القانونیه (نظریه القانون)، کویت: جامعة البنها، 2008، ص 3.

3 . غلام رضا، انصاف پور، فرهنگ فارسی کامل، کابل: نشر بین المللی سرور سعادت، 1394، ص 807.

4 . محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر آدنا، ج 2، 1386، ص 1219.

1) قانون از اصطلاحات دخیل در عربی است که از اصطلاح لاتین «kanon» یعنی خط کش مأخوذ است. دلیل این دیدگاه، تشابه آوایی (صوتی) بین لفظ «قانون» و «kanon» و نزدیک بودن معنای این دو و احتمال معرب شدن این کلمه در اثر تعامل فرهنگی اسلام و غرب است.

2) اصطلاح قانون غیر عربی است، اما مأخوذ از زبان رومی، فارسی، سریانی یا عبری می باشد.

3) «قانون» لفظاً و اصلاً عربی بوده و اصل آن «قن» است. قانون به لحاظ شکلی بر وزن «فاعول» است، که بر کمال و بذل و جهد دلالت دارد. وجود تشابه بین لفظ «قانون» و «kanon» یا «canon» دلیل بر غیر عربی بودن آن نیست و تغییر حرف «کاف» به «قاف» موجه به نظر نمی رسد، زیرا حرف «ک» مثل حرف «ژ» یا «گ» فارسی نبوده که نیاز به تعریب داشته باشد. نظریه این گروه به صواب نزدیک تر است زیرا هم دلایلش قوی است. با توجه به تبعات واژه قانون مانند: تقنین، تقنینیه، مقننه، مقنن که همه بر اوزان عربی اند، می توان با نظر اخیر هم عقیده شد.<sup>1</sup>

قانون عبارت از قواعد صریح و معقولی که از طرف هیئت حاکمه به منظور حفظ نظم جامعه و تأمین حقوق افراد وضع گردیده، تطبیق آن توأم با اجبار است. به اساس صراحت قانون اساسی افغانستان مصوبه هردو مجلس شورای ملی بعد از توشیح رئیس جمهور عبارت از قانون است.<sup>2</sup>

در نهایت امر قانون به معنای عام اعم است از تمام قوانین مدون که با طی تشریفات خاص وضع می شوند فارغ از اینکه واضع آنها قوه مؤسس، قوه مقننه یا سایر مقامات و مراجع صلاحیتدار باشد. اما، قانون به معنای خاص به مصوبات قوه مقننه

1 . نظام الدین، عبدالله، فرهنگ اصطلاحات حقوق مدنی افغانستان، کابل: نشر سعید، 1397، ص 243.

2 . نصرالله، ستانکزی، قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل: انتشارات سعید، 1387، ص 191.

اطلاق می‌شود. در حقوق افغانستان نیز تعریف قانون به مفهوم عام و خاص امکان پذیر است. به مفهوم عام قانون در برگیرنده تمام قواعد مدون اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، فرامین تقنینی، مقررات، اساسنامه‌ها، لوایح و طرزالعمل‌ها می‌شود، زیرا این اسناد موجب هنجارهای حقوقی اند. اما، به مفهوم خاص قانون براساس ماده 94 قانون اساسی در افغانستان صرف شامل قوانین عادی مصوب شورای ملی می‌شود.<sup>1</sup>

قانون به معنی اخیر به معاملات اختصاص دارد و شامل عبادات نمی‌گردد. به خلاف قوانین فقه اسلامی که هم در دین و هم در داد رسی بحث می‌کند و قانون در این معنی دارای ضمانت اجرائی است و الزامی بودن آن مستند به تنفیذ حکومت است و عمومیت دارد و نسبت به قضیه یا شخص معینی وضع نمی‌شود؛ بلکه برای همه مردم یا عده‌ای از آنها بدون استثناء و تخصیص وضع می‌گردد و از این حیث با حکم قاضی مغایرت دارد. کلمه قانون در زمان حکومت عثمانی بیشتر به احکام صادر از طرف دولت اطلاق می‌شد تا آنها را از احکام شرع حنیف که مبتنی بر ادله معروف خود می‌باشد جدا کند. چه امکان دارد در مساله‌ای حکم شرع با قانون موضوعه منافات داشته باشد مثلاً ربا در شرع حرام است ولی در قانون مباح. کلمه شرع به معنی قانون نیز به کار رفته است و گویند: شرایع اسلام یعنی قوانین اسلام و دانشمندان اصول کلمه حکم را به معنی قانون شرعی و کلمه حاکم را به معنی شارع استعمال کرده‌ان.<sup>2</sup>

---

1 . نظام الدین، عبدالله، فرهنگ اصطلاحات حقوق مدنی افغانستان، ص 251.

2: صبحی رجب، محمصانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، مترجم اسماعیل گلستانی، تهران: نشر آثار اندیشه، 1386، ص 8-10.

## مطلب سوم: مفهوم جرم

جرم در لغت به معنای گناه، خطا، عمل یارفتاری که غیر قانونی باشد، و یا انجام هر عمل ایجابی و سلبی که مخالف قانون باشد و غیره آمده است.<sup>1</sup>

همچنان جرم به معنای ذنب، گناه و جنایت آمده است.<sup>2</sup>

جرم اسم برای هر فعل حرام است، برابر است (این فعل حرام) برمال باشد یا بر نفس. و نیز گفته شده که، عبارت از تعدی بر ابدان است.<sup>3</sup>

لیکن در عرف فقهی به جنایتی اطلاق می شود که در نفس و اطراف باشد.<sup>4</sup>

همچنان جرم عبارت است از محظورات یا منهیات شرعی که الله متعال جلّ جلاله مرتکب آن را با حد یا تعزیر مجازات می کند.<sup>5</sup>

عبد القادر "عوده"<sup>6</sup> در شرح تعریف اخیر می گوید: مقصود از محظورات این است که کسی کار ناشایست و نهی شده‌ای را انجام دهد یا از انجام دادن کاری که باید

- 
1. أحمد مختار عبد الحمید، عمر، معجم اللغة العربية المعاصرة، قاهرة: عالم الكتب، طبع 1، ج 1، 1429، ص 366.
  2. محمد بن أحمد بن محمد بن سلیمان، بن بطال الرکبی، أبو عبد الله، المعروف ببطال، النُّظْمُ الْمُسْتَعْدَبُ فِي تَفْسِيرِ غَرِيبِ أَلْفَاظِ الْمَهْدَبِ، دراسة وتحقیق وتعلیق: مصطفى عبد الحفیظ سالم، مكة المكرمة: المكتبة التجارية، ج 2، 1991م، ص 155.
  3. علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان المرادوی الدمشقی الصالحی الحنبلی، مرادوی، الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، بیروت: دار إحياء التراث العربی، طبع 2، ب ت، ج 9، ص 433.
  4. لجنة علماء برئاسة نظام الدین البلخی، الفتاوی الهندیة، بیروت: دار الفكر، طبع 2، 1310، ج 6، ص 2.
  5. ابویعلی، القاضی أبو یعلی، محمد بن الحسین بن محمد بن خلف ابن الفراء (المتوفی: 458هـ)، الأحكام السلطانية للفراء صححه وعلق علیه: محمد حامد الفقی، طبع 2، بیروت: دار الكتب العلمية، 1421، ص 257.
  6. عوده، عبد القادر عوده: قاضی و متخصص حقوق اساسی، در سال (1324هـ - 1906م)، در کشور مصر به دنیا آمده است، از دانشکده ی حقوق قاهره بدرجه ی نخست فارغ گردیده، خیلی وقت قاضی محکمه بود، در سال (1951م) از منصب قضا کناره گیری به وکالت دفاع پرداخت، و بالآخره در سال (1374هـ - 1954م) همراه با تعداد زیادی از رهبران اخوان المسلمین توسط حکم محکمه ی نظامی اعدام شدند. رحمت الله علیهم، اجمعین. مقدمه ای التشریح الجنائی الاسلامی، مقارنا بالقانون الوضعی، عبد القادر عوده، مترجم: حسن فرهودی نیا، تهران: نشر یاد آوران، 1390، ج 1، ص 15 - 16.

صورت بگیرد سر باز زند. افزون شدن صفت شرعی به محظورات نشان می‌دهد که مقصود از جرم آن است که شرعاً جرم و بزه تلقی شود. با توضیحات فوق، جرم عبارت خواهد بود از انجام دادن یا ترک فعلی که شرعاً مجازات دارد و به عبارت دیگر، فعل یا ترک فعلی که شرعاً حرام است و مجازات دارد. بنابراین، از تعریف جرم چنین بر می‌آید که فعل و ترک فعل در صورتی خطا و گناه تلقی می‌شود که مجازات داشته باشد. در منظر فقه اسلامی از مجازات به "اجزیه" که مفرد آن "جزا" است تعبیر می‌شود. پس اگر فعل یا ترک فعل فاقد مجازات باشد، جرم محسوب نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

امام راغب اصفهانی در مورد جرم بیان داشته است که جرم بیانگر نوع نگرش یک جامعه به اعمال خلاف ارزش اجتماعی است که احصای اعمال مورد انزجار همان جامعه و اصل قانونی بودن جرم را به همراه دارد.<sup>۲</sup>

به بیان دیگر راغب اصفهانی، از لحاظ نظری بسیاری از مباحث همچون جامعه شناسی، روانشناسی جنایی و حقوق کیفری در ارتباط با جرم است که بدون شناخت ماهیتی از بزه نمی‌توان میان آنها پیوند برقرار کرد. با بررسی تعاریف گوناگون در علوم مختلف مشخص می‌شود که علوم انسانی یا اندیشمندان حوزه‌های مختلف این علوم که انسان یا جامعه به طور مستقیم، موضوع مورد مطالعه آنها است در مورد تعریف جرم برآمده اند، هرچند دگرگونی این تعاریف در طول تحولات تاریخی مشهود است، مقایسه جرم با عناوین مشابه یکی از راه‌های بیان ماهیت آن است.<sup>۳</sup>

---

1 . عبدالقادر، عوده، مقدمه ای التشریح الجنائی الاسلامی، ج 1، ص 79.

2 . محمد بن حسین، راغب اصفهانی، مفهوم الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، 1424، ص 525.

3 . محمد بن حسین، راغب اصفهانی، المفردات القرآن، ص 525.

در کود جزای افغانستان جرم چنین تعریف شده است: جرم ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیری تأمینی تعیین گردیده باشد.<sup>1</sup>

محمد اشرف رسولی، در شرح این ماده می گوید: به اساس حکم ماده ی فوق رفتار ارتكابی مرتكب که جرم دانسته شده است عمدتاً شامل دو حالت می گردد:

1- جرم ارتكاب يك عمل است. یا به عبارت دیگر ارتكاب عمل ممنوعه ی قانونی ( اجرای عمل مثبت).

2- یا امتناع از اجرای عملی که قانون آن را جرم شناخته باشد ( عمل منفی).

3- نکته ی مهم و ضرور در اجرا یا امتناع از عمل این است که قانون اجرای عمل یا امتناع از آن را جرم دانسته باشد.

4- قانون نه تنها چنین رفتاری را جرم تلقی ، بلکه عناصر آن را نیز بیان نموده باشد؛ این امر کافی دانسته نمی شود که قانون اجرا یا امتناع از اجرای عملی را جرم دانسته باشد، بلکه لازم است تا قانون برای چنان عمل مجازات یا تدابیری تأمینی را نیز پیش بینی شده باشد. ازین که عمل معمولاً در قانون جزا به اجرا یا امتناع از اجرا؛ اطلاق می گردد، معقول خواهد بود که به عوض آن رفتار ذکر شود؛ زیرا طوری که در این مبحث توضیح خواهد شد، رفتار نه تنها شامل اجرا یا امتناع از اجرای عمل خلاف قانون می گردد، بلکه موارد دیگری را نیز در بر میگیرد، مانند اجرای عمل یا فعل مثبت، امتناع از اجرای عمل یا ترک فعل یا رفتار منفی، فعل ناشی از ترک فعل، حالت، وضعیت و نگهداشتن می باشد. در واقع جرم یک پدیده ی اجتماعی است، طوری که جرم علیه ارزشها و نظامات حاکم بر جامعه واقع شده و نظم قبول شده ی اجتماعی را بر هم میزند. بنابراین، ارتكاب رفتار مخالف نظم اجتماعی که مضر بر

1 . وزارت عدلیه، جریده رسمی، کود جزای افغانستان، کابل: نشر دولتی، 1396، نمبر مسلسل 1260، ماده 27.

حال فرد یا جامعه تلقی می گردد، باید واجد اوصاف و شرایط یا عناصری باشد که این رفتار را از سایر رفتارهای مخالف قواعد اخلاقی یا دینی و مذهبی و اداری و صنفی متفاوت باشند، به این لحاظ گفته می شود که چنین رفتاری باید در قانون منحصراً جرم پیش بینی و به آن جزا تعیین شده باشد.<sup>۱</sup>

### **مطلب چهارم: مفهوم بچه بازی**

قانون گذار افغانستان در ماده 653 کود جزا چنین تعریفی را از بچه بازی نموده است: «شخصی که طفل مذکر یا مخنث را به منظور لذت بردن جنسی یا رقصانیدن در محفل عام یا خصوصی نگهداری نماید، یا یکی از اعمال مندرج این فصل را انجام دهد».<sup>۲</sup>

بچه بازی عبارت از نگهداری طفل مذکر و یا خنثی به منظور لذت جنسی و رقصانیدن در محافل، رقصانیدن در محافل و تجاوز جنسی، تفریح و یا آزار و اذیت جنسی چنین طفلی می باشد.<sup>۳</sup>

بچه بازی اصطلاحیست که در گفتار عامیانه مردم افغان به معنای هر گونه سوء استفاده جنسی از کودکان به قصد کسب درآمد بکار برده می شود. بچه بازی می تواند شامل مواردی چون پورنوگرافی کودکان، بردگی جنسی و تن فروشی کودکان که در آن کودکان خردسال یا پسران نوجوان به مردان با نفوذ یا ثروتمند برای ایجاد سرگرمی و کارهای جنسی فروخته می شوند.<sup>۴</sup>

---

1 . جمعی از نویسندگان، تفسیر کود جزا، کابل: نشر بنیاد آسیا، ج 1، 1398، 95-96

2 . کود جزای افغانستان، ماده 653.

3 . جمعی از نویسندگان، تفسیر کود جزا، ج 3، ص 454.

4 . Boys in Afghanistan Sold Into Prostitution, Sexual Slavery, Digital Journal, Nov 20, 2007.

بچه بازی عبارت است از میل شدید جنسی یا تحریک جنسی نسبت به کودکان 13 سال به پایین است و فردی که این مشکل را دارد حداقل 6 ماه علائم این اختلال روانی را دارد. فرد متجاوز حداقل 16 سال سن دارد و دست کم 5 سال از قربانی بزرگتر است. در کل بچه بازی شامل مواردی مانند پورنوگرافی کودکان، بردگی جنسی و تن فروشی کودکان که در آن کودکان خردسال به مردان با نفوذ و ثروتمند برای کارهای جنسی داده می شوند نیز گفته می شود. بچه بازی یک انحراف جنسی است که در آن فرد از لحاظ جنسی جذب کودکان می شود و این یک مسئله غیرطبیعی است. افراد بچه باز به هر دو جنس دختر و پسر جذب می شوند. برخی از افراد بچه باز با افراد بزرگسال غیر هم جنس نیز رابطه خوبی دارند ولی برخی دیگر نمی توانند با افراد بالغ و بزرگسال رابطه عاطفی و جنسی برقرار کنند و اعتماد به نفس کمی دارند. هم چنین به نظر می رسد بین بچه بازی و شخصیت ضداجتماعی رابطه وجود دارد چون مردان مبتلا به هر دو مشکل، میل جنسی زیادی به کودکان نشان می دهند. مردان بچه باز اغلب می گویند در کودکی دچار تجاوز جنسی شده اند. در این افراد همیشه ترس از جذب شدن به کودکان وجود دارد و به همین علت نمی توانند زندگی معمولی داشته باشند کودکانی که در محیط های خلوت تنها می مانند، بیشتر در معرض خطر تجاوز جنسی قرار می گیرند.<sup>1</sup>

با توجه به این، بهره کشی و سوءاستفاده جنسی از کودکان ذکور و مخنث در قالب های گوناگونی انجام می شود. تعدادی از اشخاص، یک و یا بیشتر کودکان پسر را که عموماً دارای سنین بین 10 الی 18 سال اند، به منظور بچه بازی که عموماً با بهره کشی جنسی و سایر آزارهای جنسی همراه است، نگهداری می کنند. این کودکان که اغلباً از خانواده های فقیر اند، توسط برخی از اشخاص پولدار به حیث محافظ شخصی، شاگرد، کارگر خانه، دکان، نانوايي، تعمیرگاه، مستخدم هتل و رستوران

---

1 . <http://www.heyvafamily.com/web/articles/view>.



و یا سایر وظایف در بدل پرداخت پول و یا استفاده از زور، تهدید، حیل و نیرنگ و یا تطمیع نگهداری شده و اغلبا مورد سوءاستفاده های جنسی نیز قرار می گیرند. در بعضی مناطق، این کودکان در حالی که لباس زنانه به تن دارند، در مهمانی ها و محافل عروسی به حیث رقاص استفاده می شوند. پس از ختم این محافل، به خانه های شخصی و یا هتل ها برده شده و مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند و حتی گاهی اتفاق می افتد که آن ها را مورد تجاوز گروهی نیز قرار می دهند. آن ها مانند برده های جنسی، به طور استمرار مورد بهره کشی جنسی و سایر انواع آزارهای جنسی قرار می گیرند.<sup>1</sup>

بچه بازی در قوانین سابق کشور به طور صریح تعریف نشده و حکمی صورت نگرفته بود؛ اما این عمل به دلیل اینکه نوعی از بهره کشی و بدرفتاری جنسی است، برخلاف روحیه قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور محسوب می شد، اما قانون گذار افغانستان با توجه به تخریب و میزان وسعت این جرم، پس از رأی عمومی این عمل را جرم پنداشت و برای عاملین آن با توجه به شرایط خاصی مجازات مشخص مقرر کرد. بنابراین، در رسم بچه بازی، به دلیل اینکه کودکان به گونه برده جنسی نگهداری و مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند، حق آزادی و کرامت انسانی آنها نقض می گردد. بچه بازی برخلاف احکام مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک و سایر کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر بوده و ممنوع می باشد. مطابق این کنوانسیون ها، دولت های عضو مکلف اند که با استثمار جنسی کودکان مبارزه نموده و از کودکان در برابر همه انواع استثمار و بهره کشی جنسی حمایت نمایند. بنابر کنوانسیون حقوق کودک،

---

1. خلاصه گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نشر شده در: [http://www.aihrc.org.af/home/daily\\_report/3322](http://www.aihrc.org.af/home/daily_report/3322)

دسترسی شده 1396/11/25.

دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را اتخاذ نمایند تا از اختطاف، قاچاق و فروش کودکان به هر دلیل و به هر شکلی که صورت می‌گیرد، جلوگیری شود.<sup>۱</sup>

### مطلب پنجم: مفهوم لواط

در فرهنگ فارسی معین لواط به معنی در آمیختن با مرد، مردبازی و شاهد بازی تعریف گردیده است.<sup>۲</sup>

در کتاب المعجم الوسیط آمده است که لاط الشیء بالشیء لوطا یعنی متصل به آن شد و لاط الشیء بقلبی بدین معناست که آن چیز به قلب من وارد شده و دوستش دارم و لاط فلان لوطا یعنی عمل قوم لوط را انجام داد و لاط الحوض بالطین یعنی حوض را گل اندود نمود.<sup>۳</sup>

در خصوص معنای لغوی لواط در جای دیگر، چنین بیان شده است که لواط اسم عام است و از لاط الشیء بقلبی یلوط لوطا و لیطا مشتق شده است.<sup>۴</sup>

فقه‌های اهل سنت غالباً زنا در عقب را ممکن می‌دانند به جز فقه‌های حنفیه که زنا و لواط را متفاوت دانسته‌اند و استدلال کرده‌اند که فلسفه‌ی ممنوعیت زنا، جلوگیری از خلط انساب است که در وطی در دبر امکان ندارد و از نظر عرفی نیز این دو واژه با یکدیگر تفاوت دارند. پس اگر ثابت شود که عرف میان نزدیکی کردن از جلو با زن و نزدیکی کردن با عقب، تفاوت گذاشته و اولی را زنا می‌نامد در حالی که دومی را لواط می‌دانند، باید از نظر عرف تمکین نمود. با توجه به این، لواط عبارت است از

- 
1. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مختصر گزارش تحقیقی ملی در مورد بچه بازی در افغانستان، سال 2014، ص 1.
  2. محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر امیر کبیر، جلد 3، 1391، ص 3638.
  3. جمعی از نویسندگان، المعجم الوسیط، ترجمه: احمد حسن، زیات، ابراهیم مصطفی و دیگران، تهران: نشر صادق، ج 2، 1392، ص 846.
  4. محمد بن حسن بن محمد، اصفهانی، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، بیروت: نشر مؤسسه الاسلامی، 1416، ص 456.

(وطی انسان مذکر، چه به صورت دخول و چه به صورت تفریغ)، اما به نظر می‌رسد این عدم دقت در وضع الفاظ، آثار نامطلوبی دارد و در فرهنگ سخن، کلمه لواط به آمیزش جنسی دو مرد یا آمیزش جنسی مرد با مرد؛ تعریف گردیده است<sup>۱</sup>

ماده 646 کد جزای افغانستان در تعریف لواط چنین تصریح نموده: «(1) شخصی که با زن یا با مرد دیگری لواط نماید، به مقصد این ماده، لواط با دخول اندام تناسلی مرد در دُبُر زن یا مرد دیگری به هر اندازه‌ای که باشد محقق می‌شود»<sup>۲</sup>.

## مبحث دوم: کلیات

باتوجه به اینکه در مطالب فوق روی مهم‌ترین تعاریف و مفاهیم اساسی بحث پرداخته شد، در این مبحث به مهم‌ترین مسائل کلی، مهم و کاربردی در این تحقیق پرداخته می‌شود که جایگاه هر یک از لحاظ ماهیت قابل توجه است. بنابراین، مهم‌ترین مطالب این مبحث قرار ذیل اند:

### مطلب اول: پیشینه تاریخی فرهنگ بچه‌بازی

بچه‌بازی در واقع گونه‌ای از شاهدبازی مرسوم در تاریخ آسیای مرکزی به حساب می‌آید. انجام این کار در شهرهای بزرگ پس از جنگ جهانی اول رو به کاهش نهاد. شماری از گردشگران غربی که از آسیای مرکزی دیدن کرده‌اند در رابطه با بچه‌بازی گزارش‌هایی نوشته‌اند. (اونجن شایلر) که در سفری به ترکستان از ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۳ داشته، می‌نویسد: «در اینجا پسران و جوانان که برای رقص آموزش دیده‌اند، به جای دختران نقش رقصنده را عهده دارند. وضعیت اخلاقی آسیای مرکزی پس از تغییرات عمده، بهتر نشده است». به عقیده او این رقص‌ها «به هیچ روی شرم‌آور به نظر

1. حسن، انوری، فرهنگ فشرده سخن، تهران: نشر علمی، 1390، ص 2008.

2. کد جزای افغانستان، ماده 646.

نمی‌آمدند اما اغلب شامل صحنه‌های شهوت برانگیز بودند» در آن زمان گویا مقامات رسمی از این آیین پشتیبانی می‌کرده‌اند. شایرلر همچنین می‌نویسد: «این پسران رقصنده» در سراسر مناطق مسکونی آسیای مرکزی شناخته شده هستند، اما بیشتر در بخارا و نزدیکی‌های سمرقند مشاهده می‌شوند. در خانات خوقند رقصیدن در جمع برای چندین سال پیاپی ممنوع بوده‌است. خان پیشین که فردی شهوت‌ران بوده برای تظاهر به رعایت اخلاق و سخت‌گیری، چنین دستوری داده است ... در تاشکند بچه‌بازی تا سال ۱۸۷۲ ادامه داشته‌است. اما شیوع بیماری وبا باعث شد ملاحظا اظهار کنند که رقصیدن، کاری خلاف دستورات قرآن است و به درخواست رهبران جامعه اولیه، در تابستان آن سال مسئولان روسی رقصیدن در جمع را ممنوع کردند. به نوشته شایرلر این ممنوعیت هرگز بیش از یک سال دوام نیافت؛ بنابراین سارته‌ها دوباره مشتاق به انجام رقص شدند. او احترام و توجهی که این گونه رقص‌ها از طرف مردم دریافت می‌کردند را این گونه توصیف می‌کند: این بچه‌ها به عنوان بزرگ‌ترین خوانندگان و هنرمندان مورد تشویق و تحسین قرار می‌گیرند. هر حرکتی که انجام می‌دهند با کف و سوت جمع روبرو می‌شود و من تاکنون چنین تشویقی از سوی جمع در مورد یک کار هیجان‌انگیز و نفس‌گیر ندیده‌ام. جمعیت درحالی که با کف زدن گذر زمان روی صحنه را نمایش می‌دهد، گویی می‌خواهد با چشمانش این کودکان را بلعد. اگر یکی از این بچه‌ها برای دادن یک کاسه چای به یکی از مردان خم شود، آن مرد از جا بلند شده و با اطاعت ژرفی آن را دریافت کرده و کاسه خالی را به همین صورت برمی‌گرداند و آن بچه را با الفاظی چون تکسیر به معنای 'اعلی حضرت' یا کولوک به معنای 'من برده شما هستم' مورد خطاب قرار می‌دهد. حتی هنگامی که یکی از این بچه‌ها در حال عبور از بازار باشد، همه آن‌ها که او را می‌شناسند، از جا برخاسته و دست بر سینه به وی سلام می‌گویند و می‌گویند: کولوک! و اگر آن بچه در یکی از دکان‌ها برای کاری بایستد، این برای صاحب آن مغازه افتخار بزرگی

است. وی همچنین گزارش می‌دهد که چنانچه یکی از این بچه‌ها آن قدر پیر شود که نتواند به کار رقص بپردازد، شروع به آموزش بچه‌های دیگر برای رقص می‌نماید تا او بتواند در این حرفه باقی بماند.<sup>۱</sup>

در زمان حکومت طالبان بچه‌بازی در اصل هم‌جنس‌بازی به حساب می‌آمد و به همین روی ممنوع بود. مخالفت طالبان با بچه‌بازی به این خاطر بود که آن را با احکام اسلام مغایر می‌دانستند و از همین روی پس از ۱۹۹۶ که روی کار آمدند، آن را ممنوع اعلام کردند. در دوره طالبان رابطه جنسی با نوجوانان هم‌جنس، لواط به حساب می‌آمد و مجازات آن اعدام بود.<sup>۲</sup>

### **مطلب دوم: مصادیق جرم بچه‌بازی در کُود جزای افغانستان**

جرم بچه‌بازی به عنوان یک سنت نامعقول و رفتار خلاف اخلاق انسانی، یکی از بدترین روش‌ها و عاداتی است که در میان مردم افغانستان به سطح خیلی بلندی موجود است. در این عمل غیر اخلاقی جهت کشانیدن اطفال و نوجوانان به این حلقه، از انواع مختلف راه‌ها استفاده می‌کنند تا آنها را به دام خود گرفتار کنند و یا اینکه مشکلات عمده چون؛ مشکلات اقتصادی، مشکلات خانوادگی، دوری از محبت والدین، اختلافات خانوادگی، وفات پدر و مادر و صدها مورد دیگر سبب می‌شود تا آنها به دام این مرض مهلک و ریشه‌کن کننده جامعه گرفتار شوند. بنابراین، در ذیل به مهم‌ترین مصادیق جرم بچه‌بازی مطابق مواد کُود جزا پرداخته می‌شود:

- 
1. Schuyler, Eugene, Turkistan: Notes of a Journey in Russian Turkistan, Khokand, Bukhara and Kuldja (London: Sampson, Low, Marston, Searle & Rivington) 1876, Vol.I p 132.
  2. London Times: Kandahar Men Return to Original Love: Teenage Boys. January 27, 2002. Accessed February 9, 2015.

1. لذت بردن جنسی از بچه و یا رقصانیدن: قانون گذار افغانستان یکی از مصادیق مهم و اساسی جرم بچه بازی را همانا لذت بردن جنسی و رقصانیدن وی قلمداد کرده است. آن گونه که در ماده 654 کود جزای افغانستان مشخص نموده است: «برای مرتکب جرم بچه بازی که طفل مذکر و یا خنثی را برای لذت جنسی و یا رقصانیدن نگهداری می کند حبس متوسط تا 3 سال پیش بینی شده است».<sup>1</sup>

در بعضی مناطق کشور، این کودکان در حالی که لباس زنانه به تن دارند، در مهمانی ها و محافل عروسی به حیث رقص استفاده می شوند. پس از ختم این محافل، به خانه های شخصی و یا هتل ها برده شده و مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند و حتی گاهی اتفاق می افتد که آن ها را مورد تجاوز گروهی نیز قرار می دهند. آن ها مانند برده های جنسی، به طور استمرار مورد بهره کشی جنسی و سایر انواع آزارهای جنسی قرار می گیرند. بهره کشی و سوءاستفاده جنسی از کودکان ذکور و مخنث در قالب های گوناگونی انجام می شود. بر اساس ماده های این فصل بچه بازی عبارت از نگهداری طفل مذکر و یا خنثی به منظور لذت جنسی و رقصانیدن در محافل، رقصانیدن در محافل و تجاوز جنسی، تفریذ و یا آزار و اذیت جنسی چنین طفلی می باشد.<sup>2</sup>

2. آموزش رقص جهت تدویر برنامه های بچه بازی: ضمن اینکه بعضی از مصادیق دیگری برای جرم بچه بازی موجود است، آموزش رقص یکی از مهم ترین رویکردهایی است که در برنامه های بچه بازی از آن جهت امیال و شهوات شان و همچنان گرم کردن مجلس شان استفاده می کنند. بنابراین، قانون گذار افغانستان در

---

1 . کود جزای افغانستان، ماده 654.

2 . جمعی از نویسندگان، تفسیر کود جزا، ج 3، ص 456.

ماده 655 کود جزای چنین صراحت داده است: «شخصی که طفل مذکر یا مخنث را به منظور بچه‌بازی آموزش رقص دهد، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد».<sup>1</sup>

در توضیح این ماده قانون آمده است که قانون‌گذار کشور این ماده جرم مرتبط با بچه‌بازی را جرم‌انگاری نموده و مجازات آن را مشخص نموده است. بر اساس این ماده شخصی که برای بچه‌بازی به طفل آموزش رقص دهد، مرتکب جرم بچه‌بازی محسوب می‌گردد و مجازات مشخصی را در پی دارد.<sup>2</sup>

3. به قصد استثمار در محافل عام یا خصوصی رقصانیدن بچه: آن گونه که در فوق هم تذکر به عمل آمد، اصلاً بچه‌بازی بیشتر در محافل عروسی، شیرینی خوری و بعضی از برنامه‌ها و مسائل خاص صورت می‌گیرد و این رویکرد معمولاً جهت استثمار بچه در محافل عام یا خصوصی جهت رقصانیدن محسوب می‌گردد. بنابراین، قانون‌گذار کشور در این خصوص نیز بیان داشته است که: «(1) شخصی که طفل مذکر و یا مخنث را به قصد استثمار در محافل عام یا خصوصی برقصاند، به حبس متوسط بیش از سه سال، محکوم می‌گردد».<sup>3</sup>

باتوجه به آنچه که قانون‌گذار کشور مشخص نموده است، منظور از به قصد استثمار اعم از قصد لذت جنسی است و حتی اگر برای کسب درآمد هم باشد مشمول حکم این ماده می‌باشد. اگر چه عنوان مواد 655 و 656 کود جزا از رقصانیدن طفل حکایت می‌کند که دربرگیرنده هر دو جنس مذکر و مؤنث می‌شود، اما متن ماده این جرم مختص به مذکر و مخنث گردیده، در حالی که حمایت قانونی از طبقه آسیب‌پذیر مؤنث، موجه‌تر به نظر می‌رسد. جهت رفع تبعیض از قاعده مذکور بهتر

---

1. کود جزای افغانستان، ماده 655.

2. جمعی از نویسندگان، تفسیر کود جزا، ج 3، ص 458.

3. کود جزای افغانستان، ماده 656.

است با اصلاح در متن قانون، جنس مؤنث نیز مورد حمایت قانون قرار گیرد تا از وارد شدن صدمه به شخصیتشان از اثر ارتکاب این جرایم، جلوگیری صورت گیرد.<sup>۱</sup>

### **مطلب سوم: قلمرو فرهنگ بچه بازی**

بر پایه تحقیقی که به سال ۲۰۱۱ در پاکستان توسط (اینگبورگ بالاداف) از ۴ پسر بچه به عمل آمد، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین نحوه انجام بچه‌بازی در پاکستان با ازبکستان و افغانستان در سال ۱۹۷۰ تقریباً یکسان مشاهده شده است. پدیده بچه‌بازی که یک عمل منفور، خلاف دستورات دین مقدس اسلام و جزء تخلفات حقوق بشری به شمار می‌رود، از سالیان متمادی (۱۸۷۲) میلادی تا امروز، در میان جوامع بشری رایج بوده و به گونه‌های مختلف، توسط زورمندان و پولداران، بالای اطفال مذکر یا مخنث که از لحاظ ظاهری زیبا به نظر برسند، برای لذت بردن، رقصانیدن در مجالس عمومی و خصوصی و غیره اعمال نامشروع، انجام می‌شود. بر اساس گزارش رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری در داخل و بیرون از کشور در طول یک و نیم دهه اخیر، این پدیده ناروا نه تنها که میان افراد ملکی در افغانستان صورت می‌گیرد؛ بلکه در برخی قطعات نظامی کشور نیز انجام می‌شود. اخیراً یک بار دیگر، دی هیل «The Hill» روزنامه کانگرس ایالات متحده آمریکا در رابطه به موارد بچه‌بازی در صفوف نیروهای نظامی افغان، خبری را منتشر نمود و در آن یادآوری گردیده، که پول مالیه دهندگان امریکایی، در موارد بچه‌بازی در صفوف نیروهای نظامی افغان به مصرف می‌رسد. با وصف انتشار چنین گزارش‌های تکان دهنده؛ باز هم ادارات مسوول حکومتی، مهر بر لب زده، برای جلوگیری آن نه در اجتماع و نه در قطعات نظامی دست به کار می‌شوند. قابل یادآوری است که قبلاً برای عاملین این پدیده زشت، در قوانین جزایی کشور به طور صریح مجازات لازم پیشبینی نگردیده بود. و یکی از

---

۱. جمعی از نویسندگان، تفسیر کود جزا، ج ۳، ص ۴۵۹.



بهبان‌های مسوولین مربوطه حکومت افغانستان این بود که برای این عمل، در قوانین جزایی مجازات پیشبینی نگردیده است؛ اما اخیراً کد جزا که در برگیرنده چندین قانون مرتبط به موضوعات جزایی می‌شود، در دو کتاب تنظیم و ذریعه فرمان تقنینی توسط رئیس جمهور توشیح گردیده است، که پیرامون این عمل زشت، که عاملین آن اگر افراد ملکی و یا نظامی باشند، فصل جداگانه زیر عنوان (سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی - بچه بازی) مدنظر گرفته شده و این عمل را جرم شمرده و برای عاملین آن، مجازات را پیشبینی نموده است. در برخی از مواد این فصل، پیشبینی گردیده که برای نگهداری طفل جهت رقصانیدن، حبس متوسط (از پنج سال تا سه سال)، شخصی که محفلی را به منظور بچه بازی برگزار نماید یا آگاهانه زمینه را برای ارتکاب این عمل فراهم سازد، به حبس قصیر (شش ماه) و در صورت تکرار به حد اکثر حبس قصیر، شخصی که آگاهانه در محفلی که به منظور بچه بازی اختصاص یافته باشد، اشتراک نماید، به جزای نقدی از پنجهزار تا سی هزار افغانی محکوم می‌گردد. همچنان در برخی مواد دیگر این فصل چنین آمده است: هرگاه جرایم مندرج این فصل، توسط منسوب نیروهای نظامی ارتکاب یابد؛ مرتکب، به حبس متوسط (پنج سال) محکوم می‌گردد. به همین ترتیب در جای دیگر آن آمده است که هرگاه منسوب نیروهای نظامی که از ارتکاب جرم بچه بازی توسط اشخاص تحت امر خود آگاهی داشته باشد، از ارتکاب آن قصداً جلوگیری ننماید یا اقدام لازم را در حدود صلاحیت خود، برای جلوگیری از ارتکاب آن انجام ندهد، به حداکثر حبس قصیر، محکوم میگردد. آگاهان امور تقنینی و حقوقی، بدین باوراند که جرم انگاری یا جا دادن مجازات برای مجرمین عمل بچه بازی در قوانین کشور، یک گام نیک از جانب حکومت بوده و مجازاتی که برای عاملین بچه بازی پیشبینی گردیده، مناسب پنداشته

می‌شود، که با تطبیق آن، توسط مسوولین مربوطه، این عمل ناجایز که نه در دین اسلام جا دارد و نه در فرهنگ و سنن افغانی ما، در کشور کاهش خواهد یافت.<sup>۱</sup>

### **مطلب چهارم: عوامل مجنی علیه واقع شدن اطفال به جرم بچه بازی**

تبارز و گسترش بچه بازی در افغانستان عوامل و زمینه‌های متعددی دارد. عوامل و زمینه‌های چون عدم حاکمیت قانون و فساد اداری، ابهام و خلا قانونی، دسترسی محدود به عدالت، فقر، ناامنی و موجودیت گروه‌های مسلح غیر مسوول در ترویج این عمل موثر بوده است. با توجه به این، عوامل مختلفی در مجنی علیه واقع شدن اطفال در جرم بچه‌بازی دخیل است که در ذیل بیان می‌شوند:

الف) ساختار تک جنسیتی: اگر پدیده‌ی بچه‌بازی را بر اساس آموزه‌های جامعه شناسی جنسیتی بررسی نماییم. بچه‌بازی یک بیماری و ناهنجاری جنسیتی می‌باشد و در جامعه‌ی که روابط میان دو جنس مخالف (زن و مرد) محدود بوده و با موانع شدید روبرو باشد، گرایش جنسی از جنس مخالف به هم جنس شکل گرفته و تشدید می‌گردد و تمایل‌های سرکوب شده جنسی به جنس مخالف در قالب تمایل و کشش جنسی به هم جنس بروز می‌کند. بر این اساس گفته می‌توانیم که یکی از زمینه‌های بچه‌بازی شکاف و دوری روابط جنسیتی در جامعه‌ی افغانستان است و تمایل و کشش سرکوب شده به جنس مخالف یکی از عواملی می‌باشد که باعث عقده‌های روانی و جنسی می‌گردد و این نارسایی یکی از عواملی می‌باشد که زمینه‌ی شکل‌گیری عمل بچه‌بازی را در جامعه افغانستان باعث شده است. اگر دقت شود گرایش به هم جنس در قالب الگوی ارتباط جنسی «بچه بازی» میان نوجوانان و پسرانی که تاره به سن بلوغ رسیده‌اند بیش تر می‌باشد. برعلاوه این زمینه که ریشه در ساختار تک جنسیتی و

---

1. افزایش عمل بچه بازی و سکوت ادارات حکومتی، آژانس خبری پژواک، <https://pajhwok.com/fa>

شکاف روابط جنسیتی در جامعه‌ی افغانستان دارد عوامل دیگری اجتماعی نیز در شکل‌گیری بچه‌بازی نقش دارد.

ب) فقر و ناآگاهی: فقر و ناآگاهی یکی از عواملی دیگری بچه‌بازی در جامعه‌ی افغانستان می‌باشد. خانواده‌ها به خاطر فقر و تنگدستی وقتی که فرزندان شان به سن نوجوانی می‌رسند یا آن‌ها را برای کارگری در خارج از کشور می‌فرستند و یا آن‌ها را در کارگاه‌های خیاطی، نجاری و میکانیکی به عنوان شاگرد به کار آموزشی می‌گمارند. این مساله باعث می‌شود که پسران نوجوان مورد سوء استفاده و بهره‌برداری جنسی کارفرمایان و شاگردانی که سن شان از آن‌ها بزرگ‌تر می‌باشند؛ قرار گیرند. در گزارش کمیسیون حقوق بشر هم گفته شده است اکثریت قربانیان بچه‌بازی کسانی اند که در کارگاه‌ها کار می‌کنند و یا توسط زورمندان و ثروتمندان به عنوان محافظ و مزدور استخدام شده‌اند.<sup>1</sup>

آن‌گونه که بیان گردید، فقر یکی از عوامل عمده در تبارز و گسترش بچه‌بازی شمرده می‌شود. اکثریت قربانیان بچه‌بازی از خانواده‌های فقیر اند و برای امرار معیشت و کسب درآمد، کودکان شان را در خدمت افرادی قرار می‌دهند که بعداً از سوی این اشخاص مورد بهره‌کشی جنسی قرار می‌گیرند. اکثریت این خانواده‌ها از اینکه کودکان شان مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، بی‌خبر اند. عاملین بچه‌بازی نیز با استفاده از ضعف اقتصادی خانواده‌ها، کودکان را در برابر پرداخت پول، به خدمت می‌گیرند.

ج) عدم حاکمیت قانون و فساد اداری: موجودیت این مشکلات در ارگان‌های امنیتی، عدلی و قضایی باعث شده که اکثریت عاملین بچه‌بازی مورد پیگرد قرار نگیرند و آزادانه به قانون شکنی‌ها و بی‌بند و باری‌های شان ادامه بدهند. بسیاری از

---

1. زمینه‌ها و پیامدهای «بچه‌بازی»، روزنامه‌ی اطلاعات روز، 30 اسد 1393، ص 1.

آن‌ها با ارگان‌های امنیتی در ارتباط بوده و با استفاده از نفوذ و پرداخت رشوت، از مجازات معافیت حاصل می‌کنند. از جانب دیگر ارگان‌های عدلی و قضایی نیز به دلیل فساد اداری، عدم اراده قوی برای تطبیق عدالت، و یا به دلیل اینکه قوانین جزایی در مورد بچه بازی صراحت ندارد، اکثریت عاملین را مورد پیگرد و مجازات قرار نمی‌دهند. از جانب دیگر نبود محاکم و سارنوالی‌ها در برخی از ولسوالی‌ها به ویژه ولسوالی‌ها و مناطق ناامن کشور نیز باعث شده که قربانیان به مکانیزم‌های عدلی و قضایی دسترسی نداشته باشند. این عامل نیز باعث شده که مرتکبین بچه بازی بدون ترس به شغل شان ادامه دهند.

د) گسترش ناامنی در بسیاری از مناطق کشور و حضور افراد و گروه‌های مسلح غیر مسوول نیز باعث شده که رسم بچه بازی بیشتر از پیش ترویج یابد. باید گفت که اغلب بچه بازان با افراد و گروه‌های مسلح غیر مسوول در ارتباط بوده و یا خود دارای اسلحه و گروه مسلح هستند. آنها با استفاده از چنین قدرت شان دست به بچه بازی می‌زنند و با نفوذی که در میان گروه‌های مسلح غیر مسوول و یا ارگان‌های امنیتی دارند، اغلباً از پیگرد عدلی در امان می‌مانند.

هـ: بی سرپرستی، بی سواد و خشونت‌های خانوادگی نیز زمینه‌های ترویج رسم بچه بازی را فراهم کرده است. جنگ‌های طولانی گذشته باعث شده که تعداد زیادی از خانواده‌ها سرپرست شان را از دست بدهند و در عوض کودکان زیر 18 سال نان آور خانه شوند. چنین خانواده‌ها به دلیل بی سرپرستی و یا بد سرپرستی حاضر اند که برای یافتن لقمه نانی، کودکان شان را در معرض خطر قرار دهند. از جانب دیگر، سطح پایین سواد و آگاهی خانواده‌ها نیز باعث می‌شود که بسیاری از آنها از کودکان شان به گونه لازم مراقبت و حفاظت نکنند. آنها به دلیل عدم آگاهی، کودکان شان در معرض خطرات و آسیب‌های جدی همچون قاچاق و اختطاف قرار می‌دهند. علاوه بر آن، خشونت‌های خانوادگی نیز یک امر معمول در بسیاری از خانواده‌ها شمرده

می‌شود. کودکانی که در خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرند، از خانه روگردان شده و دست به فرار می‌زنند و در نهایت در دام اختطاف گران، قاچاقچیان و بچه بازان می‌افتند.<sup>۱</sup>

### **مطلب پنجم: عوامل گسترش فرهنگ بچه‌بازی در افغانستان**

پدیده‌ی بچه‌بازی در کشور همانند بسیاری از انحرافات و کجروی‌های اجتماعی، ریشه در وضعیت نابه‌هنجار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد. از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، این امر ریشه در فقدان آگاهی عمومی و همچنین شکاف جدی میان دو جنس زن و مرد در جامعه دارد. در واقع، در جامعه‌ی سنتی مانند افغانستان که مناسبات دو جنس مخالف به شدت محدود است و جامعه کنترل شدیدی را بر آن اعمال می‌کند، زمینه برای گرایش مردان به سمت نوجوانان بیش از پیش فراهم می‌شود. در چنین فضایی که امکان هیچ‌گونه تعاملی میان زنان و مردان وجود ندارد، گرایش جنسی از جنس مخالف به هم جنس شکل گرفته و تمایل سرکوب شده به جنس مخالف به سمت هم جنس بروز می‌کند. بنابراین، بخشی از این امر ناشی از شکاف عمیق میان دو جنس مخالف و دشواری امکان برقراری ارتباط و تعامل با یکدیگر می‌باشد. عامل دیگر این امر اقتصادی است. بسیاری از قربانیان بچه‌بازی کودکانی‌اند که با فقر اقتصادی مواجه‌اند و از حمایت لازم خانوادگی نیز بهره‌مند نیستند. عاملان آن هم کسانی‌اند که از لحاظ مالی در شرایط خوبی قرار دارند. گسترش فقر، بیکاری و شکاف‌های عمیق میان ثروتمندان و فقیران، عدم موجودیت حمایت‌های دولتی از اقشار آسیب‌پذیر و بیکار باعث شده است کجروی‌ها و آسیب‌های زیادی حول این محور شکل بگیرند. از این نظر، بچه‌بازی جنبه‌ی دیگری نیز پیدا می‌کند و آن این که عاملان با قربانیان به مثابه‌ی برده رفتار کنند. گزارش‌های

---

1. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مختصر گزارش تحقیقی ملی در مورد بچه‌بازی در افغانستان، سال 2014، ص 3.

متعددی وجود دارند که علاوه بر سوءاستفاده‌ی جنسی توسط بچه‌بازها، قربانیان با خشونت‌های فراوان نیز دست و پنجه نرم می‌کنند و در بسا موارد به کارهای شاقه نیز مجبور می‌شوند. در قوانین افغانستان هنوز تعریف مشخصی از پدیده‌ی بچه‌بازی وجود ندارد. اما در قانون جزایی سنگین برای عمل «لواط» در نظر گرفته شده است. از نظر بسیاری‌ها عدم حکم مشخص قانون در مورد بچه‌بازی باعث شده است تا این مساله در جامعه بیش از پیش شیوع یابد. کمیسیون حقوق بشر در گزارش‌های خود از سال 2013 به بعد بارها از حکومت خواسته بود تا این مساله را یک جرم تلقی کرده و برای آن مجازات قانونی تعیین کند. اما از دید برخی دیگر، وجود جزای سنگین برای عمل «لواط» اصولاً شامل عمل بچه‌بازی نیز می‌گردد. دلیل آن هم مشخص است. بچه‌بازی اغلباً با تجاوز جنسی به همراه است و در صورتی که چنین باشد، اصولاً حکم عمل لواط بر آن نیز جاری است. از این جهت نمی‌توان گفت خلاء قانونی در خصوص مواجهه با عاملان بچه‌بازی وجود دارد. مساله‌ی اصلی به نظر می‌رسد در اجرای قوانین در جامعه باشد. حکومت نمی‌تواند بسیاری از قوانین را در کشور تطبیق کند. از این لحاظ، به رغم وجود قوانین مشخص برای برخورد با اعمال مجرمانه، آن اعمال به قوت خود باقی است و هراسی شدیدی از پیگردهای قانونی نزد مجرمین وجود ندارد. پیش‌نویس طرح جدید هرچند یک اقدام مثبت در جهت تعریف مشخص از عمل بچه‌بازی و در نهایت برخورد با آن می‌باشد. اما از آن جایی که ضعف جدی در اجرای قوانین وجود دارد، نمی‌توان به نتیجه‌ی فوری آن چشم امید دوخت. بسیاری از قوانین دیگر نیز در زمینه‌های مختلف تاکنون به تصویب رسیده است، اما عدم اجرای آن کمک‌چندانی به وضع موجود نکرده است. بسیاری از کسانی که در عمل بچه‌بازی دست دارند، قوماندانان محلی، زورگویان و اعضای باندهای مافیایی‌اند که حکومت در اکثر موارد با آنان با مماشات برخورد کرده است. حالا نیز چنین خواهد شد و به رغم تصویب این قانون، مساله‌ی بچه‌بازی در جامعه کاهش پیدا نخواهد کرد. این

مساله زمانی حل خواهد شد که برخی اقدامات دیگر در زمینه‌ی رفع فقر و بیکاری، مشکلات اجتماعی و فرهنگی و در نهایت اجرای کامل قوانین و بازگرداندن اقتدار قانون در جامعه، صورت بگیرد.<sup>1</sup>

### **مطلب ششم: اثرات اجتماعی گسترش جرم بچه بازی**

بچه بازی یک عمل نا به هنجار اخلاقی و جنسی می باشد و باعث پیامدهای ناگواری در جامعه و به کسانی که قربانی این عمل شوم گردیده اند می شود. پیامدهای ناگوار اجتماعی آن اینست که پسران و کودکان که مورد سوء استفاده‌ی جنسی قرار گرفته اند باعث آسیب روانی و ناهنجاری رفتاری به آن ها می شود و باعث عقده های روانی و جنسی در آن ها می گردد و آن ها برای این که عقده ها و محرومیت های خویش را جبران کنند خود به عنوان بچه بازان جدید مبدل می شوند و ناهنجاری های اخلاقی و جنسی را در جامعه بوجود می آورند. بچه بازی یک پدیده‌ی اجتماعی و فرهنگی است و همانند سایر پدیده های اجتماعی دارای زمینه ها و ریشه های اجتماعی و فرهنگی بوده و دارای پیش زمینه‌ی تاریخی می باشد. بچه بازی در تاریخ جامعه‌ی افغانستان و کشورهای همسایه به گونه های مختلف وجود داشته است. شاهان در دربار و حرم سراهای خویش پسران نابالغ و زیبا روی را که به نام غلام بچه گان معروف بودند؛ نگهداری می کردند. این غلام بچه گان در محفل پیک زنی شاهان و درباریان حضور می یافتند و وقتی که مجلس شعرخوانی شاعران بر پا می گردید این غلام بچه گان زیبا روی در آن حضور می یافتند و شاعران با دیدن رخ زیبای غلام بچه گان شعرهای را در وصف شاهان می سرودند. در واقع غلام بچه گان، چاشنی محفل پیک و مستی شاهان و درباریان بودند. همچنین شاعران زیادی در توصیف پسران زیبا روی،

---

1 . بچه بازی؛ قانون سازی و مماشات حکومت در اجرای قوانین، روزنامه اطلاعات روز، 7 حوت 1395، ص 1.

شعرهای سروده‌اند که این همه حکایت از اینست؛ که بچه‌بازی در جامعه‌ی افغانستان دارای زمینه‌های تاریخی بوده و یک پدیده‌ی جدید اجتماعی نیست.<sup>1</sup>

بچه‌بازی در نزد افکار عامه یک عمل بسیار زشت و حساسیت برانگیز بوده و به عنوان تابو تلقی می‌گردد. بنابر این، عاملین بچه‌بازی به ویژه قربانیان بچه‌بازی از جامعه طرد و منزوی می‌گردند. چون قربانیان بچه‌بازی اغلباً از خانواده‌های فقیر اند و دارای موقف بلند اجتماعی نیستند، بیشتر در انزوای اجتماعی قرار می‌گیرند. انزوای اجتماعی چنین کودکان و خانواده‌های آنها در حالی بیشتر می‌گردد که قربانیان با رقصیدن در مجالس و محافل عمومی مشهور می‌شوند. مردم نه تنها که با شخص قربانی؛ بلکه با سایر اعضای خانواده و بستگان آنها قطع رابطه می‌کنند. می‌کوشند تا با آنها معامله و دادوستد نداشته باشند. قربانیان بچه‌بازی از اینکه مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، از لحاظ روانی به شدت آسیب می‌بینند. آسیب‌های روانی قربانیان برای مدت‌های طولانی حتی در سنین بزرگسالی پس از ترک این عمل نیز باقی می‌ماند. یکی از نشانه‌ها و اثرات منفی سوء استفاده جنسی از کودکان این است که چنین کودکان منزوی شده و اعتماد به نفس شان می‌شکند. علاوه بر آن، چنین قربانیان دچار روان‌زخم و افسردگی شده و حس ناامیدی، بدبینی و عدم اعتماد در آنها به وجود می‌آید. بچه‌بازی سبب هراس در میان شده و حس دشمنی و انتقام‌گیری نیز افزایش می‌یابد. بسیاری از خانواده‌ها با تداوم رسم بچه‌بازی نگران فرزندان خود شده و با توجه به قدرتمند بودن تعداد زیادی از عاملین بچه‌بازی، در رعب و وحشت بسر می‌برند. در برخی موارد گزارش شده است که بچه‌بازی موجب دشمنی و انتقام‌گیری شده و در برخی موارد تلفاتی نیز در پی داشته است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که گاه

---

1. زمینه‌ها و پیامدهای «بچه‌بازی»، روزنامه‌ی اطلاعات روز، 30 اسد 1393، ص 1.



گاهی عاملین بچه بازی در نتیجه رقابت و حسادت در مورد بچه بازی باهمدیگر درگیر شده و در نتیجه چندین تن از افراد دو طرف به قتل رسیده اند.<sup>۱</sup>

---

1 . کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مختصر گزارش تحقیقی ملی در مورد بچه بازی در افغانستان، سال 2014، ص 4.

## فصل دوم

### جرم بچه‌بازی از دیدگاه فقه اسلامی

از آنجا که جرم بچه‌بازی یک عمل شنیع، ناپسند و ضد موازین اخلاق انسانیست؛ فقها و در کل دین اسلام این عمل را جداً تقبیح نموده و یکی از اعمال ناپسند برای نسل بشریت شمرده شده است؛ گرچه صریحاً فقها لطف بچه‌بازی را به کار نبرده‌اند اما در کل با توجه به نگرش خاص دین اسلام به انسان و جامعه، هرگونه اعمال ناپسند که ضد موازین اخلاق اسلامی باشد را ممنوع قرار داده و برای متخلفین این نوع اعمال، دین اسلام حکم جزای سنگین در نظر گرفته است. چون دین اسلام هرگونه آزار و اذیت جنسی و جسمی را ممنوع قرار داده، اما با محدودیت و قواعدی خاص، طوریکه هرگونه رابطه جنسی خارج از علقه‌ی نکاح و زوجیت صورت گیرد مورد تحریم و جرم قرار داده و شدیدترین مجازات را در خصوص این عمل در نظر گرفته است. برای شرح و توضیح این عمل زشت و ناپسند از نظر فقه اسلامی در این فصل به آن پرداخته می‌شود و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

#### مبحث اول: ادله تحریم بچه‌بازی

از اینکه جرم بچه‌بازی یک عمل ناپسند است؛ باید دانسته شود روی کدام دلیل این عمل ناپسند است؟، دین اسلام چه دلایلی را برای حرام‌بودن این عمل در نظر گرفته است؟ از اینرو در این مبحث به دلایل تحریم یا حرام‌بودن جرم بچه‌بازی و احکام آن را از نظر فقه‌های اسلامی قرار ذیل می‌پردازیم:

#### مطلب اول: ادله تحریم بچه‌بازی از دیدگاه قرآن کریم

همان‌طوریکه می‌دانیم نخستین منبع حقوق و جرم‌انگاری در اسلام قرآن کریم است؛ به همین دلیل در این قسمت به بیان آیاتی می‌پردازیم که دلیلی برای حرام‌بودن

جرم بچه‌بازی هستند یعنی اعمال ناپسند و خرافاتی که همسو با جرم بچه‌بازی هستند یا در لابلاي آن صورت می‌گیرند را حرام دانسته است. گرچه قرآن کریم نیز صراحتاً به مسئله جرم بچه‌بازی نپرداخته است اما عموم آیاتی که به عفت‌ورزی، دوری از اعمال ناپسند، ضد موازین انسانی و سلامی امر می‌کند شامل این نوع انحرافات نیز می‌شوند.

در کل مفسرین، به استناد احادیث؛ آیات را به چهاربخش تقسیم می‌کنند، یک قسمت آن را در باب تعریف و ستایش الله متعال، پیامبران و بزرگان، قسمت دیگر را مورد بیان زشتی عمل کافران و منافقان، بخش سوم را در مورد بیان حکایات و داستان‌های آموزنده‌ی اقوام گذشته و قسمت چهارمین آن در خصوص بیان احکام شریعت دانسته اند که به آیات احکام شهرت دارد؛ مفسرین در یک قول، این بخش را شامل پنجصد آیه و در قول دیگر سیصد و پنجا و نه آیه از قرآن دانسته اند. در مقام جمع این دو باید گفت، به دلیل تداخل این آیات با یکدیگر و تشابه در بیان احکام قول نخست تعداد آیات را صرف نظر از احکامی که مورد تکرار قرار گرفته بیان می‌کند و قول دوم موارد تکراری را یک بخش محسوب نموده است.<sup>1</sup>

بناءً آنچه که در قرآن کریم به عنوان رفتار غیر انسانی از لحاظ رفتارهای تحریک‌آمیز جنسی، محافل شراب‌نوشی، عیاشی، خوشگذرانی، مستی، اسراف و تبذیر، رفتارهای غیر اخلاقی و یا آزار و اذیت جسمی و جنسی است ممنوع قرار داده شده را می‌توان در سه مفهوم یافت نخست مفهوم «فحشا، عیاشی و خوشگذرانی» دوم «زنا» و سوم «لواط» لذا از اینکه بحث ما در حاشیه قرار نگیرد و مستقیم به موضوع اصلی بپردازیم بحث مورد نظر ما جرم بچه‌بازی می‌باشد از اینکه اصطلاح بچه‌بازی در قرآن به کار برده نشده بلکه از لابلاي آن که در این جرم اول فحشا، عیاشی و

---

1 - سیدامیر ابوالفتوح، جرجانی، آیات احکام، قم: انتشارات نوید، چاپ اول، 1404 هـ.ق، ص 7.

خوشگذرانی مورد تداخل است یعنی نخست اینکه این عمل صورت می‌گیرد از عمل فحشا، عیاشی و خوشگذرانی افراد بی‌بند و بار، اوباش، فرصت‌طلب و خداناترس، که از رقصاندن افراد و اشخاص نوبل‌وغ با پوشانیدن لباس زنانه به تن آنان این عمل آغاز می‌یابد و رفته رفته تا در نتیجه عمل لواطت صورت می‌گیرد که این هردو از نظر قرآن مردود است و حکم آن نابخشودنی است.

«فحشا، عیاشی و خوشگذرانی» را از این لحاظ به عنوان نخستین مفهوم آوردیم که از آن برداشت‌های مختلفی شده است و آن را تنها به معنای رفتار و جرم جنسی ندانسته‌اند، بلکه هر عمل زشت و قبیح که زشتی آن آشکارا و روشن باشد، منتها، معمولاً در آیت قرآن کریم در مورد انحرافات و آلودگی‌های جنسی بکار رفته، هرچند به طور نادر در معنی وسیع کلمه نیز استعمال شده است.

جرم بچه‌بازی نیز در نخست از عمل عیاشی و خوشگذرانی و فحاشی که همانا رقصاندن و استفاده‌های نامطلوب از کودکان و نوجوانان می‌شود آغاز می‌یابد.

برای تحریم این نوع اعمال در خصوص پدیده فحشاء که به عنوان یک مرضی است که تمام ادیان الهی به نحوی از انحاء مختلف به پیروان خود نسبت به خطرات احتمالی آن، بر فرد و اجتماع گوش‌زد کرده‌اند و تذکرات لازم را در این خصوص داده‌اند، این را از آیت مبارکه ذیل می‌توان برداشت نمود: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۖ إِلَّا نُشْرِكُوهَا بِهٖ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقٍ ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۖ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>1</sup>.

---

1 - سوره انعام، آیه 151،

ترجمه: «بگو! بیائید چیزهائی را برایتان بیان کنم که پروردگارتان بر شما حرام نموده است. این که هیچ چیزی را شریک خدا نکنید، و به پدر و مادر (بدی نکنید و بلکه تا آنجا که ممکن است بدیشان) نیکی کنید، و فرزندانان را از ترس فقر و تنگدستی (کنونی یا آینده) مکشید (چرا که) ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم (و روزی‌رسان همگان مائیم؛ نه شما)، و به گناهان کبیره (از جمله فحشاء) نزدیک نشوید، خواه (آنها در وقت انجام برای مردم) آشکار باشد و خواه پنهان، و کسی را بدون حق (قصاص و اجرا فرمان الهی) مکشید که خداوند آن را حرام کرده است. اینها اموری هستند که خدا به گونه مؤکد شما را بدانها توصیه می‌کند تا آنها را بفهمید و خردمندانه عمل کنید».

در آیت مذکور یک سلسله محرّماتی اشاره شده است که اختصاص به یک شریعت ندارد و بر همین اساس قرآن کریم همه آنها را از زبان انبیا نقل کرده است و آن محرّمات عبارت اند از: شرک به خدا، ترک احسان به پدر و مادر، ارتکاب فواحش و کشتن نفس است.

چون فحش ضد حیا و عفت است، خحیا با عقل و خرد و فحشا با بی‌عقلی و سفاهت وابسته است، می‌بینیم که جانواران و حیوانات در مله‌ی عام با هم جفتگیری و آمیزش دارند و این برای آنها نه عجیب است و نه مُهلک، زیرا از عقل بهره‌ای ندارند لیکن، اگر انسانی چنین حرکت ناشایسته‌ای را انجام دهد، مردم تعجب نموده انگشت به دندان می‌گیرند و تنها تفاوت میان این دو، وجود و عدم وجود عقل می‌باشد، زمانی که انسان، انسانیت را رها نموده و در زمره جانوران قرار می‌گیرد، در نابودی و هلاکت چنین گروه و ملتی کمترین شک و تردیدی وجود ندارد.<sup>1</sup>

---

1 - عبدالجلیل براهویی، زاهدی، اعمال منافی عفت در اسلام از دیدگاه اهل سنت، تهران: تربت جام آوای اسلام، 1388، ص 83.  
عبدالجلیل براهویی، زاهدی، متولد سال 1353 سیستان و بلوچستان زاهدان بوده و یک نویسنده مستبد و مشهور که ده‌ها آثار و تحقیقات را انجام داده است که از جمله می‌توان به قرآن معجزه شگفت انگیز، اعمال منافی عفت در اسلام "زنا، همجنس‌گرایی و

قرآن کریم با این نوع مفسد که منشه از اجتماعی دارد برخورد و مجازات شدید نموده که الله متعال در اوایل بعثت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم در قالب سوره های مکی جهت ارشاد و آگاهی سازی مردم عرب عصر نزول، مراد از فاحشه، فحشاء و فواحش را از زبان پیامبر خود بیان کرد:

در این آیات مکی به فحشاء و لواط و نسبت دادن به مردان، فاحشه های ظاهری و باطنی و عادات ناپسند و زشت که در دوره جاهلیت رواج داشته اشاره کرده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾<sup>1</sup>.

ترجمه: «خداوند به دادگری، و نیکوکاری، و نیز بخشش به نزدیکان دستور می دهد، و از ارتکاب گناهان بزرگ (چون شرک و فحشاء)، و انجام کارهای ناشایسته (ناسازگار با فطرت و عقل سلیم)، و دست درازی و ستمگری نهی می کند. خداوند شما را اندرز می دهد تا این که پند گیرید (و با رعایت اصول سه گانه عدل و احسان و ایتاء ذی القربی، و مبارزه با انحرافات سه گانه فحشاء و منکر و بغی، دنیائی آباد و آرام و خالی از هرگونه بدبختی و تباهی بسازید)».

از آیت فوق به صراحت دانسته می شود که عیاشی و افراط در خوشگذرانی ایجاد محافل فحشا همچون بچه بازی و امثالهم جزو گناهان کبیره می باشد، و خداوند مترقین یعنی افراد خوشگذران و غرق در شهوات را به ستمکار و خطاکار توصیف نموده است، و ایشان را از عذاب و مجازات سخت در دنیا و آخرت گوش زد می دارد، بنابراین، عیاشی و افراط در خوشگذرانی نامشروع اخطار بزرگی است بر جامعه بشریت، زیرا کسی که در اسباب و علل سقوط و انحطاط بسیاری از ملت ها از قبیل

---

خودارضایی"، امامان اهل سنت، سعادت دنیا و آخرت با مجموعه بی نظیر "چهل ربتنا"، نغمه های توحیدی و دهه ها آثار تحقیق دیگر اشاره کرد. موصوف استاد حدیث مکتب محمدی، کوه قدس، زاهدان می باشد.

1 - سوره نحل، آیت 90.

مردمان روم و فارس می‌نگرد و در سقوط دولت عباسی و نابودی اندلس دقت و تأمل می‌کند در می‌یابد که بی‌گمان مهمترین اسباب و علل سقوط این ممالک و نابودی این دولت‌ها همان عیاشی و غرق در شهوات بود.

طبیعی است زمانی که مردم به درجه‌ی عالی از تمدن و قدرت رسیدند اطمینان پیدا می‌کنند که از خطر اطرافیان خود در امان می‌باشند، و به همین علت شروع می‌کنند به افراط در خوشگذرانی و بی‌بندوباری، و در نتیجه این کار منجر به درهم پاشیدن و ضعف ملت می‌گردد، و باعث ایجاد بی‌بندوباری و کثرت فساد و تباهی می‌شود و بدینوسیله ملت بزرگترین منابع قدرت و اتحاد خود را از دست می‌دهند، و بعد از اینکه دیگران آنان را مغلوب و سرزمین شان را تسخیر و ویران نمودند سرانجام مردمانش را به ذلت و خواری می‌کشانند و بر آنان مسلط می‌شوند.<sup>۱</sup>

امروزه در افغانستان نیز متأسفانه این نوع اعمال ننگین و شرم‌آور به صورت چشم‌گیر صورت می‌گیرد؛ کودکان همیشه که یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه اند به دلایل مختلفی مانند نبود مکانیزم‌های حمایتی لازم، شدت فقر، سطح پایین سواد عمومی و سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باعث شده که آنها بیشتر از همه آسیب‌پذیر باشند؛ کودکان افغانستان با تهدیدات و خطرات جدیدی مانند اختطاف، قاچاق، تجاوز جنسی و بهره‌برداری‌های جنسی، اعتیاد به مواد مخدر، قتل، ضرب و جرح به دلیل تداوم منازعات مسلحانه و ناامنی‌ها، کار شاقه و اجباری، استخدام در گروه‌های مسلح، محرومیت از حق آموزشی و پرورش و محرومیت از حق صحت و تفریح سالم مواجه می‌باشند.<sup>۲</sup>

---

1 - عقیف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، تهران: نشر احسان، 1386، ص 220.

2 . کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش وضعیت حقوق اطفال در افغانستان، 1392، صفحه 8.

همچنین عیاشی و خوشگذرانی منجر به خطرهای بزرگی در داخل ملت می‌شود، پس طبقه خاصی در آمد جامعه را بخود اختصاص می‌دهند، و آن را در عیاشی و لذت‌های خود به کار می‌گیرند، و این امر موجب به وجود آوردن کینه و بغض در طبقات محروم و ستم‌دیده جامعه می‌گردد، آنان را در صدد به دست آوردن فرصتی قرار می‌دهد که بر طبقه خوش گذران و غرق در شهوات یورش ببرند، و بر اموال و قصور و مزارعی که بخود اختصاص داده اند تسلط یابند، و در نتیجه این وضع و حالت جنگ‌های داخلی را به بار می‌آورد که ضرر و زیان، و ننگ و عار آن تمام ملت را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

چرا که این قرآن است هلاک و نابودی ملت‌های ستمکار را به خاطر غرق در انواع لذت‌ها و خوشگذرانی‌های نامشروع بیان می‌کند، و می‌فرماید:

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۱۱ فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ۱۲ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَدَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾<sup>۲</sup>

ترجمه: بسیاری بوده است که اهالی آبادی‌های ستمگری را به سبب کفرشان نابود کرده ایم و پس از ایشان، گروه‌های دیگری را روی کار آورده ایم، آنان هنگامی که عذاب ما را احساس کرده اند ناگهان پای به فرار گذاشته اند؛ اما به عنوان استهزاء بدیشان گفته شده است: نگریزید و باز گردید به سوی زندگانی پر ناز و نعمتی که در آن به سر می‌بردید و به سوی کاخ‌ها و قصرهای پر زرق و برقتان، شاید از شما (کمکی و چیزی) خواسته شود.

1 - عقیف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، تهران: نشر احسان، 1386، ص 220.

2 - سوره الانبیا آیات 11-13.



آری مفهوم آیه این است که: بیگمان بسیاری از ساکنان شهرها و روستاها را به سبب ظلم و ستمی که کردند نابود نمودیم، و قوم دیگری را که از هر لحاظ از آنان بهتر بودند روی کار آوردیم، پس هرگاه احساس می کردند که عذاب خدا بر آنان واقع خواهد شد پا به فرار می گذاشتند اما به آنان گفته می شد: ای ستمکاران در گریز عجله نکنید زیرا که هیچ چیزی شما را از عذاب خدا در امان نخواهد گذاشت، به سوی ناز و نعمت، و به طرف عیاشی و خوشگذرانی، و به خانه ها و قصرهای پرزرق و برق خود برگردید، تا در آینده درباره آنچه بر شما گذشته است و راجع به آنچه نسبت به اموال و اماکن شما پیش آمده است سؤال شود.

اگر به نظر تحقیق بنگریم می بینیم، اقوامی که به سبب زوال یا ضعف و اضمحلال عقل و خرد، لذت موجوده دنیا را حاصل زندگی پنداشته و از عاقبت و انجام آن غافل مانده اند، شکار فحشا گشته اند و طبیعتاً رشته زوجیت و مناکحت در میان شان ضعیف گشته و رفته رفته به اختتام می گرایند، زیرا زمانی که به خواهش طبعی نفس پاسخ مثبت داده شود، دیگر خود به خود به راه روحانی و اخلاق متوجه نمی گردد، جایی که فحشا تروج یابد نکاح برچیده خواهد شد و هر شخصی می داند که اثر قطع نکاح قطع نسب است و از اثر انقطاع یا خلط نسب، نه تنها خصوصیات موروثی و خاندانی از بین می رود، بلکه بطلان آثار انسانی، پایمال ساختن حقوق وراثت، آبیاری اخلاق بهیمی، بی خصوصیت ساختن انسان به ماند جانوران و بی حق و بی خانمان ساختن آنهاست.<sup>1</sup>

گاهی هم الله متعال در کتاب خویش جنایت و گناهان را به اضافه ظلم و ستم به افراد خوشگذران و غرق در لذائد دنیائی نسبت می دهد و می فرماید:

---

1 - عبدالجلیل براهویی، زاهدی، اعمال منافی عفت در اسلام از دیدگاه اهل سنت، ص 84.

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾<sup>1</sup>

ترجمه: پس چرا نباید در میان ملت های گذشته پیش از شما فرزاندگانی باشند که از فساد در زمین نهی کنند تا دیگران را از گرفتار آمدن به عذاب، رهایی بخشند؟ مگر مردمان کمی که به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کردند و ما نجاتشان دادیم، و اما در همان حال کافرانی می زیستند که از خوشگذرانی و تنعم و تلذذی پیروی می کردند که آنان را مغرور و فاسد کرده بود، و دائماً گناه می ورزیدند؛ سنت و عادت پروردگارت چنین نبوده است که شهرها و آبادی ها را ستمگرانه ویران کند، درحالی که ساکنان آن جاها متمسک به حق و در صدد اصلاح حال خود و دیگران بر آمده باشند.

مراد و مفهوم آیه این است: می باید در میان آن ملت های گذشته گروهی از صاحبان رأی و خیر و صلاح می بودند که قوم خویش را از فساد و تباهی منع می کردند، اما چنین گروه و جماعتی در میان آنان نبود، بلکه در میان آنان فقط مؤمنان اندکی بودند که به رأی و توجیه آنان اعتنائی نمی شد، پس خداوند این گروه اندک را همراه پیامبرانشان نجات داد؛ اما اکثر مردم ستم کارانی بودند که زندگی شهوانی و لذائذ و خوشگذرانی های دنیائی را برگزیدند، و در فراوانی نعمت، و در زرق و برق دنیائی سرمست شدند و در نتیجه فساد و تباهی را بار آوردند، تا آنجا که در اثر عصیان و گناهکاری، مستحق خشم و عذاب خدا قرار گرفتند، چون سنت و عادت خداوند چنین نبوده است که مردمان شهر و دیاری را ستمگرانه نابود کند،

---

1 - سوره هود؛ آیت 116.

در حالیکه آنان متمسک به حق و ملتزم به فضائل بوده و پیوسته آن چیزی را انجام داده باشند که خیر و صلاح ایشان در آن بوده باشد.<sup>1</sup>

بدیهی است خوشگذرانی و افراط در لذائذ نامشروع همانطوریکه منجر به هلاک و نابودی انسان در دنیا می شود، باعث عذاب خدا در روز آخرت نیز می گردد، پس افراد خوشگذران و غرق در شهوات از نظر مرتکب شدن به گناهان و لغزش ها، سخت ترین مردم هستند و از لحاظ دور بودن از طاعت و فرمانبرداری خدا در روز آخرت دورترین مردم می باشند، به خاطر اینکه ناز و نعمت، و افراد در خوشگذرانی و لذائذ مادی آنان را نسبت به آخرت و حساب و کتاب روز قیامت بی توجه می سازد، زیرا که ایمان به خدا و ترس از حساب و کتاب آخرت، خوشگذرانی و شهوات را محدود می سازد و انسان را از آن برحذر می دارد، در حالیکه افراد عیاش و غرق در شهوات تمایل و علاقه ای به هیچ گونه تغییر و محدودیتی که در طرز زندگی آنان اثر بگذارد از خود نشان نمی دهند.

الله متعال تنها بحث فحاشی و اعمال منافی عفت را در دو یا سه آیت اختصاص نداده بلکه آیات زیادی در این خصوص برای پند دادن و عبرت نسل بشر و پیروی از آن نازل کرده است تا هدایت شوند. چنانچه در آیت ذیل می فرماید: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾<sup>2</sup>.

ترجمه: «(ای پیغمبر!) به جان تو سوگند! آنان در مستی (شهوت و جهالت) خود سرگردان بودند».

گرچه مستی شراب مشهور است ولی مستی های نیز پیدا می شوند که از آن جمله مستی مقام و مستی شهوت است. خداوند به جان پیغمبرش صلی الله علیه وسلم سوگند

1 - عقیف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، پیشین، ص 220.

2 - سوره حجر، آیت 15.

یاد می‌کند که این گروه در مستی خود سرگردان و حیرانند آنچه‌انکه روشن‌ترین جای نجات را نمی‌بینند. اصولاً مستی شهوت و قدرت عقل و تفکر را از انسان سلب می‌کند.

مفسرین در تفسیر فاحشه اکثراً بحث زنا را ارجعیت دادند اما در قرآن کریم اصطلاح یا کلمه فاحشه نظر به شأن نزول آن معنی متفاوت دارد به طور مثال در بعضی از آیت فاحشه معنی لخت بودن و عریان بودن معنی شده، در بعضی از جاهای قرآن کریم عمل قبیح و زشت آمده و در جایی عمل لواطت به کار برده شده و اکثراً به معنی زنا نیز به کار برده شده است.

به طور مثال در مجمع‌البیان<sup>۱</sup> فاحشه را در آیت 25 سوره نساء زنا معنی کرده است: (فَإِذَا أَحْصَيْنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ)، تفسیر جلالین<sup>۲</sup> و در تفسیر انوار القرآن<sup>۳</sup> معنی فاحشه را که در آیت سوره اعراف آیت 28 آمده برهنه بودن کفار در هنگام طواف خانه بیت‌الله شریف معنی کرده است: (وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ) در تفسیر راستین<sup>۴</sup> نیز کلمه فحشا در آیه 135 سوره آل عمران از کار زشت یاد شده و همچنین آیت در تفسیر فی ظلال القرآن<sup>۵</sup> کار زشت و ناپسند یاد شده است: (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ).

---

1 - فضل بن حسن، الطبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج 2، بیروت - لبنان: نشر، دار المعرفه، 1412ق، ص 1258.

2 - علامه جلال‌الدین، محلی و علامه جلال‌الدین سیوطی، تفسیر جلالین، بیروت - لبنان، مکتبه‌اللبنان، طبع الاولی، 2003م ص 160.

3 - شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری تفسیر انوار القرآن، ج 2، مترجم: عبدالروف مخلص، ایران: انتشارات شیخ‌الاسلام احمد جام، 1388، ص 295.

4 - علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی، تفسیر راستین، ترجمه‌ی تیسیر الکریم الرحمن، تهران: نشر احسان، 1388.

5 - سیدقطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ج 1، ترجمه: مصطفی خرم‌دل، تهران: نشر احسان، 1387، ص 680.

بناءً از آیات فوق چنین استنباط می‌گردد که عمل فحشا (رقصاندن بیچه) و محافل عیاشی و شراب نوشی که یک عمل شنیع بوده و انسان را وادار می‌سازد تا از اعمال اوهام و خرافات که همه بدی‌ها در او نهفته است پیروی کند و اعمال ناپسندی که از نظر الله متعال مردود شمرده شده.

بحث دیگر اینکه که قرآن به طور صراحت آنرا بیان نموده است؛ افراد عیاش و غرق در شهوات، همیشه از گفته‌های شیطان پیروی کرده و مدام بر ضد دعوت پیامبران بر می‌خیزند و در برابر آن مقاومت از خود نشان می‌دهند؛ زیرا که دستورات الهی مخالف عیاشی و فسق و فجور و ضد فساد و تباهی، و دشمن امتیازات باطلی است که افراد فاسق و خوشگذران از آن برخوردار می‌باشند، از این رو افراد غرق در شهوات به سرکشی و نافرمانی خویش ادامه می‌دهند و دعوت پیامبران را رد می‌کنند و آن را نمی‌پذیرند، پس در نتیجه سرانجام آنان، انتقام و مجازات الهی است، و این چیزی است که قرآن به طور صراحت می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ. قَالَ أُولُو حِجَّتِكُمْ بَأْهَدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ ۖ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ. فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ﴾<sup>1</sup>

ترجمه: همین‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو (پیغمبر) بیم‌دهنده‌ای مبعوث نکرده‌ایم مگر این که متنعمان (خوشگذران و مغرور از ثروت و قدرت) آنجا گفته‌اند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم (که بت پرستی را بر همگان واجب کرده است) و ما هم قطعاً (بر شیوه ایشان ماندگار می‌شویم و) به دنبال آنان می‌رویم. (پیغمبرشان بدیشان) می‌گفت: آیا

1 - سوره زخرف، آیات 23-25.

اگر من آئینی را هم برای شما آورده باشم که از آئینی هدایت بخش تر باشد که پدران و نیاکان خود را بر آن یافته‌اید (باز هم از گذشتگان خود پیروی می‌کنید و بر بت پرستی خویش می‌روید و دست به دامان تقلید می‌شوید؟) می‌گفتند: (آری! چنین است و) اصلاً ما به چیزی که (با خود آورده‌اید و) بدان مأمور و مبعوث شده‌اید، باور نداریم. پس ما از ایشان انتقام گرفته‌ایم (و آنان را به مجازات سخت دنیوی گرفتار ساخته‌ایم. ای مخاطب اندیشمند) بنگر عاقبت کار تکذیب‌کنندگان (پیغمبران، به کجا کشیده است و) چگونه شده است.

طبیعی است خوشگذرانی غالباً با ظلم و ستم می‌باشد؛ بنابراین، اقدام ثروتمندان به ریخت و پاش اموال خویش در راه عیاشی و خوشگذرانی ظلمی است به فقیران و محرومان، و به طور کلی به تمام افراد جامعه، و مسلماً اشاعه ظلم و ستم در جامعه نیز، نشانهٔ بیم و بر حذب داشتن از عذاب خداست.<sup>1</sup>

افراد و اشخاصی که اعمال منافی عفت را انجام می‌دهند بدون شک این اشخاص پیرو شیطان هستند به گفته الله متعال که می‌فرماید:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>2</sup>

ترجمه: «شیطان شما را (به هنگام انفاق می‌ترساند) و وعده تهیدستی می‌دهد و به انجام گناهان چون فحشا (لواطت و اعمال ناسپند) شما را دستور می‌دهد، ولی خداوند به شما وعده آمرزش خویش و فزونی (نعمت) می‌دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسیع (و از همه چیز) آگاه است.

1 - عبدالجلیل براهویی، زاهدی، اعمال منافی عفت در اسلام از دیدگاه اهل سنت، ص 84.

2 - سوره بقره، آیه 268.

مفسرین در تفسیر کلمه ی فحشا در اینجا چنین ابراز نظر می دارند: «فَحْشَاءٌ»: جرم و گناهی که قبح و زشتی آن زیاد و چشم گیر باشد از قبیل: زنا، بچه بازی، قتل، ندادن زکات، ترک نماز، بخل، و ...

چنانکه ملاحظه می شود، این آیه تصریح نموده است به اینکه: افراد مبذر و خوشگذران، شراب خوار و بچه باز برادران و دوستان و همدستان شیطانند، گوش به وسوسه های شیطان می دارند و در انجام بدیها و ناسپاسی نعمت های الهی، همسان و همگان او هستند، پس این خود برای ناسپاسی افراد مبذر و اسراف کننده نسبت به پروردگار خود، و برای زشتی و ناپسندی کردار و رفتار آنان کافی است.<sup>1</sup>

همچنین الله متعال در جای دیگر کتابش چنین بیان می کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.<sup>2</sup>

ترجمه: ای مؤمنان! گام به گام شیطان، راه نروید و به دنبال او راه نیفتید، چون هرکس گام به گام شیطان راه برود و دنبال او راه بیفتد (مرتکب پلشتی ها و زشتی ها می گردد). چرا که شیطان تنها به زشتی ها و پلشتی ها (فرا می خواند و فرمان می راند. اگر تفضل و مرحمت الهی شامل شما نمی شد هرگز فردی از شما (از کثافت گناه، با آب توبه) پاک نمی گردید، ولی خداوند هر که را بخواهد (از کثافت سیئات، با توفیق در حسنات، و با پذیرش توبه از او) پاک می گرداند، و خدا شنوای (هر سخنی) و آگاه (از هر عملی) است.

1 - عقیف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، پیشین، ص 220.

2 - سوره نور، آیه 21.

اگرچه این آیه و ده‌ها آیه‌ی نظیر آن مرادش از «جرم بچه‌بازی» نیست، اما مصداق اعلی و کامل آن (فحشاء) مسائل جنسی و انحراف اخلاقی خوشگذرانی با افراد نوبلوغ یا کودکان و امثال اینها است؛ بنابراین، پیروی از شیطان و انسان‌های غربی که هیچ فرق بین حرام و حلال ندارند و گناهان را تفکیک نمی‌توانند که نه تنها خود فروشی و کودک‌فروشی را چیز بدی نمی‌داند، بلکه این‌گونه عوامل را موجب افتخار دانسته، و به زیادی مشتری‌ها و تجاوزگران مباحات طلقی می‌کنند؛ انسان‌های مسلمان را به مسیر و فرهنگ آنان می‌کشاند.

چنانکه ملاحظه می‌شود که آیات فوق بیان‌کننده آن است که افراد عیاش، خوشگذران و استفاده‌جو برادران، دوستان و همدستان شیطانند، و گوش به وسوسه‌های شیطان می‌دارند و در انجام بدیها همسان و همگان شیطان هستند، پس هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد) زیرا او به فحشاء و منکر فرمان می‌دهد.

چنانچه شیطان عامل انحراف قوم لوط (علیه‌السلام) گردید و آنان را از راه فلاح و رستگاری به گمراهی و از انسانیت و اخلاق به غیر انسانی سوق داد؛ اینگونه بدره‌کننده افراد فحاذ و غرق در لذت‌های دنیا را نیز بدره می‌نماید.

گاهی هم الله متعال جنایت و گناهان افراد و اشخاص بچه‌بازی و حامیان آنرا را به اضافه ظلم و ستم به این نوع افراد که خوشگذران و غرق در لذت‌های دنیائی هستند نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْطَحُونَ﴾<sup>1</sup>

1 - سوره هود، آیات 116-117



ترجمه: پس چرا نمی‌بایست که در میان ملت‌های گذشته پیش از شما فرزاندگانی باشند که از فساد در زمین نهی کنند تا دیگران را از گرفتار آمدن به عذاب، رهایی بخشند؟ مگر مردمان کمی که به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کردند و ما نجاتشان دادیم، و اما در همان حال کافرانی می‌زیستند که از خوشگذرانی و تنعم و تلذذی پیروی می‌کردند که آنان را مغرور و فاسد کرده بود، و دائماً گناه می‌ورزیدند؛ سنت و عادت پروردگارت چنین نبوده است که شهرها و آبادی‌ها را ستمگرانه ویران کند، درحالی که ساکنان آن جاها متمسک به حق و در صدد اصلاح حال خود و دیگران برآمده باشند.

مراد و مفهوم آیه این است: می‌بایستی در میان آن ملت‌های گذشته گروهی از صاحبان رأی و خیر و صلاح می‌بودند که قوم خویش را از فساد و تباهی منع می‌کردند، اما چنین گروه و جماعتی در میان آنان نبود، بلکه در میان آنان فقط مؤمنان اندکی بودند که به رأی و توجیه آنان اعتنائی نمی‌شد، پس خداوند این گروه اندک را همراه پیامبرانشان نجات داد؛ اما اکثر مردم ستمکارانی بودند که زندگی شهوانی و لذائذ و خوشگذرانی‌های دنیائی را برگزیدند، و در فراوانی نعمت، و در زرق و برق دنیائی سرمست شدند و در نتیجه فساد و تباهی را بیار آوردند، تا آنجا که در اثر عصیان و گناهکاری، مستحق خشم و عذاب خدا قرار گرفتند، چون سنت و عادت خداوند چنین نبوده است که مردمان شهر و دیاری را ستمگرانه نابود کند، درحالی‌که آنان متمسک به حق و ملتزم به فضائل بوده و پیوسته آن چیزی را انجام داده باشند که خیر و صلاح ایشان در آن بوده باشد.

بدیهی است که اعمال نامشروع همچون جرم بچه‌بازی همانطوریکه منجر به هلاک و نابودی انسان در دنیا می‌شود، باعث عذاب خدا در روز آخرت نیز می‌گردد، چون این نوع افراد در مجالس خویش از هرنوع اعمال که ضد موازین اسلامی و اخلاقی است با خوشگذرانی و غرق در شهوات به گناهان و لغزش‌ها، سخت‌ترین مردم هستند

و از لحاظ دور بودن از طاعت و فرمانبرداری خدا در روز آخرت دورترین مردم می باشند، به خاطر اینکه ناز و نعمت، و افراد در خوشگذرانی و لذائذ مادی آنان را نسبت به آخرت و حساب و کتاب و روز قیامت بی توجه می سازد، زیرا که ایمان به خدا و ترس از حساب و کتاب آخرت، خوشگذرانی و شهوترانی را محدود می سازد و انسان را از آن برحذر می دارد، درحالیکه افراد عیاش و غرق در شهوات تمایل و علاقه ای به هیچ گونه تغییر و محدودیتی که در طرز زندگی آنان اثر بگذارد از خود نشان نمی دهند.<sup>1</sup>

گذشته از آن مهمترین مظاهر خوشگذرانی و غرق در لذائذ نامشروع، اسراف و زیاده روی در مصرف اموال، و خرچ ان در امور غیر ضروری است، اموری که حرام و بی مورد می باشند، پس چنین اموری فقر و بینوایی، و زحمت و مشقت را در میان طبقات زحمتکش و کم در آمد اشاعه می دهد، و بدیهی است که در اثر بینوایی و بیچارگی، کینه ها و بدبین ها به وجود می آید، خواری و پستی رواج می یابد و لغزش ها و جنایت ها در جامعه پدیدار می گردد.

از دیدگاه اسلام مال و دارائی در اصل از آن خداست، و خداوند نیز آن را به عنوان امانت به انسان بخشیده است تا اینکه آن را در راه خیر و صلاح خود و جامعه مصرف کند،<sup>2</sup> و این چیزی است که خداوند در قرآن کریم به طور صراحت می فرماید: ﴿وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>3</sup>.

1 - عفيف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، پیشین، ص 220.

2 - همان، ص 226.

3 - سوره بقره، آیه 268.

ترجمه و از چیزهایی که خدا شما را در آنها نماینده خود در تصرف قرار داده است انفاق و بخشش کنید؛ بنابراین اسراف افراد ثروتمند در مصرف مال خود، و زیاده روی در ریخت و پاش آن در راه‌های نامشروع، همان تجاوز بر اموال تمام ملت است، زیرا که مال و ثروت رگ حیات، و منبع قدرت ملت است، و در واقع به وسیله مال و ثروت است کارگاه‌هایی ایجاد می‌شوند که افراد بیکار جامعه را بخود جذب و مشغول می‌سازد، و به وسیله آن اراضی برای کشت و زرع آماده می‌شوند، و همچنین ملت سلاح‌ها و ابزار جنگی را برای دفاع از خود و سرزمین خود در برابر تجاوز دیگران تهیه و تأمین می‌کنند، و رفاه و آسایش و مصالح جامعه فراهم می‌گردد.

به همین خاطر است که اسلام به حاکمان و دست‌اندرکاران دستور می‌دهد که ناظر و مراقب تصرفات افراد باشند، و نگذارند به ناحق و بدون جهت در اموال مردم اسراف و تبذیل به عمل آید؛ قرآن کریم مبذرین و اسراف‌کنندگان را به افراد سفیه و کم‌خرد توصیف نموده و دستور داده است جلو تصرف آنان در اموال خود گرفته شود، و می‌فرماید:

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾<sup>1</sup>

ترجمه: اموال کم‌خردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید. چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است. از (ثمرات) آن خوراک و پوشاک ایشان را تهیه کنید و با سخنان شایسته با آنان گفتگو کنید (و ایشان را نیازارید و با ایشان بدرفتاری نکنید).

---

1 - سوره نساء، آیه 5.

در این آیه دو اشاره بلیغ و رسا در منع و جلوگیری از اسراف و تبذیر ناحق و بیهوده وجود دارد: اشاره اول این است: می فرماید: «اموالکم» تا اینکه مردم را متوجه این نکته سازد که اموال بی خردان و افراد سفیه، اموال ملت است.

اشاره دوم این است: می فرماید: «التي جعل الله لكم قياما» یعنی خداوند اموال را قوام و مصالح زندگی شما قرار داده است، پس باید از آن محافظت و مراقبت کامل به عمل آید و به افراد سفیه و بی عقل داده نشود.

برکسی پوشیده نیست که اسراف بیهوده و مصرف بی رویه، در جامعه ما به ویژه در میان طبقه ثروتمند، و طبقه متوسط رواج پیدا کرده است، و این چیزی است که ما را از عواقب بسیار وخیم، و نتایج شوم و ناگوار آن بر حذر می دارد.<sup>1</sup>

اما درباره طبقه ثروتمند: در روزنامه‌ها به طور مدام درباره بعضی از این افراد مبذر و اسراف کننده اطلاع حاصل می کنیم، از جمله روزنامه النهار که در لبنان منتشر می شود در 1974/12/23 نوشته بود: «مردی در یک شب با کمال پستی و روسیاهی یک میلیون دلار باخت و سه نفر دیگر نیز در خلال پنج روز با هم بیشتر از یک میلیون دالر باختند، و عامل مشترکی که این افراد را به طرف این خسارت و ضرر زیاد کشاند همان عامل ثروتمندی بیش از حد بود به این معنی که آنان از جمله ثروتمندترین افراد عرب بودند و موریس جیفر مدیر دفتر هتل غراند گفته است مدت بیست و یکسالی که ما آنجا بودیم، من افراد مبذر و اسراف کننده زیادی را دیدم اما کسی را در اسراف و قمار بازی بمانند عرب‌ها ندیدم.<sup>2</sup>

---

1 - عقیف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، پیشین، ص 227.

همچنین در آیت 28 سوره اعراف نیز الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>1</sup>.

ترجمه: (کافران) وقتی که کار زشتی همچون بی حیایی افراد را انجام می دهند، می گویند: پدران خود را بر این کار دیده ایم (و نیاکانمان را بر این روش و برنامه یافته ایم و ما به دنبال آنان رفته و از ایشان پیروی می کنیم) و خدا ما را بدان دستور داده است! بگو (ای پیغمبر!): خداوند به کار زشت دستور نمی دهد. آیا چیزی را به خدا نسبت می دهید که (مستند و دلیل صحت آن را) نمی دانید؟».

و در آیت دیگر نیز الله متعال فرموده است که ﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾<sup>2</sup>.

ترجمه: (ای پیغمبر!) بخوان آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده است، و نماز را چنان که باید برپای دار. مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از بی حیایی (در نظر شرع) باز می دارد، و قطعاً ذکر خدا و یاد الله (از هر چیز دیگری) والاتر و بزرگتر است، و خداوند می داند که شما چه کارهایی را انجام می دهید (و سزا و جزایتان را خواهد داد)».

این روشن است که ولا تقربو الفواحش به این معنی است که به کارهای زشت و ناپسند همچون بچه بازی که با پوشانیدن لباس زنان به تن آنان همانند زنان رقصانیده می شوند و در لابلای آن هرنوع کارهای زشت شراب نوشی، لواطت کاری و در این

1 - سوره اعراف، آیه 28.

2 - سوره عنکبوت، آیه 45.

نوع محافل صورت می گیرد، طبیعی است که الله متعال این نوع اعمال را مردود ساخته و از ارتکاب آن نهی نموده است.

از اینکه جرم بچه بازی یک عمل زشت و بسیار ناپسند است که باعث می شود تا اعمال دیگری همانند لواطت از این نوع افراد سر بزند عملی که الله متعال آنرا از اعمال ناپسند، حرام و مردود شمرده است چنانچه این عمل در قوم لوط (علیه السلام) صورت گرفت اینگونه الله متعال در قرآن تذکر می دهد:

﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ﴾<sup>1</sup>

ترجمه: «(جای شکفت است که) شما به جای زنان به مردان دل می بازید و با آنان می آمیزید! اصلاً شما مردمان تجاوزپیشه اید (و به انگیزه شهوت رانی و هواپرستی از مرز فطرت در می گذرید). پاسخ قوم لوط جز این نبود که گفتند: اینان را از شهر و دیار خود بیرون کنید. آخر اینان مردمان پاک و پرهیزگاری هستند!».

حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت لوط (علیه السلام) اصالتاً از مردم «حران» واقع در غرب عراق بودند. شهر «بابل» در آن زمان مرکز حکومت بود شهرهای امروزی (بغداد و بصره وجود نداشتند) مسکن اصلی آن دو بزرگوار قریه ای بنام «کوئی» بود که از توابع «بابل» در سرزمین «حران» بشمار می رفت.<sup>2</sup> در آنجا قوم لوط

1 - سوره اعراف، آیات 80-82.

2 - مولانا محمد عمر، سربازی، تفسیر تبیین القرآن، ج 4، تهران: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، 1386، ص 442.

به طور عموم بت پرست بودند، خداوند جهت هدایت آنها حضرت ابراهیم (علیه السلام) را مبعوث فرمود و به طرف آنها فرستاد. قوم با او مخالفت کد تا جایی که نوبت به آتش نمرود رسید. والدین حضرت ابراهیم که کاکاهای حضرت لوط (علیه السلام) بود او را به بیرون راندن از خانه تهدید کردند. از خانواده او فقط همسر محترمه او حضرت ساره (رضی الله عنه) و برادر زاده اش حضرت لوط (علیه السلام) مسلمان شدند، فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ بِالْآخِرَةِ به همراه همان دو نفر به سوی شام هرجت نمود، پس از رسیدن به نهر اردن بنا به دستور خداوند حضرت ابراهیم (علیه السلام) در منطقه کنعان که به بیت المقدس نزدیک بود سکونت نمود.

خداوند به حضرت لوط (علیه السلام) نیز نبوت عطا فرموده او را جهت هدایت اهالی سدوم که بین اردن و بیت المقدس واقع شده بود مبعوث گردانید.<sup>۱</sup>

الله متعال بر آنها درهای نعمت ها خود را گشوده بود. طبق عادت عموم در چنین مواقع، آنها طوری در نشئه مال و ثروت غرق شده بودند که تمام مرزهای عیش، عشرت و هوا و هوس را پشت سر گذاشته بدونند تا جایی که اثری از غیرت و حیا باقی نمانده بود و استعداد و ملکه تمیز و شناخت خوب و بد را از دست داده بودند، و در چنان فواحشی خلاف فطرت انسانی مبتلا گشته بودند که علاوه بر حرام و گناه بودنش

---

مولانا محمد عمر بن ملا احمد بن ملا عبدالرحمن بن عبدالجلیل بن ملا کمال الدین گشتی است که سلسله‌ی نسب ایشان به حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی رحمه الله می‌رسد. وی در سوم ماه مبارک ذوالحجه سال ۱۳۵۵ هـ.ق. ایشان در سحرگاه ۲۴ صفر ۱۴۲۸ هـ.ق. به وقت تهجد جهت دیدار یار شتافت.

1 - ابی الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی، الدمشقی، تفسیر ابن کثیر، بیروت - لبنان، نشر دارابن حزم، 1420 هـ - 200 م، ص 770.

عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی زاده ۷۰۱ ق. - درگذشته ۷۷۴ ق. - روستای مجدل نزدیک دمشق، سوریه گذشته‌نگار، تفسیرگر و حدیث‌نگار مشهور بود. وی از پیروان ابن تیمیه بود و تفسیری بر قرآن به نام تفسیر ابن کثیر دارد. همچنین کتاب البداية و النهایة که تاریخی از آغاز جهان تا دو سال قبل از مرگ خود او نوشته اوست.

موجب تنفر طبع سلیم و چنان کار زشتی است که عمومی حیوانات نیز از آن اجتناب می‌ورزند.<sup>1</sup>

خداوند حضرت لوط (علیه السلام) را جهت هدایت آنها ماموریت داد، او به قومش خطاب فرمود ﴿أَتَأْتُونَ الْفُجِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾.<sup>2</sup>

ترجمه: لوط را هم فرستادیم و او به قوم خود گفت: آیا کار بسیار زشت و پلشتی را انجام می‌دهید که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است؟!

بیگمان جریمه و عمل زشت این قوم از جمله پست‌ترین و بزرگ‌ترین جرائم می‌باشد؛ این عمل از جمله زشتی‌هایی است که فساد و تباهی و زیان آن، برای مردم و فطرت انسانی و دین و دنیا، آشکار است، بلکه برای زندگی زیانبار است و خداوند بزرگترین و سخت‌ترین عقوبت را نسبت به قوم لوط علیه السلام انجام داد، که زمین آنان را فروبلعید و باران و رگبارسنگ بر آنان بارانید و سزای این عمل شنیع آنان را بدینگونه داد.

الله متعال آن را در قرآن کریم برای پیامبر ﷺ بازگو کرد تا برای جامعه بشری درسی و عبرتی فراموش نشدنی باشد و همواره نصب العین جامعه باشد: ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ فَأَجْبَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾.<sup>3</sup>

ترجمه: (جای شگفت است که) شما به جای زنان به مردان دل می‌بازید و با آنان می‌آمیزید! اصلاً شما مردمان تجاوزپیشه‌اید (و به انگیزه شهوت رانی و

1 - عبدالجلیل براهویی، زاهدی، اعمال منافی عفت در اسلام از دیدگاه اهل سنت، پیشین، ص 132.

2 - سوره اعراف، آیه 80.

3 - سوره اعراف، آیات، 81-84.



هواپرستی از مرز فطرت در می گذرید). پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: اینان را از شهر و دیار خود بیرون کنید. آخر اینان مردمان پاک و پرهیزگاری هستند! پس ما لوط و مؤمنان بدو و خانواده او را نجات دادیم، مگر همسرش را که او (از خانواده خود گسیخته بود و به گمراهان پیوسته بود و لذا) از جمله نابودشوندگان گردید. بر آنان بارانی (از سنگ) باراندم (و ایشان را سنگباران کردیم) بنگر که سرانجام گناهکاران به کجا کشید.

«همانا شما از روی شهوت، به جای زنان با مردان در می آمیزید» یعنی: شما، همسرانی را که خداوند متعال برایتان آفریده است و به حسب فطرت برای آمیزش آماده بوده و صلاحیت مقاربت را دارند و فقط آنانند که جایگاه بر آوردن شهوت و موضع لذت جویی می باشند، فرو گذاشته و به فعل لواط با مردان رو می آورید، فعل ناشایستی که هدفی سازگار با عقل و فطرت سالم نداشته و جز شهوترانی هیچ منظور دیگری از آن ندارید پس شما در ارتکاب این عمل زشت، همانند چهارپایانی هستید که صرفاً به انگیزه شهوترانی بر همدیگر فرومی جهند «بلکه شما قومی مسرف و تجاوز کارید» که این فعل شما مستوجب لعنت و خشم خداوند عز و جل است زیرا این فعلی است انحرافی که با عقل سلیم و فطرت مستقیم هیچ سازگاری ندارد و علت خارج بودن آن از مقتضای فطرت، اسراف و خارج شدن لواطکار از حد اعتدال بشری می باشد.

«ولی جواب قوم او» در برابر انکار و محکوم کردن این عمل از سوی لوط علیه السلام «جز این نبود که گفتند: آنان را» یعنی: لوط و پیروانش را «از شهرتان بیرون کنید» و از روی استهزا افزودند: «هرآینه آنان مردمی منزه طلب هستند» که از افتادن در عمل لواط تبری جسته و پاکی می طلبند بنابراین، نباید با ما در شهر ما سکونت داشته باشند. این پاسخ استهزا آلودشان، هیچ ارتباطی به نصیحت لوط علیه السلام نداشت بلکه پاسخ مناسب این بود که نبوت وی را تصدیق کرده و از فرمان وی اطاعت می کردند و به خواسته وی پاسخ مساعد می دادند ولی آنان این پاسخ زشت را که از نفس های پلید و فطرت های واژگونه شان برخاسته بود، به وی تحویل دادند، عجبا از این منطق

واژگونه! منطقی که می‌گوید: باید کسانی که پاک و پرهیزکارند، از شهر بیرون روند تا پلیدان و ناپاکان در آن باقی بمانند؟! این منطق؛ منطق جاهلیت در هر زمان و مکانی است چنان که در عصر حاضر نیز مشاهده می‌کنیم که اغلب پاکان و پرهیزکاران، در طرد و تبعید به سر می‌برند.

«پس او و اهل خانه او رانجات دادیم» آن گاه که در صبحگاه شبی که عذاب ما بر مردم شهر «سدوم» فرود آمد، لوط علیه السلام و خانواده‌اش را از آن شهر بیرون آوردیم «مگر زنش را» حق تعالی زن لوط علیه السلام را از اهلش استثنا کرد زیرا او به لوط علیه السلام ایمان نیاورده بود «که» به همین جهت زن لوط علیه السلام «از باقی ماندگان بود» در عذاب خداوندی و حکم حق تعالی این بود که او نیز در زمره نابودشدگان باشد.

«و بر سر آنان بارشی بارانیدیم» غیر از آن بارشی که بدان عادی بودند، که این بارش، همانا بارش گل پخته سنگ شده بر آنان بود چنان که در آیه: ﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِنْ سِجِّيلٍ﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: آمده است. «پس بنگر که آخر کار مجرمان» یعنی: کافران «چگونه بود!»<sup>۲</sup> در کل پس بررسی‌های انجام شده در خصوص اینکه قرآن کریم به بحث فحشا، خوش‌گذرانی و پیروی از شیطان حکم نموده چنین نتیجه می‌گیریم که از نظر قرآن کریم که صریحاً به بحث بچه‌بازی پرداخته نشده ولی از لحاظ اینکه جرم بچه‌بازی یک عمل زشت فحاشی، خوش‌گذرانی و عمل زشت لواط است که توسط بعضی از افراد استفاده جو صورت می‌گیرد و آنرا قرآن کریم تحریم نموده و از گناهان کبیره شمرده است از اینرو از لحاظ قرآن عمل بچه‌بازی مردود است و مجازاتی را نیز الله متعال در روز آخرت در نظر گرفته است.

<sup>۱</sup> - سوره هود آیه ۸۲

<sup>۲</sup> - خلص، عبد الرؤوف، تفسیر انوار القرآن، تهران: انتشارات شیخ الاسلام احمدجام، ۱۳۹۲، صص ۳۳۶-۳۳۸.

## مطلب دوم: ادله تحریم بچه‌بازی از دیدگاه احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم

جرم بچه‌بازی و اعمال زشت و ناروای که مشابهت با این جرم دارند و یا مبنای و زمینه ساز جرم بچه‌بازی هستند در مطلب قبلی خداوند متعال آنرا حرام دانسته و از اعمال ناپسند و قبیح برشمرده و انسان را از این عمل دوری و کناره‌جویی فرمان نموده است. در این مطلب نیز به احادیثی می‌پردازیم که نبی کریم صلی الله علیه وسلم اعمال ناپسند همچون فحشا اعمال ضد انسانی و اسلامی را برای انسان‌ها نهی نموده است. گرچه موضوع اصلی روی جرم بچه‌بازی است که این اصطلاح در احادیث نبوی مشخصاً تذکر داده نشده است، چون بچه‌بازی جرمی است که در این اواخر رواج یافته است، اما در کل از لابلای سخنان گهربار نبی کریم صلی الله علیه وسلم چنین برداشت می‌شود که اعمال ناپسند و ناشایسته که مبنا و مصداق جرم بچه‌بازی است حرام بوده و جزای عاملین آنرا به آتش دوزخ توصیف نموده است.

چنانچه در حدیثی نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرموده است که در صورت اجرای اعمال ناپسند همچون لواطت، بچه‌بازی یا هر عملی که در بگیرنده اعمال فحشا چه به صورت آشکار و چه در صورت پنهان باشد مورد خشم خداوند متعال قرار می‌گیرد:

«عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالَ: لَا أَحَدَ أَعْيُرُ مِنَ اللَّهِ وَلِذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا، وَمَا بَطَّنَ وَلَا شَيْءَ أَحَبُّ إِلَيْهِ الْمَدْحُ مِنَ اللَّهِ وَلِذَلِكَ مَدَحَ نَفْسَهُ»<sup>1</sup>

یعنی: «عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: هنگامی که بنده‌ای مرتکب گناهی می‌شود هیچ‌کسی به اندازه خداوند خشمگین و ناراحت نمی‌گردد، به همین خاطر است که فحشا را چه به صورت

1 - للإمام أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، صحيح البخاري، باب (30) نزدیک نشدن به کارهای حرام خواه به صورت آشکار و خواه به صورت پنهان، حدیث، 4634، ص 820.

آشکار و چه به صورت پنهانی حرام نموده است، و هیچ عملی در پیشگاه خداوند محبوب تر از تعریف و توصیف و حمد و ثنای او نیست، برای اینست که خداوند خود را تعریف و توصیف نموده است»<sup>۱</sup>.

از متن این حدیث چنین استنباط می‌گردد که در صورت انجام جرایم فحشا چه در صورت آشکار و چه در صورت پنهان؛ خداوند متعال را خشمگین می‌سازد یا مورد قهر الله متعال جل‌علی‌شانه قرار می‌گیرد از اینرو باید این عمل ناپسند به صورت جدی مورد نهی قرار گرفته و عاملین آن مورد پیگرد جدی قرار گیرد.

برعلاوه حدیث فوق حدیث دیگر که در این زمینه وجود دارد که رسول کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در این خصوص فرموده است:

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ، وَغَيْرَةُ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ»

یعنی: «ابو هریره - رضی‌الله‌عنه - فرموده: پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - گفت: خداوند به حالت غضب و خشم درمی‌یابد و غضب و خشم او از این است که انسان مؤمن مرتکب حرامی شود»<sup>۲</sup>.

همچنین در یک حدیث دیگری که غیرت و شهادت الله متعال را در خصوص جرایم جنسیتی بالای افراد و اشخاص مظلوم نشان می‌دهد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین فرموده است:

« عَنْ أَسْمَاءَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - أَنَّهَا سَمِعَتْ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، يَقُولُ: لَا شَيْءَ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

1 - اللؤلؤ والمرجان: فيما اتفق عليه الشيخان اماما المحدثين ابو عبد الله محمد بن اسماعيل البخارى و ابوالحسين مسلم بن الحجاج النيسابورى، ج3، مترجم: ابوبکر حسن زاده، تهران: نشر احسان، 1380، حدیث 1755، ص 274.

2 - همان اثر، حدیث 1756، ص 274.

یعنی: «اسماء - رضی الله عنها - گفته است: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و سلم می گفت: هیچ کسی (برای حفظ آبرو و ناموس) با غیرت تراز خداوند نیست».

از اینرو از لابلای احادیث فوق چنین بر می آید که متخلفین جرایم فحشا مورد غضب الله متعال قرار می گیرد چرا که چنین عمل از محوطه انسانیت به دور بوده و الله متعال آنرا مردود ساخته است.

گذشته از آن جرم بچه بازی یک عملی است که معمولاً توسط بعضی از افراد استفاده جو و اشخاص مادی پرست و شهوت پرست یا افرادی که از دین، مذهب و عقیده هیچ گونه خبری ندارند صورت می گیرد که این نوع اعمال طبعاً با آزار و اذیت جسمی و روحی همراه می باشند از اینرو افراد و اشخاصی که مورد اذیت و آزار قرار می گیرند رسول الله صلی الله و سلم برای آن حدیثی را بیان نموده که چنین فرموده است:

« عن أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ج: مُؤْمِنٌ يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ قَالُوا: ثُمَّ مَنْ قَالَ: مُؤْمِنٌ فِي شِعْبٍ مِنَ الشَّعَابِ يَتَّقِي اللَّهَ وَيَدْعُ النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ»<sup>۲</sup>.

یعنی: «ابوسعید خدری گفته: ای رسول خدا! چه کسی به نزد خدا از همه محترم تر است؟ فرمود: شخص باایمانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کند، گفتند: بعد از او چه کسی از همه محترم تر است؟ فرمود: شخص باایمانی است که در درّه و جای خلوتی به پرهیزگاری و عبادت مشغول است و مردم را از شرّ اذیت و آزار خود محفوظ می دارد».

1 - همان اثر، حدیث 1757، ص 274.

2 - همان اثر، ج 3، حدیث 1757، ص 318.

همچنین در حدیث دیگر آمده است که رسول الله صلی الله وسلم فرموده است:

« عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ: قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ قَالَ: مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»<sup>۱</sup>.

یعنی: «ابوموسی گفت: مردم گفتند که ای رسول خدا! کدام یک از اخلاق و خصلت های اسلام بهتر و برتر است؟ پیغمبر ج فرمود: کسی که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند».

زیرا انسان های که آزار و اذیت زبانی و جسمی با اشخاص و افراد تهی دست انجام می دهند از نظر رسول الله صلی الله علیه وسلم از اخلاق و خصلت های اسلامی به دور است.

گذشته از آن در حدیث دیگری ابن مسعود (رضی الله عنه) نقل می کند که رسول الله کسانی که همنشین فرشتگان باشد اعمال ناپسند را انجام نمی دهند. اما کسانی که همنشین شیطان و یا جنیان است این نوع اعمال برای شان عادی است. چنانچه می فرماید:

« مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الْجِنِّ قَالُوا: وَإِيَّاكَ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: وَإِيَّايَ، إِلَّا أَنْ اللَّهُ أَعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ، فَلَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِخَيْرٍ. غَيْرَ أَنَّ فِي حَدِيثِ سُفْيَانَ وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الْجِنِّ وَقَرِينُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ»<sup>۲</sup> رواه مسلم

یعنی ابن مسعود (رضی الله تعالی عنه) گفت که: پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرمود: هر یک از شما با خود همنشینی از جن و همنشینی از فرشتگان دارد (که همنشین جنی، وی را به بدی و شر و همنشین فرشته، وی را به خوبی و نیکی

1 - همان اثر، ج 1، حدیث 25، ص 38.

2 - مسلم 4 / 2167 ح 69، دارمی ح 2734، مسند احمد 1/385. الراوي: عبدالله بن مسعود | المحدث: مسلم | المصدر: صحيح

مسلم الصفحة أو الرقم: 2814 | خلاصة حكم المحدث: [صحيح]

امر می کند). صحابه گفتند: حتی شما، ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم؟  
 (یعنی با شما نیز همنشین از جن است)؟ فرمود: بلی (با من نیز هست) اما  
 خداوند لاً (با اعطای مقام عصمت) مرا از شر او ایمن نمود و مرا بر وی مسلط  
 کرد پس همنشین من از جن، مسلمان شد و به جز خیر و نیکی مرا امر نمی کند.  
 در این حدیث، رسول الله صلی الله علیه و سلم بیان می کند که هر انسانی، همان طور  
 که فرشتگانی همراه او هستند، شیاطین نیز همراه او می باشند و هر شخص مسلمان با  
 خود، دو همنشین دارد، همنشینی از فرشتگان و یک همنشین از جنیان. همنشین فرشته،  
 انسان را به کار خیر و نیکی و به خوبی ها و مکارم اخلاق امر می کند، از این جهت او  
 را «ملهم» می نامند. چرا که وی الهام کننده ی کارهای خیر و نیکی است. اما همنشین  
 جنی، انسان را به کار بد و شر و به زشتی ها و مفساد و منکرات و فحشاء و کارهای  
 قبیح و زشت، فرا خوانده و امر می کند. از این جهت، او را «وسواس» می نامند چرا که  
 وی پیوسته در شکل مقام، مال، شهرت و امثال این ها خودنمایی می کند و می کوشد تا  
 انسان ها را از این طریق از مسیرشان منحرف سازد و از هدف شان باز دارد و به سوی  
 گناه و بزهکاری دعوت نماید. و آنها را به سوی بی بندوباری و عیاشی و خوش گذرانی  
 و بولهوسی و الحاد و زندقه فرا خواند.<sup>۱</sup>

همچنین در حدیث دیگری آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:  
 «وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ  
 الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ، وَلَا يُفْضَى الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، وَلَا تُفْضَى  
 الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ»<sup>۲</sup>

1 - ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب، تبریزی، ترجمه و شرح مشکوٰۃ المصابیح (مصابیح السنّة)، ج 1، مترجم: فیض محمد بلوچ،  
 تهران: انتشارات خواجه عبدالله انصاری، 1388، ص 216-217.

2 - صحیح المسلم، حدیث 1627،

«یعنی از ابوسعید (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر فرمودند: «مرد به عورت مردی دیگر و زن به عورت زنی دیگر ننگرد و مردی در یک بستر با مرد دیگر و زنی با زن دیگر در یک بستر نخوانند»<sup>۱</sup>

نظر به نص صریح این حدیث با تأسف زیاد که امروزه در افغانستان این مسئله در نظر گرفته نمی شود. هستند افراد و اشخاص خدا ناترس که عمل بچه بازی را انجام می دهند و هیچ پروایی هم ندارند، بناءً به خوبی دانسته می شود که این نوع افراد و اشخاص مخالف گفته های رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند. نه دین و نه مذهب را معیار زندگی خویش قرار می دهند. حالانکه دین اسلام همه چیز را واضح بیان نموده و توضیح داده است.

همچنین اشخاص و افراد هستند که هر نوع اعمال و کارهای ناشایسته را انجام می دهند که دین اسلام آنها حرام شمرده است اعمالی که از طریق چشم، گوش، زبان، دست، پا و قلب انسان صورت می گیرد که این اعضای انسان به گفته رسول الله صلی الله علیه وسلم گناه می کنند؛ باید این اعضا کنترل شوند. چنانچه در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: كُتِبَ عَلَى ابْنِ آدَمَ نَصِيبُهُ مِنَ الزَّيْنَةِ مِثْلُ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ، وَاللَّسَانُ زَيْنَةُ الْكَلَامِ، وَالْيَدُ زَيْنَةُ الْبَطْشِ، وَالرَّجُلُ زَيْنَةُ الْخَطَا، وَالْقَلْبُ يَهْوَى وَيَتَمَنَّى، وَيُصَدِّقُ ذَلِكَ الْفَرْجُ أَوْ يُكَذِّبُهُ» متفقٌ عليه. وهذا لَفْظُ مُسْلِمٍ.<sup>۲</sup>

یعنی «از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: «برای بنی آدم نصیب از زنا نوشته شده است و هرکس ناگزیر

1 - ریاض الصالحین، ص 373.

2 - صحیح البخاری، حدیث 1622



جزیی از آن را درک می کند؛ زنای چشم، نگاه (حرام به نامحرم) و زنای دو گوش، گوش دادن (حرام به صدای نامحرم) و زنای زبان، سخن (حرام با نامحرم) و زنای دست، دراز کردن آن (به طرف نامحرم) و زنای پا، گام نهادن (به سوی عمل حرام) است و قلب، (به سوی حرام) آرزو و میل می کند (زنایش چنین است) و تمام این ها را عورت آدمی (با انجام یا عدم انجام عمل) تصدیق می کند یا تکذیب می نماید.<sup>1</sup>

از متن این حدیث به خوبی دانسته می شود که تمامی اعضای بدن انسان اگر کنترل نشوند گناه می کنند گناهایی که انسان را به سوی آتش دوزخ سوق می دهد از اینرو نبی کریم صلی الله علیه وسلم برای هدایت امت خویش و نجات از آتش دوزخ این حدیث را بیان نموده است. افراد و اشخاص شهوتی، سوی استفاده گر، خوشگذران (از راه های غیر مشروع) و ظالم که بالای افراد مظلوم هر نوع ظلم را روا می دارند باید از این نوع اعمال دست بکشند.

همین طور احادیث زیادی وجود دارند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به خاطر هدایت و کامیابی امت خویش بیان نموده اند. چنانچه در این حدیث نیز فرموده است:

«وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم: «سِبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ، وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»<sup>2</sup> متفق علیه.

«از ابن مسعود (رضی الله عنه) روایت شده است که او از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) شنید که می فرمود: «ناسزاگویی و دشنام دادن به مسلمان، فسق و کشتن او کفر است»<sup>3</sup>

1- متفق علیه؛ [خ (6343)، م (2657)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است و روایت بخاری کوتاه تر است.

2 - حدیث 1559،

3- متفق علیه است؛ [خ (6044)، م (64)].

هدف از بیان این حدیث این است که انسان هر نوع اعمالی که توسط زبان یا هر نوع فسق اعمال ناپسند که جرم بچه بازی نیز شامل آن می شود و یا کشتن افراد بی گناه کفر است.

«وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُزْحَرَ عَنِ النَّارِ، وَيَدْخَلَ الْجَنَّةَ، فَلَتَأْتِيهِ مَنِيَّتُهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَلِيَأْتِيَ إِلَى النَّاسِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يُؤْتِيَ إِلَيْهِ»<sup>1</sup> رواه مسلم.

یعنی: «از عبدالله بن مسعود رضی الله عنهم روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر کس که دوست دارد از دوزخ دور گردانده و داخل بهشت برده شود، در حالی بمیرد و مرگش فرا رسد که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و به گونه ای که دوست دارد، با خودش رفتار شود، با مردم رفتار کند»<sup>۲</sup>.

از این حدیث جنین استنباط می شود که اشخاص و افراد متجاوز و عاملین جرم بچه بازی باید بدانند که به گفته رسول الله صلی الله علیه و سلم کسانی که به روز قیامت، حساب و کتاب ایمان دارند و از مجازات آن می ترسند که الله متعال در روز آخرت سزای این عمل شان را می دهد باید دست بکشند؛ طوری باید باشند که دوست دارند مردم با آنها باشد یعنی گفته می توانیم کسانی که غیرت و شهامت داشته باشند این عمل را انجام نمی دهند زیرا کسانی که با خانواده ها و اطفال شان این عمل را انجام دهند طبعاً که آنرا نمی خواهند از اینرو باید با مردم نیز همین مسئله را در نظر بگیرند.

1 - وهو بعضُ حدیثِ طویلٍ سبقَ فی باب طاعةِ ولاةِ الأمورِ، حدیث 1566،

2- مسلم روایت کرده است: [1844]. این بخشی از حدیث طولانی است که در باب اطاعت از والیان امور [به شماره ی: 668، گذشت].

همچنین باید گفت که مردان را که الله متعال (جلّ جلاله) او را مذکر آفریده و وی را از نظر طبیعت و ساختمان جسمانی از زن متمایز گردانیده نباید خود را چون زن جلوه دهد و نیز زنان نباید خود را به شکل مردان جلوه دهند،<sup>۱</sup> پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم) در زمینه چنین هدایت داده است:

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَعَنَ النَّبِيُّ ﷺ الْمُخْتَثِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَالْمُتَرَجَّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ، وَقَالَ: «أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ». قَالَ فَأَخْرَجَ النَّبِيُّ ﷺ فُلَانًا، وَأَخْرَجَ عُمَرَ فُلَانًا.»<sup>۲</sup>

یعنی: ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: نبی اکرم ﷺ مردانی را که خود را به شکل زنان در می آورند و زنانی را که خود را به شکل مردان در می آورند، لعنت کرد و فرمود: «آنان را از خانه هایتان بیرون کنید». راوی می گوید: آنگاه، نبی اکرم ﷺ فلانی، و عمر بن خطاب ﷺ هم فلانی را از خانه هایشان بیرون کردند.<sup>۳</sup>

متأسفانه امروزه برخی از افراد چنان در غفلت و بی توجهی و عیاشی و خوشگذرانی و بی بند و باری فرورفته اند که حسّ تشخیص را از دست داده اند؛ بدین گونه که چشمی که پرهیزگاران با آن، آیات خدا را می دیدند و گوش‌ی که سخنان حق را با آن می شنیدند و قلبی که حقایق را به وسیله‌ی آن درک می کردند، در این افراد از کار افتاده است؛ این طور که عقل و چشم و گوش دارند، ولی قدرت «درک» و «دید» و «شنوایی» ندارند؛ چرا که اعمال و کردار زشتشان و لجاجت و عنادشان و پیروی از خواهشاتشان، پرده‌ای در برابر این ابزار شناخت شده است.

1 . عبدالظاهر، احمد الجامی، مهتم، محمد طاهر، خدری، هنوز در توبه باز است، فرصت را غنیمت شمار، چاپ ششم، مؤسسه

انتشارات الزهراء، 1389، ص 292.

2 . صحیح البخاری. حدیث 5886.

3 - مختصر صحیح البخاری، ص 939.

به راستی، انسان تا به این مرحله نرسیده باشد، قابل هدایت است - هر چند گمراه باشد - اما به هنگامی که حسّ تشخیص را بر اثر اعمال زشت خود از دست داد، دیگر راه نجاتی برای او نیست؛ چرا که ابزار شناخت ندارد و طبیعی است که عذاب عظیم در انتظار او باشد.<sup>۱</sup>

علاوه بر آن کسانی که در محافل بچه‌بازان رقص می‌کنند و برای افراد خوش‌گذران وسیله می‌شوند نیز رسول الله صلی الله وسلم حکم نموده است. چنانچه در روایتی آمده که آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) مردانی را که خود را با زنان همانند می‌سازند و زنانیکه خود را به مردان همانند می‌سازند، لعنت نموده اند.

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةَ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ».<sup>۲</sup>

(از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت شده که گفت: آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) مردی را که لباس زن پوشد و زنیکه لباس مرد پوشد، لعنت نموده اند).<sup>۳</sup>

ضمناً افراد و اشخاص بچه‌باز در گرم‌ساختن یا رونق دادن بیشتر محافل بچه‌بازی از هرگونه مایعات مست‌کننده استفاده می‌کنند که اسلام این نوع نوشیدنی‌ها، مایعات مست‌کننده را حرام قطعی قرار داده است، اندک و کثیر آن حرام است، عایشه (رضی الله عنها) در روایتی می‌فرماید: از رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) درباره‌ی «بتع» (شرابی آمیخته از آب و عسل) که اهل یمن آن را می‌نوشیدند سوال

1 - شیخ ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب تبریزی، ترجمه و شرح مشکوة المصابیح، ج، صص 333-334.

2 . سنن ابو داود. رواه ابو داود یاسناد صحیح

3 - ریاض الصالحین، ص 884.

شد؛ آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «كُلُّ شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ»<sup>۱</sup> «هر نوشیدنی که مست کند حرام است»<sup>۲</sup>.

نظر امام محمد بن حسن شیبانی / در مذهب حنفی این است که هر نوشیدنی که سبب مستی شود، فرقی بین کم و زیاد آن نیست، و اکثر احناف هم همین نظر را مختار می‌دانند، و می‌گویند: در این عصر و زمانی که فساد همه‌گیر شده است، باید به موافق به همین نظر فتوی داده است.<sup>۳</sup>

ابو داود و نسایی حدیث فوق را روایت کرده‌اند و آن را ابن حبان از حدیث جابر صحیح دانسته که گفته است: «رسول الله «صلی الله علیه و سلم» فرمودند: «ما اسکر کثیره فقليله حرام»، «آنچه بسیار آن مست کند پس اندک آن نیز حرام است».

در نسایی روایتی از عمر و بن شعیب از پدرش از جدش مانند حدیث قبل آمده است؛ و رساندن سندش به عمرو صحیح است؛ در ابوداود از عایشه (رضی الله عنها) مرفوعاً آمده: «كُلُّ مَسْکَرٍ حَرَامٌ، و ما اسکر من الفرق فملاء الکف من حرام» هر مست کننده‌ای حرام است، و آنچه که از آن مستی پدید آید کمی و زیادی آن فرق ندارد پس یک مشت (کف دست) از آن حرام می‌باشد.<sup>۴</sup>

ام هانی «رضی الله عنها» دختر ابو طالب گفته است: رسول خدا «صلی الله علیه و سلم» به نزد من آمدند و فرمودند: آیا در نزد شما چیزی برای خوردن هست، من گفتم: نه، مگر قطعه‌ای از نان خشک و سرکه، آن حضرت «صلی الله علیه و سلم»

1 . صحیح بخاری در اشربه شماره 5585.

2 - دکتر عبدالرحیم فیروزه‌روی، فیض الباری شرح صحیح البخاری، ج6، نشر و پخش کتاب محمدی، 1391، ص 90.

3 - رد المحتار علی الدر المختار ج4، صص 37-38.

4 - همان اثر، ص 38.

فرمودند: فما افتقر بیت من ادام فیه خل. <sup>1</sup> آن را برای من بیاور خانه‌ای که در آن خورش سرکه باشد نیازمند نمی‌شود.

پس از بررسی‌های انجام شده در کل از احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم چنین نتیجه می‌گیریم که گرچه اصطلاح جرم بچه‌بازی صریحاً در احادیث نبوی تذکره داده نشده است اما همانند آیات قرآن کریم از ماهیت بحث آن به خوبی دانسته می‌شود که اعمال نامشروع همانند، زنا، لواطت، شراب‌خوابی، همانندسازی زنان به صورت مردان و بالعکس آن، آزار و اذیت جنسی-جسمی و روحی، بی‌حیایی، انجام اعمال فحشا و خوشگذرانی؛ همه مردود هستند و برای متجاوزین این اعمال سزا یا کیفر سختی در انتظار شان است که این همه اعمال در افغانستان متأسفانه کم و بیش رواج دارد و محافل جرم بچه‌بازی نیز به صورت چشم‌گیری صورت می‌گیرد که پیامدهای زیادی به دنبال داشته است.

### **مطلب سوم: ادله تحریم بچه‌بازی از دیدگاه فقه**

از آنجا که فقهای کرام مختص در خصوص جرم بچه‌بازی چیزی سخن نگفته‌اند اما محافل فحشا که مصداق آن شراب‌نوشی، بی‌حیایی، لواطت‌کاری و امثال آن است که در افغانستان این عمل مروج است؛ چنین ابراز نظر نموده‌اند:

فقها در کل دیدن بدن مرد را برای مردان جهت نفع بردن غرایض جنسی ممنوع قرار داده‌اند:

قسمی که شاه فیصل نویسنده کتاب تسهیل الهدایه می‌گوید: گرچه دیدن بدن مرد در صورتی که حصه میان ناف و زانوهای اوست جواز دارد اما اگر در صورت پوشانیدن لباس زن در بدن مرد و بهره گرفتن از آن باشد جواز ندارد. یا پسری که زیبا

---

1. صحیح مسلم در اشربه شماره 2501 و 2502.

باشد او در حکم زن است، بسوی او به شوهوت دیدن جایز نیست. البته بدون شهوت دیدن و مصافحه کردن جایز است. لذا او را حکم ستر داده نشده است.<sup>1</sup>

نگاه کردن به امرد یا همان پسران نوجوان نیکو صورت جایز نیست، امرد همان پسر جوانی است که موی در روی لش روئیده ولی هنوز ریش وی بیرون نشده است، چنانکه در «ردالمختار» آمده است، و این شامل کسی که عذرای او (موی ریش کناره‌ی گوش) ورئیده شده باشد و منظور از نیکو صورت بودن او این است که به نظر نگاه کننده زیبا بیاد اگرچه سیاه باشد، زیرا زیبایی بنا به اختلاف طبایع فرق می‌کند، پس اگر به حد میل رسیده باشد یعنی به حدی که بیننده به او تمایل پیدا کند رسیده باشد جایز نیست به او نگاه کند، یعن یا میل به لذت به او نزدیک شود، یا بخوابد، او را ببوسد یا بغل کشی کند یا مباشرت نماید یا در یک رخت خواب بخوابد اگرچه او حرکت خلاف را انجام نداده باشد.<sup>2</sup>

همچنین امام محمد (رح) فرموده است که (وَيُكْرَهُ أَنْ يُقَبَّلَ الرَّجُلُ أَوْ يَدَهُ أَوْ شَيْءٌ مِنْهُ) و بوسیدن مرد یا دست یا چیز دیگری از آن مکروه است.<sup>3</sup> و همچنان امام ابوحنیفه و امام محمد رحمه الله علیه نیز می‌فرماید: (لَا بَأْسَ بِالْقَبِيلِ وَالْمُعْتَقَةِ). معانقه کردن نیز مکروه است. همچنین شاه فیصل می‌فرماید که بوسیدن مرد مردار یا زن زن را

---

1 - مولانا پروفیسرو شاه فیصل امداد العلوم، تسهیل الہدایہ، ج 7، پشاور: فیصل کتب خانہ، بی تاریخ، ص 310.

2 - عبدالحمید محمود، طہاز، الفقہ الحنفی فی ثوبہ الجدید، (برمبنای مذهب امام ابوحنیفہ با ذکر دلایل از قرآن و سنت)، جلد ششم، پیشین، ص 283.

عبدالحمید محمود، طہاز کہ نام مکمل آن عبد الحمید بن محمود بن عبد القادر طہاز بودہ وی فقیہ حقوق دان و مفسر سوری حنفی مذهب می‌باشد، موصوف آثار و کتابهای زیادی از خود به جا مانده کہ از جملہ التفسیر الموضوعی فی العصر الحدیث، العلامة المجاہد الشیخ محمد الحامد و کتاب الفقہ الحنفی فی ثوبہ الجدید می‌توان نام گرفت، وی مدت ہفت سال در دمشق بہ رشتہ علوم شرعیہ آموزش دید، ایشان کارهای زیادی در عرصہ تدریس در مدینہ و ریاض انجام دادہ کہ بالاخرہ در سال 2010 در ریاض درگذشت.

3 - رد المختار علی درالمختار، ج 5، ص 245.

هنگام رخصتی اگر با شهوت باشد مکروه تحریمی است. یا مقصد حصول دنیا باشد مکروه تحریمی است.<sup>۱</sup>

در بحر الرایق آمده است که حرمت عمل لواطت از جرم زنا کرده سخت تر است چرا که این حرکت شرعاً طبعاً و عقلاً حرام است.<sup>۲</sup>

از آن جایی که جذابیت های بدن انسان ها از عوامل بسیار مؤثر در تحریک غریزه جنسی می باشد و این امر از دید و نگاه غیر اخلاقی حاصل می شود لذا همه ادیان به نحوی از آنحاء نسبت به این امر توجه خاص داشته و هر کدام حسب زمان خود هشدار لازم را داده اند، از نگاه عهد قدیم پوشش نامناسب نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز که امروزه نیز مروج در مقابل غیر همسران خود آن چنان مکروه و ناپسند شمرده بود امروزه هم همین طور است که حتی موجب نزول عذاب می گردد؛ علاوه بر دقت و شدت نگاه عهد قدیم به پوشش لباس، نسبت به تشبه مرد به زن و یا بر عکس آن از لباس مردان این چنین آمده: «متاع مرد بر زن روا نباشد و مرد، لباس زن نپوشد زیرا هر که این کند مکروه است؛ چرا که لباس خلاف جنس خود پوشیدن موجب انحراف فکری و سبکی مرد یا زن می گردد».<sup>۳</sup>

همچنین محافظی بچه بازی که در آن شراب نوشی صورت گیرد؛ یگ گناه دیگر است. شراب (الشراب، الخمر، التبیذ)<sup>۴</sup> در لغت عبارت است از هر مایعی که نوشیده می شود، اشربه اسمی از شرب یعنی آنچه که نوشیده می شود، چه آب باشد و چه غیر آب، حلال باشد یا حرام؛<sup>۵</sup> همچنین آب میوه که به طور طبیعی تخمیر شده و مقداری

1 - مولانا پروفیسرو شاه فیصل فاضل امداد العلوم، تسهیل الهدایه، ج7، ص 337

2 - همان، ج4، ص 118.

3 - حبیب لوی، احکام و مقررات موسیع، ص 84.

4 - د. رووف سبحانی، المعجم الفظی، (لغتنامه فارسی-عربی)، بیروت: دارالحجۃ البیضاء، 1429-2008، ص 423.

5 - عبدالحمید محمود، طهاز، پیشین، ص 133.



الکل داشته باشد؛ می؛ باده یا خمر، نوشیده شود و اثرات مست کننده‌ای داشته باشد و از عقل سلیم انسان را زایل نماید شراب گفته می‌شود.<sup>۱</sup> اشریه در اصطلاح به هر آنچه که موجب مستی می‌گردد گفته می‌شود، بنابراین، این همه‌ی مایعات مست کننده در این مسئله داخل است.<sup>۲</sup>

به‌اساس بخش بندی دکتور طهاز که معایب یا نتایج شراب‌نوشی را در 9 بخش تقسیم کرده است این چنین است که کم یا زیاد استفاده شراب به اجماع حرام است، یعنی شراب با لذات حرام است نه به سبب مست نمودن، پس قطره‌ای از آن بنابراین، آیات حرام می‌باشد.

1: شراب نجس است و نجاستش غلیظه می‌باشد، مانند ادرار و خون ریخته شده، زیرا خداوند آن را پلید نامیده است.

2: کسی که آن را حلال بداند کافر می‌شود، برای اینکه دلیل قطعی را انکار می‌نماید، و قول بعضی از معتزله این است که می‌گویند: حرام آن است که بسیار آن مست کننده باشد نه اندک آن، این گفته برای انکار دلیل قطعی کفر است، زیرا انکار کتاب می‌باشد، بدون تردید آن را خداوند پلید نامیده است، بنابراین، پلید آن است که به ذات خود حرام باشد، در آیات و احادیث متواتر شراب را حرام دانسته است.

3: قیمت آن در حق مسلمان ساقط می‌شود، اما در حق ذمی مانند خوگ دارای قیمت و با ارزش می‌باشد، و حتی بیع آن برای او صحیح است، و اگر کسی غیر از امام و مأمورانش آن را اتلاف نماید ضامن می‌گردد، بنا به قول اصح مال بودن آن ساقط

---

1 - حسن، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، 1382، ص 4470.

2 - عبدالحمید محمود، طهاز، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، بر مبنای مذهب امام ابوحنیفه با ذکر دلایل از قرآن و سنت، جلد ششم،

پیشین، ص 133..

نمی‌گردد، زیرا مال چیزی است که طبع بدان میل دارد، و در آن بذل و منع جریان دارد، پس مال است، و لیکن به دلیل آنچه که گفتیم بدون ارزش و قیمت می‌باشد

4: استفاده از آن حرام است، اگرچه برای آب دادن حیوانات یا گل درست کردن، یا برای سرگرمی یا استعمال دارو یا روغن یا غذا از آن استفاده شود، یا غیر از اینها مانند اینکه زن برای براق شدن موهایش از آن به موهایش بزند، یا برای سرمه کردن از آن استفاده نماید، یا آن را برای باز شدن بینی در بینی اش بریزد، یا قطراتی از آن را در آلت تناسلی خود بریزد، همه ی اینها حرام می‌باشد، (چون این موارد در واقع) استفاده از شراب می‌باشد، البته کسیکه اینها را انجام می‌دهد بر وی حد جاری نمی‌گردد چون آنها را نه نوشیده است.

البته بهره‌برداری از اینها برای بی‌حس کردن مستی می‌شود، چنانچه باهم خواهیم دید، یا چیزی نباشد تا از آن بنوشد، پس برای ترس از اینکه از تشنگی از بین نرود به اندازه‌ی ضرورت (می‌تواند) بنوشد، بنابراین، اگر بیشتر از حد ضرورت بنوشد و مست شود بر او حد جاری می‌گردد، و همچنین است اگر برای فرو نشانیدن عطش خود نوشیده بود و بعد دوباره نوشید، یعنی بعد از اینکه عطشش فرو نشست دوباره نوشید، پس مستی مقید به زیادت بر ضرورت نیست، زیرا اگر بیشتر از آنچه که عطش او را فرو بنشانند بنوشد و مست نشود حد بر او لازم می‌گردد، چنانچه در حالت اختیار همان اندازه را بنوشد و مست نشود.<sup>1</sup>

5: کسی که شراب بنوشد حد می‌خورد اگرچه از آن مست نشود، و اگر غیر از شراب بنوشد و مست شود باز هم حد می‌خورد، و پختن در زوال حرمت از آن تأثیری ندارد، و بنا بر نص کسی که از آن کم یا زیاد بنوشد حد می‌خورد، و فتوا بر همین است، و ذات شراب به پختن آن دگرگون نمی‌شود، یعنی به چیز دیگری تبدیل

---

1. ردالمحتار 289/5.

نمی‌شود، و لذا اگر قطره‌ای از آن در آب غیر جاری بریزد یا چیزی که در حکم آب غیر جاری است بریزد آن را نجس می‌نماید اگرچه در آن استهلاک شده و آب گردد، و همچنین است اگر در دیگ غذا قطره‌ای از آن بریزد همه‌ی غذاها را نجس می‌نماید، اگرچه در طعام حل گردد، چنانکه اگر در دیگ غذا قطره‌ای از ادرار بریزد غذا را نجس می‌کند.

6: بیع و تجارت آن جایز نیست، در حدیثی از ابو سعید خدری (رضی الله عنه) روایت گردیده که: از رسول الله «صلی الله علیه و سلم» درحالی که در مدین سخنرانی می‌کرد شنیدم که می‌فرمودند:

«یا ایها الناس! ان الله تعالی يعرض بالخمير، و لعل الله سينزل فيها امرا، فمن كان عنده منها شيء فليبعه، و لينتفع به» «ای مردم! خدای تعالی از شراب با اشاره و کنایه یاد می‌کند، و شاید خداوند به زودی در این مورد امری نازل کند، بنابراین، اگر کسی چیزی از آن در نزد وی هست پس آن را بفروشد، و از آن استفاده ببرد»<sup>1</sup>.

7: عرقی که با تقطیر از شراب گرفته می‌شود حکم آن مانند حکم شراب است، و در مورد اینکه کسی اندکی از آن بنوشد حد می‌خورد اختلا است، اما نجاست آن مانند اصلش غلیظه است، لیکن حرمت آن مانند حرمت شراب نیست، برای این که در باره کافر شدن کسی که آن را حلال می‌داند اختلاف است.

8: بنا به قول معتمد مداوا و معالجه بدان جایز نیست، اگرچه با چکاندن در بینی یا ریختن قطره در آلت باشد، در حدیث شریف آمده که طارق بن سوید جعفی از نبی کریم صلی الله علیه و سلم در باره‌ی شراب پرسید؛ پس آن حضرت صلی الله علیه و سلم او را نهی کرد، یا از اینکه آن را بسازد بد برد، طارق گفت: من آن را برای مداوا

---

<sup>1</sup> - عبدالحمید محمود، طهاز، پیشین، ص 134.

و درمان می سازم، ان حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: انه لیس بدواء لکنه داء»<sup>۱</sup>  
آن در مان نیست بلکه درد است».

و با هم در مسایل ربا دیدم که مذهب اجازه معالجه با حرام را نمی دهد مگر دو  
حالت ضرورت، به شرط اینکه غیر از آن دارویی یافت نشود.<sup>۲</sup>

9: سرکه ساختن شراب جایز است، اگرچه به انداختن چیزی در آن مانند نمک و  
آب و ماهی باشد، و با روشن کردن آتش در زیر آن، و منتقل کردن آن به آفتاب،  
اگر کسی سرکه را با شراب مخلوط نماید و شراب ترش شود حلال است اگرچه  
شراب بر سرکه غالب باشد، و هرگاه در شراب بعضی از ترشی ها را مخلوط نماید در  
نزد امام ابو حنیفه رح سرکه محسوب نمی شود مگر اینکه تلخی آن را از بین ببرد، و  
در نزد صاحبین «رضی الله عنهم» سرکه محسوب می شود، و چون شراب سرکه شود  
ظرف تا آنجا که در آن سرکه قرار دارد پاک می شود، و اما در مورد بالای آن گفته  
شده که به تبع پاک می باشد، و این طور هم گفته شده که پاک نمی شود، زیرا بالای  
آن آغشته به شراب خشک شده در آن است مگر اینکه با سرکه شسته شود پس از آن  
لحظه آغشته به سرکه می گردد و پاک است، فتوا به همان قول اول است.<sup>۳</sup>

سید سابق در کتاب خویش تحت عنوان فقه السنه گفته است: «چقدر شایسته و  
مستحق است کسی را که مرتکب این جرم و رذیله و پستی می شود  
بگونه ای کیفر دهند که عبرت و پند برای دیگران باشد و بگونه ای شکنجه گردد که  
آتش شهوت فاسقان تبهکار را خاموش سازد. برآستی کسی که این عمل زشت قوم  
لوط را مرتکب شود، که پیش از قوم لوط احدی از جهانیان بدان مبادرت نورزیده  
بود، شایسته است که عذاب و شکنجه و کیفر سخت و زشت و جانکاهی مانند آنان ببیند

1 . صحیح مسلم در اشربه 1984.

2 . رد المحتار 290/5.

3 - عبدالحمید محمود، طهاز، پیشین، صص 134-136.

و به آتش آنان بسوزد. خداوند این قوم تبهکار را در زمین فرو برد و ریشه‌شان را از بیخ کند و همه را نابود کرد.<sup>۱</sup>

## مبحث دوم: مجازات جرم بچه‌بازی از دید قرآن کریم، احادیث و فقه

در این مبحث به مجازات جرم بچه‌بازی از دید گاه قرآن کریم، احادیث نبوی و فقه می‌پردازیم که در قرآن و احادیث نبوی این مجازات‌ها غالباً جنبه اخروی دارند و در فقه مجازات‌ها جنبه قانونی و دنیوی دارند که مشتمل بر سه مطلب می‌باشد و قرار ذیل به بحث گرفته می‌شوند:

### مطلب اول: مجازات جرم بچه‌بازی در قرآن کریم

از اینکه جرم بچه‌بازی یا امثال آن که مروج کننده فحشا در جامعه است و پیامدهای ناگورای در زندگی فرد و جامعه می‌گذارد از اینرو الله متعال در قرآن کریم متجاوین را به کیفر اعمال شان قرار ذیل گوشزد نموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>.

ترجمه: «بی‌گمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون فحشا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلشتی‌ها را)».

شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری (رح) مفسر انوار القرآن در این خصوص چنین می‌نویسد: «به‌راستی کسانی که دوست دارند، فاحشه شایع شود و

1 - سید، سابق، فقه‌السنه، تهران: نشر احسان، 1397، ص 1602.

2 - سوره نور، آیه 19.

منتشر گردد «در میان کسانی که ایمان آورده‌اند» یعنی: در میان پاکدامنان با عفت از اهل ایمان علاوه بر اینکه «برایشان در دنیا عذابی دردناک است» با اجرای حد بر آنان؛ بلکه نیز برایشان عذابی است دردناک «در آخرت» با عذاب دوزخ «و خدا می‌داند» رازهای سینه‌ها را «و شما نمی‌دانید» مگر آنچه را که خدا خود، شما را به آن آگاه گرداند و کار این گروهی را که جز بدی و بداندیشی هدف دیگری ندارند، افشا سازد پس در حکم و حکمت به خدای متعال تسلیم شوید.<sup>1</sup>

باید دانست که نگاه شهوت آمیز به روی پسر (امرد یا بی‌ریش)، به اتفاق ائمه حرام است. صاحب تفسیر «انوار القرآن» می‌گوید: «اما کسانی که نگاه به سوی مردان را، نگاه به سوی مظاهر جمال الهی می‌دانند و این کار را راهی به سوی خداوند (جلّ جلاله) می‌شناسند - چنان که بعضی از گروه‌های مدعی تصوف و عرفان چنین می‌کنند - باید گفت که این سخنان کفری بزرگتر از کفر پرستش‌گران بتان و کفر قوم لوط است و این گروه از بدترین زندیقان مرتدی هستند که قتلشان به اجماع کل امت واجب است...»<sup>2</sup>

همچنین الله متعال در جای دیگر از کلامش می‌فرماید:

﴿نَمَّا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُوْلِيكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾<sup>3</sup>.

یعنی: «عتاب و عذاب تنها متوجه کسانی است که به مردم ستم و در زمین به ناحق سرکشی می‌کنند؛ چنین کسانی دارای عذاب دردآور و دردناکی هستند».

صاحب تفسیر انوار القرآن در این خصوص چنین می‌نویسد: «پس چون خداوند (جلّ جلاله) از این محنت نجات‌شان داد و دعایشان را اجابت کرد» «ناگهان

1 - شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری تفسیر انوارالقرآن، ج 4، مترجم: عبدالروف مخلص، ص 195.

2 - شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری تفسیر انوارالقرآن، ج 4، مترجم: عبدالروف مخلص، ص 203.

3 - سوره الشوری، آیه 42.

در زمین به ناحق سرکشی می‌کنند» و بی‌آن که شبهه‌ای داشته باشند، فقط از روی تمرد و عناد، در زمین فساد ورزیده و به بیراهه می‌روند و آن دعاها و سوگندها و پیمان‌ها و عهدهایی را که با خداوند (جلّ جلاله) بسته بودند، فراموش می‌کنند «ای مردم! جز این نیست که سرکشی شما فقط به زیان خود شماست» پس سرکشی و تجاوز انسان به دیگران، در واقع تجاوز و سرکشی بر خود وی است، به اعتبار این که فرجام و پیامد آن تجاوز - که چیزی جز مجازات و انتقام نیست - به خود وی برمی‌گردد. باید گفت هیچ گناهی چون تجاوز و قطع پیوند رحم سزاوارتر به آن نیست که خداوند عقوبت آن را در دنیا زود برساند، به همراه آنچه که برای صاحبش در آخرت از عذاب ذخیره می‌کند. «بهره زندگانی دنیاست» یعنی: بهره‌مندی شما از سرکشی، فقط محدود به زمان تنگ زندگانی دنیاست «سپس بازگشت تان به سوی ماست» بعد از این زندگی گذرا و بهره‌مندی چند روزه دنیا «آن‌گاه شما را از آنچه می‌کردید» در دنیا از خیر و شر «باخبر خواهیم کرد» و شما را در برابر آن جزا خواهیم داد بنابراین، هر کس خیری می‌بیند؛ باید خدا (جلّ جلاله) را سپاس گوید و هر کس شری می‌بیند؛ باید جز خودش کسی دیگر را سرزنش نکند.<sup>1</sup>

همچنین در خصوص اینکه افراد تهی دست جامعه یا اطفال از دست کسانی مورد آزار و اذیت جسمی و روحی قرار می‌گیرند و مرتکب گناهان زشت همچون بچه‌بازی به صورت آشکار و پنهان می‌شوند الله متعال سزا و یا جزای آنها را چنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُنَّ يَكْتَسِبْنَ عَلَيْهِنَّ إِثْمَ الَّذِي يَأْتِيَنَّهُنَّ مِنَ الْيَدِ الْمَأْخُوضَةِ وَأُولَئِكَ سَيُعَذِّبُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ اللَّهُ عَظِيمٌ عَذَابُهُمْ﴾<sup>2</sup>

1 - شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری تفسیر انوارالقرآن، ج 2، مترجم: عبدالرؤف مخلص، ص 627.

2 - سوره الأحزاب، آیه 58.

ترجمه: «کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می‌رسانند، مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده‌اند».

صاحب تفسیر انوار القرآن در تفسیر این آیت چنین می‌نویسد که در خصوص آزار رساندن؛ خدا (جلّ جلاله) و پیامبرش (صلی الله علیه و سلم)، حکم مطلق ذکر نموده اند چون این کار ابداً و به هیچ صورتی حق نیست اما آزار رساندن به مؤمنان به قید: (بِعَیْرِ مَا اِکْتَسَبُوا): (بی آن که مرتکب عملی ناروا شده باشند) مقید ساخته شد زیرا آزار دادن مؤمن گاهی به حق است و گاهی به ناروا؛ آنچه که به حق است، در حد و تعذیر می‌باشد: مثلاً اگر کسی فرد دیگر را مورد آزار زبانی، جسمی یا به قتل رساند، در این صورت جایز است که با او این عمل به عنوان حد و قصاص انجام شود و اگر مالی را تلف کند، بر او غرامت مانند آن است و چه بسا که مرتکب معصیتی شود و در قبال آن تعزیر گردد.<sup>۱</sup>

ظلم و ستم برای افراد جامعه مخصوصاً کودکان و اطفال که یکی از طبقه‌های عاجز جامعه هستند خارج از شرع اسلام بوده و الله متعال نیز در این خصوص چنین مجازات را در نظر گرفته است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾<sup>۲</sup>

ترجمه: «بی‌گمان کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را آزار و اذیت می‌دهند تا گمراه شان بسازند، و سپس توبه نمی‌کنند و از کرده خویش پشیمان نمی‌شوند، قطعاً عذاب دوزخ دامنگیر ایشان خواهد شد و همچنین عذاب آتش سوزان بهره آنان خواهد بود.».

1 - شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری، تفسیر انوارالقرآن، ج 4، مترجم: عبدالرؤف مخلص، ص 675.

2 - سوره بروج، آیه 10.



چنانچه مفسرین در خصوص این آیت می‌نویسند که «همانا کسانی که مردان و زنان مؤمن را عذاب کردند» یعنی: ایشان را در آتش سوزانده و در دینشان مورد آزار قرار دادند تا از آن برگردند؛ و هیچ انتخاب دیگری جز این که به خدای سبحان کفر ورزند در برابر ایشان قرار ندادند «سپس توبه نکردند» از این عملکرد زشت و بازنگشتند از کفر و آزار و رفتار ناپسند خویش؛ «پس برای آنان است عذاب جهنم» در آخرت به سبب کفرشان «و برای آنان است عذاب سوزان» یعنی: برای آنان عذابی دیگر افزون بر عذاب کفرشان است که این عذاب، عذاب سوزان می‌باشد؛ به سبب حریق سوزانی که برای مؤمنان برپا کردند. حسن بصری: می‌گوید: «بنگرید به سوی بحز بی‌کران جود و کرم پروردگار متعال؛ در حالی که آنها دوستانش را کشتند اما او بازهم آنان را به سوی توبه و مغفرت فرامی‌خواند».<sup>1</sup>

پس در کل گفته می‌توانیم عذاب خداوند متعال برای اشخاص و افرادی که کارهای زشت بچه‌بازی یا فحشا کاری را انجام می‌دهند و از این طریق کودکان و اطفال را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند خداوند بر علاوه اینکه به عذاب دروغ و کارهای ناپسند ایشان آنان را محاکمه می‌نماید و به سزای عمل شان می‌رساند؛ از لحاظ آزار و اذیتی که انجام داده نیز مورد مجازات قرار می‌گیرند.

### **مطلب دوم: مجازات جرم بچه‌بازی از نظر احادیث**

از اینکه در مطلب قبلی دانستیم که اشخاص گمراه، بد اخلاق که کارهای زشت از ایشان سر می‌زند اینان را الله متعال مجازات شدید در نظر گرفته است؛ در این مطلب نیز احادیث را مورد بحث قرار می‌دهیم که مردان شهوتی یا افرادی که دست به کارهای ناروان همچون جرم بچه‌بازی می‌زنند رسول الله صلی الله وسلم مجازاتی را که الله متعال برای آن در نظر گرفته است به زبان خود بیان می‌کند:

---

1 - شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری، تفسیر انوارالقرآن، ج 4، مترجم: عبدالرؤف مخلص، ص 675.

چنانچه در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "أَرْبَعَةٌ يُصْبِحُونَ فِي غَضَبِ اللَّهِ وَيُمْسُونَ فِي سَخَطِ اللَّهِ، أَوْ يُمْسُونَ فِي غَضَبِهِ وَيُصْبِحُونَ فِي سَخَطِهِ" - شَاكُّ الْمُحَدِّثُ - قِيلَ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "الْمُتَشَبِّهُونَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَالْمُتَشَبِّهَاتُ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَالَّذِي يَأْتِي الْبَهِيمَةَ، وَالَّذِي يَأْتِي الرَّجُلَ" <sup>1</sup>

یعنی: در روایتی از حضرت ابوهریره (رضی الله عنه) می آید که حضرت رسول گرامی صلی الله وسلم فرمودند: چهار گروه اند که در خشم و غضب خداوند متعال صبح می کنند، و در ناراضگی خداوند متعال شام می کنند، من گفتم: یا رسول الله آنها چه کسانی اند؟! آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: مردانی که خود را به زنان مشابه می کنند، و زنانی که خود را به مردان مشابه می کنند، کسی که با چهار پایان جماع می کند، و کسی که با مردان عمل لواط را انجام می دهد.<sup>2</sup>

بناءً دیده می شود که افراد و اشخاص که اعمال ناشایسته و ضد موازین اسلامی همچون لواطت را انجام می دهند رسول الله صلی الله علیه وسلم بیم خشم خداوند را برای ایشان می دهد و طبعاً نارضایتی الله متعال به سبب این اعمال ناشایسته باعث رفتن این افراد به دوزخ نیز می شود.

همچنین در حدیث دیگری برای مجازات اشخاص بچه بازی رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«أَخْبَرَنَا أَبُو مَنْصُورٍ الْبَغْدَادِيُّ، أَخْبَرَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ رَجَاءٍ، أَخْبَرَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ الْهَرَوِيُّ، حَدَّثَنَا أَبُو مُصْعَبٍ، حَدَّثَنَا مُحَرَّرُ بْنُ هَارُونَ، عَنِ الْأَعْرَجِ،

1 - أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، السنن الكبير للبيهقي، باب التحريم على رمي، ج 10، مكة المكرمة، مكتبة دار الباز، 1344 هـ، ص 14. أَخْبَرَنَا أَبُو سَعْدٍ الْمَالِينِيُّ أَنَا أَبُو أَحْمَدَ بْنُ عَدِيِّ، ثنا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الدَّمَشْقِيُّ ثنا دُحَيْمٌ، ثنا ابْنُ أَبِي قُدَيْكٍ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ الْخَزَاعِيُّ عَنْ أَبِيهِ، وَهُوَ صَحِيحٌ.

2 - دکتر عبدالرحيم فيروزهروي، فيض الباري شرح صحيح البخاري، ج 3، ص 134.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " لَعَنَ اللَّهُ سَبْعَةً مِنْ خَلْقِهِ،  
وَلَعَنَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لَعْنَةً تَكْفِيهِ، قَالَ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَمِلَ عَمَلَ قَوْمِ  
لُوطٍ...".<sup>1</sup>

یعنی؛ «در روایتی از حضرت ابوهریره (رضی الله عنه) می آید که، آن حضرت  
(صلی الله علیه وسلم) فرمودند: الله تعالی هفت نفر از مخلوقاتش را بالای هفت  
آسمان لعنت کردند، اما بر یکی از آنها سه بار لعنت را تکرار فرمودند، سپس  
دیگران را یکبار لعنت کردند، فرمودند: ملعون است، ملعون است، ملعون است  
کسی که عمل قوم لوط (لواط) را انجام بدهد».<sup>2</sup>

از نص صریح این حدیث به خوبی دانسته می شود که اشخاص و افرادی که عمل قوم  
لوط (علیه السلام) را انجام می دهند به شدیدترین لفظ مورد لعنت الله متعال قرار می گیرد.  
یعنی از این جزا کرده دگه جزای بزرگتر نیست که این نوع اشخاص مورد لعنت الله متعال  
قرار می گیرند.

و نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنه قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم الْمُخْتَلِثِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ».<sup>3</sup>  
و فی روایة: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ»<sup>4</sup>  
یعنی: «از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت شده است که گفت: پیامبر (صلی الله  
علیه وسلم) مردانی که خود را به زن و زنانی که خود را به مرد، همانند کنند،  
لعنت نمودند».

در روایتی دیگر آمده است: «پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر مردانی که خود را  
به زنان شبیه کنند و زنانی که خود را به مردان شبیه می نمایند، لعنت فرستاد».

1 - أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، السنن الكبرى للبيهقي، پیشین، ص 14.

2 - عبد الجليل براهوي، زاهدی، اعمال منافی عفت در اسلام از دیدگاه اهل سنت، پیشین، ص 167-168.

3 - ابوداود [4098] به اسناد صحیح روایت کرده است.

4 - بخاری روایت کرده است: [5886].

از این حدیث نیز به خوبی دانسته می‌شود که مردانی که خود را شبه زنان و زنانی که خود را شبه مرد می‌سازند که امروزه در افغانستان متأسفانه به صورت چشم‌گیری مروج است و همه به چشم سر می‌بینیم و مشاهده می‌نماییم که این نوع افراد و اشخاص را خداوند متعال لعنت کرده که این یک جزای بسیار سنگین از طرف الله متعال است؛ کسانی این را درک می‌کنند که گوش شنوا و چشم بینا داشته باشند.

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ «يَحْسَبُ امْرِيءٌ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»<sup>1</sup>

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «برای شخص مسلمان همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند».<sup>2</sup>

در این حدیث نیز وضاحت از این دارد که در صورت سوی استفاده از اطفال و کودکان در جرم بچه‌بازی مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرد از اینرو رسول الله صلی الله علیه وسلم این عمل را نیز نهی فرموده است.

برعلاوه آن ابوهریره (رضی الله عنه) می‌گوید که رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَافَسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا كَمَا أَمَرَكُمْ. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَحْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هُنَا، التَّقْوَى هُنَا» وَبُشَيْرٌ إِلَى صَدْرِهِ «يَحْسَبُ امْرِيءٌ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَعِرْضُهُ، وَمَالُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَأَعْمَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ».

یعنی: «از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «از گمان (بد) بپرهیزید! زیرا گمان، دروغ‌ترین سخن است و عیوب و مسایل پوشیده‌ی دیگران را دنبال نکنید و جاسوسی و تجسس ننمایید و با دیگران رقابت نکنید و نسبت به همدیگر حسد نورزید و کینه نداشته باشید و از همدیگر نبرید و به هم پشت ننمایید و ای بندگان خدا! برادران هم باشید»

1 - رواه مسلم، و قد سبق قریباً بطوطه.

2- مسلم روایت کرده است: [2564]. روایت کامل این حدیث قبلاً [به شماره‌ی 1570]، گذشت.

چنان که خدا به شما فرمان داده است. مسلمان برادر مسلمان است و بر او ظلم نمی‌کند و او را خوار نمی‌کند و او را کوچک نمی‌شمارد؛ تقوا این جاست! تقوا این جاست! و به سینه‌ی خود اشاره نمود؛ «برای شخص مسلمان همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند؛ تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونس، آبرویش و مالش؛ خداوند به بدن‌ها و صورت‌های شما نگاه نمی‌کند بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد».

همچنین حدیث دیگری که از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل می‌شود که ایشان فرمودند:

«وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ يَضْمَنُ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ» متفقٌ عليه.

یعنی: «از سهل به سعد (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کسی که برای من، مابین دو گونه و دو پایش (زبان و عورت) را ضمانت کند، (غیبت و افترا و زنا و عمل لواطت نکند)، من برای او بهشت را ضمانت می‌کنم».

در کل چنین نتیجه می‌گیریم که احادیث زیادی در خصوص اعمال منافی عفت علی‌الخصوص جرم بچه‌بازی که در آن کودکان یا اطفال هر نوع آزار و اذیت می‌شوند و یا هم مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرند و یا هم مورد استفاده‌های مختلف جنسی و روحی قرار می‌گیرند همه از نظر احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم) مردود شمرده و مجازات سختی را در این احادیث تذکر داده است.

### مطلب دوم: مجازات جرم بچه‌بازی در فقه

لواط به جهت قباحت بی حد آن از نظر طبع و عقل و شرع از زنا بدتر است، به همین خاطر انجام دهنده این عمل، در بهشت جا ندارد. پس جایز نیست کسی که سر را می‌تراشد مرد زیبا صورت و مورد اشتها باشد، این در صورتی است کسی که سر او

تراشیده می شود از او لذت ببرد، خصوصاً آرایگشرها و دلاک های حمام نباید مرد باشند، حاصل سخن اینکه اگر نگاه کردن و نیکو شمردن آن به وجه جمیل و تفصیل بر وجه زشت مانند نیکو دانستن کالای نیکو بر کالای بد باشد، در این باکی نیست، زیرا این از طبیعت انسان است، و حتی این طبع در افراد صغیر و کوچک نیز وجود دارد، پس کوچک تمیز دهنده صاحب صورت زیبا را از صاحب صورت زشت بیشتر دوست دارد، حتی این خاصیت در بعضی از حیوانات نیز دیده می شود.<sup>۱</sup>

اهل سلف گفته اند: لواط چند نوع است، برخی فقط نظربازی می کنند، و گروهی مصافحه می کنند، و گروهی عمل می کنند. پس کسی که بداند یا گمان کند یا شک نماید که نفس او تمایل جنسی دارد نگاه کردن برای او حرام است.<sup>۲</sup>

بیگمان جریمه و عمل زشت لواط از جمله پست ترین و بزرگ ترین جرائم می باشد. این عمل از جمله زشتیهای است که فساد و تباهی و زیان آن، برای مردم و فطرت انسانی و دین و دنیا، آشکار است، بلکه برای زندگی زیانبار است. و خداوند بزرگترین و سخت ترین عقوبت را نسبت به قوم لوط علیه السلام انجام داد، که زمین آنان را فروبلعید و باران و رگبارسنگ بر آنان بارانید و سزای این عمل شنیع آنان را به سخت ترین وجه نازل فرمود.

اسلام بدینجهت درکیفر و شکنجه این عمل بی شرمانه سخت گیری نموده است چون زیان های فردی و اجتماعی آن بسیار آشکار و خطرناک است.<sup>۳</sup>

در روایتی آمده است که حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) به فاعل و مفهوم لواط دیوار را انداخته بود و حضرت علی (رضی الله عنه) نیز هردو را به شمشیر قتل

1 - ردالمختار، ج 5، ص 233.

2 - عبدالحمید محمود، طه‌از، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، بر مبنای مذهب امام ابوحنیفه با ذکر دلایل از قرآن و سنت، جلد ششم، پیشین، ص 284.

3 - همان اثر، جلد ششم، ص 286.

کرده بود و حکم سوختاندن ایشان را کرده بود در آتش و امام بیهقی در روایت مرسل خود افتقا صحابه کرام را بر سوختاندن هردو فاعل و مفعول نقل کرده است.<sup>۱</sup> با اینکه فقها و علماء اجماع دارند بر تحریم این جرم و جنایت و سخت گیری درباره مرتکب جرم بچه بازی و لواطت، ولی درباره تعیین کیفر و عقوبت مقرر آن اختلاف دارند:

1- گروهی بر آن هستند که به طور مطلق باید لواطت کار و بچه باز کشته شود.

2- گروهی بر آن می باشند که حد بچه باز مانند حد زناکار است چون در آن لواطت صورت می گیرد که ازدواج ناکرده غیر محصن و بکر بایستی شلاق زده شود و ازدواج کرده - محصن - رجم گردد.

3- گروهی قایل به تعزیر هستند.

مذهب اول: اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و ناصر و قاسم بن ابراهیم و یکی از دو قول شافعی بر آن می باشند که حد لواط قتل و کشتن است اگرچه محصن هم نباشد.

یعنی هر کس مرتکب عمل بچه بازی یا لواطت شود باید کشته شود. خواه فاعل و خواه مفعول هر دو باید کشته شوند.<sup>۲</sup> و استدلال کرده اند:

1- از عکرمه از ابن عباس روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: «مَنْ وَجَدْتُمُوهُ يَعْمَلُ عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ فَأَقْتُلُوا الْفَاعِلَ وَالْمَفْعُولَ بِهِ» «هر کس را یافتید که عمل قوم لوط علیه السلام را مرتکب می شود چه فاعل و چه مفعول به هردو را بکشید».<sup>۳</sup>

1- همان اثر، ص 286.

2- همان اثر، ص 286.

3- همان اثر، ص 286.

صحاح ششگانه بجز نسائی آن را روایت کرده‌اند در «نیل» آمده که حاکم و بیهقی نیز اسناد آن را بیرون آورده و حافظ ابن حجر رجال آن را موثوق به دانسته جز آنکه گفته است که مختلف فیه است.<sup>۱</sup>

2- از حضرت علی هم نقل شده است که هرکس را که مرتکب این عمل شده رجم کرده است. بیهقی آن را بیرون آورده و نوشته نموده است.<sup>۲</sup>

امام شافعی گفته است که ما بدین عمل او استناد کرده و هرکس مرتکب این عمل شود ازدواج کرده یا ازدواج نکرده - محصن و غیر محصن - کیفرش را قتل و کشتن می‌دانیم.

3- از حضرت ابوبکر روایت شده که او اصحاب را بمشورت خواند درباره کسی که عمل لواط را مرتکب می‌شود. آن سخن علی بن ابیطالب از همه شدیدتر و تندتر بود که فرمود «این گناهی است که هیچ امتی از امتها مرتکب آن نشده‌اند مگر یک امت و می‌دانید که خداوند با آن امت چگونه رفتار کرد. بنظر ما چنین اشخاص باید با آتش سوزانده شوند». لذا ابوبکر به خالد بن ولید نوشت و به وی دستور داد که چنین اشخاصی را بسوزاند. بیهقی این روایت را تخریج نموده و در اسناد آن «ارسال» می‌باشد.<sup>۳</sup>

شوکانی گفته است: این احادیث می‌تواند مورد احتجاج و استدلال قرار گیرند. ولی این گروه درباره چگونگی کشتن مرتکب این عمل ننگین با هم اختلاف دارند:

- از ابوبکر و علی روایت شده که نخست چنین شخصی را باید با شمشیر کشت سپس جسدش را باید سوزاند چون براستی معصیت بزرگی است. بقول عمر و عثمان

---

1- همان اثر، ج 6، ص 286.

2- همان اثر، ص 287.

3- همان اثر، ص 287.



باید او را در زیر آوار کشت و دیوار بر او خراب نمود. و بقول ابن عباس او را باید از بام بلندترین ساختمان شهر پایین انداخت.<sup>۱</sup>

یغوی از شعبی و زهری و مالک و احمد و اسحاق حکایت کرده که او باید رجم گردد. و ترمذی نیز آن را از مالک و شافعی و احمد و اسحاق حکایت کرده است. از نخعی روایت شده که اگر می شد دو بار زانی را رجم کرد می بایستی مرتکب لواط را دو بار رجم بکنند.<sup>۲</sup>

منذری گفته است ابوبکر و علی و عبدالله بن زبیر و هشام بن عبدالملک مرتکب عمل لواط را می سوزاندند.

مذهب دوم: سعید بن المسیب و عطاء بن ابی بجاج و حسن بصری و قتاده و نخعی و ثوری و اوزاعی و ابوطالب و امام یحیی و شافعی در یکی از دوقولش بر آن هستند که حد مرتکب لواط مانند حد زنا است که بکر و ازدواج نکرده - غیر محصن - یکصد ضربه شلاق می خورد و آنگاه یکسال تبعید می شود. و کسی که محصن و ازدواج کرده باشد رجم می گردد. و استدلال کرده اند که:

1- عمل لواط نوعی از انواع زنا است چون بهرحال - فرج شامل جلو و عقب است - و لواط هم داخل شدن فرجی در فرجی است مانند زنا پس معنی عام دلایل و ارده درباره زنا محصن و غیر محصن شامل حال هر دو طرف مرتکب لواط - (فاعل و مفعول به) - نیز می گردد. و حدیثی نیز از پیامبر ص روایت شده که فرمود: « وَإِذَا أَتَتِ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ فَهِيَ زَانِيَةٌ » «هرگاه مردی با مردی لواط کرد، هر زانی اند».

1 - سید سابق، فق السنه، ص 1607.

2 - سید، سابق، فقه السنه، صص 1607-1608.

2- بفرض اینکه معنی عام دلایل وارده درباره زنا شامل حال لائط و ملوط (هر دو طرف عمل لواط) نشود بقیاس ملحق به زنا هستند و چون زناکاران با آنان رفتار می شود.

مذهب سوم: ابوحنیفه و مرتضی و شافعی بنا بقولی برآن هستند که مرتکب این عمل شنیع باید تعزیر گردد چون این عمل زنا نیست و حکم زنا درباره آن اجرا نمی گردد.<sup>۱</sup>

شوکانی مذهب اول را ترجیح داده و قول آخر و مذهب سوم را ضعیف دانسته است چون با دلایل مخالفت دارد. و بنقد و بررسی مذهب دوم پرداخته و گفته: بفرض اینکه دلایل عام زنا که بین محصن و غیر محصن فرق گذاشته اند شامل مرتکب جرم و جنایت قوم لوط نیز بشود، دلایل وارده درباره قتل فاعل و مفعول در لواط بطور مطلق تخصیص یافته اند<sup>(۲)</sup> و بفرض اینکه دلایل زنا شامل آنها نشود باطل کننده قیاس هستند. چون قیاس با وجود نص جایز نیست و معتبر نمی باشد همانگونه که در اصول فقه بیان شده است.<sup>۳</sup>

### مبحث سوم: اضرار بچه بازی از منظر فقه اسلامی

از اینکه جرم بچه بازی و لواطت یک عمل بسیار زشت و دور اخلاق انسانی و موازین اسلامی است؛ از اینرو الله متعال و رسولش نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) آنها ممنوع قرار داده و متخلفین آنها جزای سنگین در نظر گرفته است؛ زیرا این نوع اعمال که شایسته حتی حیوان نیز نمی باشد اضرار و پیامدهای بسیاری در بر دارد که در این مبحث قرار شرح ذیل به بحث و بررسی گرفته می شوند:

<sup>۱</sup> - همان اثر، ص 1606.

<sup>۲</sup> - یعنی بحکم زنا محصن و تنها حکم زنا محصن شامل حال لواط گران می شود.

<sup>۳</sup> - سید، سابق، فقه السنه، صص 16069.

## مطلب اول: اضرار اخلاقی فردی و اجتماعی

نخست از همه یکی از اضرار اساسی بچه بازی اخلاق انسان را زایل می‌سازد. چون لواط خود یک آلودگی اخلاقی و بیماری روحی خطرناک است، لذا همه اشخاص مبتلا بدین بیماری ننگین، بد اخلاق و دارای طبیعت فاسد می‌باشند که تقریباً بین فضایل و رذایل امتیازی قایل نیستند، دارای اراده ضعیف‌اند و وجدانی ندارند که آنان را سرزنش کند و آنان را از این رذیلت باز دارد، هیچ مانع روحی ندارند که آنان را از افتادن بجان کودکان بی‌گناه و خردسال بازدارد و مانع شدت عمل آنان شود، در راه اشباع این عاطفه و عادت فاسد، و در ارتکاب جرائم و جنایتی که بسیار می‌شنویم و اخبار آن را از رادیو و مجلات و جراید می‌شنویم و می‌خوانیم، بسیار گستاخ و بی‌شرمند. تفصیل جنایات و جرائم و حوادث آنان را در دادگاهها و کتب طب می‌یابیم.<sup>۱</sup>

همچنین عمل لواط و بچه بازی سبب می‌گردد که این شخص به عمل لواط و بچه‌بازی عادت کرده نسبت زنان که با نکاح شرعی و اسلامی در عقد آن درآمده تمایل نداشته باشد و گاهی این عدم تمایل بدرجه‌ای می‌رسد که مرد از مباشرت با زن ناتوان و عاجز می‌شود.<sup>۲</sup>

بنابراین مهمترین وظیفه ازدواج که ایجاد نسل است بحالت تعطیل درمی‌آید و از بین می‌رود، اگر این مرد سرانجام موفق بازدواج گردد، همسرش یکی از قربانیان این عمل زشت او می‌شود و هرگز آرامش نخواهد داشت و از مهر و شفقت که زیربنای زندگی زناشوئی است، محروم خواهد بود، بنابراین زندگی دردناکی خواهد داشت که

<sup>۱</sup> - همان اثر، ص 1603.

<sup>۲</sup> - همان اثر، ص 1603.

نه زنی است که شوهر خوبی داشته باشد و نه آزاد و مطلقه است که شوهر دیگری اختیار کند.<sup>۱</sup>

### مطلب دوم: اضرار روحی و فکری

زیانهای نفسی و روحی لواط تنها بدین عکس العمل روحی منحط پایان نمی یابد، بلکه این عمل ننگین و زشت، نیروهای نفسانی طبیعی را نیز دچار ناتوانی ساخته و شخص را در معرض بیماریهای عصبی انحرافی و بیماریهای روحی زشتی، قرار می دهد که از زندگی احساس لذت نمی کند و صفت انسانی و مردانگی را از او سلب می نماید. و آلودگیهای ارثی ویژه ای در او پدید می آورد و آفات عصبی پنهان در او را ظاهر می سازد و آنها را بر او مسلط می نماید. مانند: بیماریهای روحی سادیسم<sup>۲</sup> منحرف می خواهد رغبت و تمایلات خود را با تحمل رنج و الم اشباع نماید و امثال آن.

همچنین عادت بچه بازی نخست بجنگ اعصاب می رود و روی اعصاب تاثیر خاصی دارد. یکی از نتایج آن عکس العمل روحی است در اخلاق و رفتار فرد، که از صمیم قلب چنان می پندارد که او برای این آفریده نشده است که مرد باشد و احساس و شعور او دچار انحراف جنسی شدیدی می گردد و احساس می کند که بهمجنس خود تمایل دارد و افکار خبیث و پلید او متوجه اعضای تناسلی همجنس خود می شود. از اینجا است که می توان علت حقیقی اسراف و زیاده روی بعضی از جوانان منحط به خود آرائی و تقلید زنانه را بروشنی فهمید، که گردهای مختلف و پمادهای گوناگون بچهره خویش می زند و می خواهند با رنگ سرخ، بگونه زدن، خود را زیبا جلوه دهند و سرخاب می زنند، و ابروان را باریک کرده و با ناز و تبختر و کرشمه راه می روند و

1 - سید، سابق، فقه السنه، ص 1603.

2 - سادیسم عبارت از لذت بردن از درد کشیدن و رنج دیگران است.

امثال اینگونه ادا و اطواری در هر جا مشاهده می کنیم و بسیار می بینیم. بیگمان کتابهای طب تعداد بسیاری از این انحرافات را ثابت نموده که از ذکر آنها خودداری می کنم.

علاوه بر زیانهایی که برشمردیم، عمل لواط اختلالات زیادی در توازن عقل و وسواس فکری و حواس پرتی بوجود می آورد، که تصورات او دچار رکود غریبی شده و بلاهت عقلی آشکاری و ضعف شدید اراده در او پدیدار می گردد.

این بدین سبب است که ترشحات غدد داخلی که ترشحات غدد در قیه = تیروئید و غدد کلیوی و غیر آن می باشند رو بنقصان و کاهش می گذارند و لواط تاثیر مستقل روی آنها دارد و آنها را دچار اختلال و اضطراب می کند و وظایف خود را بخوبی انجام نمی دهند. میان لواط و بیماری روحی «نیوستانا»<sup>(۱)</sup> رابطه بسیار نزدیک و استواری موجود است که شخصی معتاد دچار بلاهت و کودنی و دروغگوئی و عدم تمرکز فکر و بی خردی و سبک مغزی می شود.<sup>۲</sup>

### **مطلب سوم: اضرار جسمی**

لواط یک عمل جنسی انحرافی است و برای اشباع غریزه جنسی کفایت نمی کند چون از ملامسه و تماس اصلی و طبیعی بدور است و مجموعه عصبی جنسی را ارضاء نمی کند و اثر کوبندگی بدن روی اندام تناسلی دارد و برای اندام های دیگر بدن نیز زیانبخش و زیان آور است.

هرگاه بدقت فیزیولوژی جماع و مباشرت جنسی و وظیفه طبیعی و سرشتی که اندام و آلت تناسلی بهنگام مباشرت و جماع انجام می دهند، مورد بررسی قرار دهیم و سپس آن را با نتیجه و انجام عمل لواط مقایسه و برابر کنیم، بخوبی می فهمیم که چقدر

1- نیوستانا: حالت خستگی روحی و جسمی توام با کوفتگی و بیم و هراس از بیماریها، ر.ک لسان العرب.

2 - سید، سابق، فقه السنه، ص 1604..

با هم فاصله دارند و تفاوت از کجا تا کجا است. و بخوبی درمی یابیم که موضع و محل لواط، هیچگونه تناسبی با عمل جنسی ندارد.

لواط موجب می گردد که در آلت تناسلی سستی و پاره شدن نسوج و بافت‌های آن و ریزش بعضی از اجزاء آن پدید آید و شخص نمی تواند بخوبی مانع دفع مواد منوی شود و آنرا نگه دارد و تسلط خود را بر آن از دست می دهد لذا اینگونه اشخاص فاسق نمی توانند خود را بخوبی کنترل کنند و همواره آلوده بدین مواد متعفن می باشند که بدون اراده و بدون احساس از آنان خارج می شود.

می توان گفت: لواط سبب ابتلاء به بیماری خطرناک تب تیفوئید و امثال آن از بیماری‌های واگیر و خطرناک می شود که میکرب آنها از راه آلودگی با مواد ترش‌چی که کانون میکرب‌های مختلف است منتقل می گردد و مایه بیماری‌های گوناگون می شود.

علاوه بر زیان‌هایی که بر شمردیم لواط اشخاص را دچار نفس تنگی و خفقان قلب می کند و بعلت ضعف عمومی که عارض آنها می شود در معرض تاخت و تاز امراض مختلف قرار دارند.<sup>1</sup>

یکی دیگر از اضرار جرم بچه بازی این که برگزاری این گونه محافل بیدون مصارف گداف برگزار شده نمی تواند از اینرو یکی دیگر از اضرار این عمل اضرار مالی یا اقتصادی است که در پیکر این گونه افراد بوجود می آید.

### **مبحث چهارم: راهکارهای جلوگیری جرم بچه بازی**

عوامل و زمینه‌های حقوقی - سیاسی عبارت از آن عوامل و زمینه‌هایی اند که ریشه در اشکالات موجود در مکانیزم‌ها و موازین حقوقی، ساختارهای اداری، عملکرد نهادهای عدلی و قضایی (حاکمیت قانون) و در نهایت اراده سیاسی کار گزاران و

---

1 - سید، سابق، فقه‌السنه، ص 1605-1606..

مسئولان امور دارند؛ در این بخش گزارشی، این عوامل و زمینه‌ها که در تبارز و گسترش عمل بچه‌بازی نقش دارند مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند؛ شناسایی و بررسی این عوامل و زمینه‌ها با استفاده از نظریات و تبصره‌های اشتراک‌کنندگان در جلسات فوکس‌گروپ‌ها و استماع عامه صورت گرفته است؛ علاوه بر آن، عوامل و زمینه‌های بچه‌بازی از طریق مصاحبه با مهم‌ترین عوامل حقوقی - سیاسی که در تبارز و گسترش رسم بچه‌بازی نقش داشته موارد زیر اند که اشتراک‌کنندگان جلسات فوکس‌گروپ‌ها و استماع عامه و عاملان، قربانیان و شاهدان بر آن‌ها تأکید کرده اند.

بدیهی است که تطبیق عدالت و حاکمیت قانون در کاهش جرایم در جامعه مؤثر است؛ تجربه نشان داده است که در نبود حاکمیت قانون و معافیت از مجازات، گراف جرایم بلند رفته و مجرمین با استفاده از چنین فضایی به طور مکرر دست به ارتکاب جرایم می‌زنند و چه بسا که سایر افراد نیز به ارتکاب اعمال مجرمانه تشویق می‌شوند؛ یکی از عوامل ترویج و گسترش بچه‌بازی در افغانستان، عدم حاکمیت قانون و فساد اداری در ارگان‌های عدلی و قضایی کشور می‌باشد؛ بنابر یافته‌های کمیسیون، کمتر قضیه‌ای وجود دارد که عاملان بچه‌بازی مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار گرفته باشند؛ اگر تعدادی هم به این اتهام بازداشت شده اند، پس از مدت کوتاهی دوباره آزاد گردیده اند.

در فیلم مستند بچه‌های رقاص افغانستان، نشان داده شده که دو تن از متهمان بچه‌بازی گرفتار شده و پس از چند ماه دوباره آزاد می‌شوند؛ به همین گونه اکثر اشتراک‌کنندگان جلسات فوکس‌گروپ و استماع عامه اظهار کردند که فرهنگ معافیت از مجازات و عدم برخورد قاطعانه با مجرمان یکی از عوامل مهم تبارز و تداوم جرایم چون بچه‌بازی در کشور است؛ اشتراک‌کنندگان گفتند که ابتدا اکثر مطلق عاملان بچه‌بازی مورد پیگرد عدلی قرار نمی‌گیرند و در صورتی که مورد پیگرد

عدلی قرار بگیرند، از طرق مختلف راه‌های فرار از محاکمه و مجازات در می‌یابند و به زودی آزاد می‌شوند.

فساد اداری یکی از معضلات جدی در راستای حکومت‌داری و حاکمیت قانون محسوب می‌شود؛ این هم بر همگان روشن است که بسیاری از ادارات خصوصاً ادارات عدلی و قضایی کشور مبتلا به فساد اداری می‌باشند؛ بر اساس یک بررسی تازه که توسط دیده‌بان شفافیت افغانستان انجام یافته، فساد اداری در افغانستان در حال افزایش است و دستگاه‌های عدلی و قضایی و پولیس به عنوان فاسدترین نهادها شناخته شده‌اند؛<sup>۱</sup> ادعای فساد اداری در ادارات عدلی و قضایی توسط این نهادها نیز به طور ضمنی پذیرفته شده است؛ چنانچه که چندی پیش استرئو محکمه اعلام کرده که شصت تن از قضات را به اتهام فساد و رشوت ستانی برکنار کرده و هزار تن دیگر را بازداشت کرده است.<sup>۲</sup>

عاملان بچه‌بازی با پرداختن رشوه و با استفاده از روابط خویش با ارگان‌های عدلی و قضایی و پولیس از پیگرد عدلی معاف شده، همچنین به اعمال مجرمانه شان ادامه می‌دهند؛ برخی از عاملان به صراحت گفته‌اند که آن‌ها با مقامات پولیس روابط نزدیک داشته و حتا مطابق میل آن‌ها رفتار می‌کنند؛ در فیلم مستند بچه‌های رقص افغانستان نشان داده شده که در بعضی از محافل بچه‌بازی و رقص این بچه‌ها، مقامات اداره پولیس نیز حضور دارند؛ از جمله این فیلم نشان می‌دهد که مدیر تحقیقات جنایی پولیس آن وقت ولایت تخار هم در مجلس رقص این کودکان حضور دارد؛<sup>۳</sup>

1 . طلوع نیوز، «دیده‌بان شفافیت افغانستان: فساد اداری در حال افزایش است»، 7 جوزا 1393، برگرفته به تاریخ 26 جولای 2014 از:

<http://www.Tolonews.com/fa/Afghanistan/15034-new-survey-shows-increased-corrupation>

2 . بی بی سی، صفحه فارسی، «برکناری و محاکمه ده‌ها قاضی در افغانستان به اتهام رشوه ستانی»، 29 فیروزی 2012، برگرفته به

تاریخ 26 جولای 2014

<http://www.bbc.vo.uk/persian/afghanistan/2012/02/120229-k01-af-courts-corrupation.shtml>.

3 - قلم مستند «بچه‌های رقص افغانستان»، تولید جیمی دران، گزارش از نجیب‌الله قریشی، دقیقه 55:26.



در این فیلم «دستگیر» یکی از بچه‌بازها اعتراف می‌کند به خاطر امنیت‌اش با پولیس روابط بسیار نزدیک داشته و هر وقتی که بخواهد، می‌تواند با پولیس در تماس شده و از آن‌ها کمک بخواهد؛ وی ادعا می‌کند که او می‌تواند در یک وقت بیش از 100 سرباز پولیس را به کمک‌اش بخواهد.<sup>1</sup>

در چنین شرایطی که اداره پولیس، ادارات عدلی و قضایی با عاملان بچه‌بازی هم‌دست باشند، مسلم است که آن‌ها با اطمینان خاطر می‌توانند به چنین اعمال‌شان ادامه داده و از هیچ‌کسی ترس نداشته باشد؛ از همین رو، حاکمیت قانون و تأمین عدالت به طور مستقیم وابسته به عملکرد شفاف و قانونی ادارات عدلی و قضایی و نهاد پولیس ارتباط دارد؛ بنابراین، برای حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر و از جمله قربانیان بچه‌بازی، تقویت حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری نقش حیاتی دارد.

همان‌طور که در فصل سوم، عمل بچه‌بازی از نگاه حقوقی مورد تحلیل قرار گرفت، عمل بچه‌بازی به عنوان یک جرم به طور صریح در قوانین جزایی افغانستان شناخته نشده است؛ اما با در نظر داشت اینکه عمل بچه‌بازی اغلب توأم با بهره‌کشی جنسی از کودکان می‌باشد، این عمل برخلاف روحیه قوانین بوده و باید جرم محسوب گردد؛ همچنین گفته شد که بچه‌بازی یکی از مصادق قاچاق انسان است و بنابر قانون مبارزه با اختطاف و قاچاق انسان و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، این عمل جرم و نقض صریح حقوق بشر است.

از آن‌جایی که قوانین جزایی افغانستان، در مورد عمل بچه‌بازی صراحت ندارد، ممکن است که برخی از ارگان‌های عدلی و قضایی قضایای مربوط به عمل بچه‌بازی را مورد رسیدگی قرار ندهد یا اگر بخواهند، عاملان بچه‌بازی را مورد پیگرد عدلی قرار دهند، با مشکل خلأ قانونی مواجه شوند و در محاکمه این افراد به دلیل ابهام و

---

1 . همان، دقیقه 11:30.

خلاً قانونی، نتوانند با صراحت عمل کنند؛ این برداشت که در قوانین جزایی افغانستان ابهام و خلاً قانونی در مورد بچه بازی وجود دارد، در میان مسئولان عدلی و قضایی نیز معمول است؛ چنانچه در مجالس استماع عامه برخی از مسئولان عدلی و قضایی از جمله رییس سارنوالی نظامی ولایت قندهار، رییس سارنوالی استیناف این ولایت و سارنوالی نظامی ولایت هرات اظهار داشتند که در مورد بچه بازی قوانین افغانستان مسکوت است و حکمی در مورد عاملان آن موجود نیست تا آن‌ها را مجازات کنند.

اگرچه ارگان‌های عدلی و قضایی کشور می‌توانند با استناد به مواد 427 تا 430 قانون جزا و همچنین قانون مبارزه با اختطاف و قاچاق انسان که به نحوی بسیاری از ابعاد عمل بچه بازی را در بر می‌گیرد، استفاده کنند؛ اما با آن‌هم به دلیل عدم صراحت قوانین در مورد عمل بچه بازی باعث گردیده که مرتکبان آن مجازات نشده و در نتیجه، عمل بچه بازی بیش از پیش افزایش یابد؛ بنابراین، لازم است تا مسئولان امور، در جرم‌انگاری این عمل اقدام کرده و با تعدیل قوانین مربوط، بچه بازی را ممنوع و از این طریق عاملان آن را مجازات کنند.

## فصل سوم

### جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان

برعلاوه اینکه جرم بچه‌بازی یا عیاشی و خوش گذرانی را که اسلام به آن پرداخته و آنرا تحریم نموده است چون اعمال منافی عفت و ضد موازین اخلاقی، انسانی و اسلامی است؛ قوانین جزایی افغانستان نیز به این مسئله به صورت مشرح پرداخته و مجازات مهیبی را در آن در نظر گرفته است. از اینرو در این فصل به بحث جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان قرار زیر می‌پردازیم:

#### مبحث اول: عناصر تشکیل دهنده جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان

اطفال هم به دلیل وضعیت جسمی و روانی خاصی که دارند و در معرض قربانی جرم به ویژه جرایم اخلاقی می‌باشند و هم به دلیل این که تشکیل دهنده جامعه آینده می‌باشند، نیازمند توجه و حمایت و حفاظت بیشتری می‌باشند. در افغانستان متأسفانه بر اثر ناامنی دوام دار و فقدان حاکمیت دولت و قانون، اطفال بخصوص کودکان ذکور، در معرض جرایم جنسی قرار دارند. در شرایط فعلی پدیده «بچه‌بازی» به یک عارضه فرهنگی و مرض اجتماعی تبدیل شده است. بچه‌بازی که تا این اواخر به صورت صریح جرم‌انگاری نشده بود و دارای مجازات نبود، ضمن این که آسیب‌های جسمی و روانی جبران‌ناپذیر و فراموش‌نشدنی را بر قربانی که طفل معصوم است تحمیل می‌کند، ممکن است سبب شود که در آینده قربانی خود به مجرم تبدیل شود و چرخه باطل این عارضه فرهنگی شرم‌آور همچنان بچرخد. روی این ملحوظ جرم بچه‌بازی عناصر تشکیل دهنده‌ی خاصی دارد که شامل عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی که در ذیل به آن می‌پردازیم:

## مطلب اول: عنصر قانونی جرم بچه‌بازی

عناصر اساسی که از منظر قوانین جزایی مخصوصاً کود جزای افغانستان مصداق تحقق جرم بچه‌بازی می‌گردد قرار ذیل اند:

اولاً؛ لذت بردن جنسی: گرچه امروزه در دنیای غرب آلودگی‌های جنسی فوق‌العاده زیاد است، این‌گونه زشتی‌ها مورد تنفر نیست و حتی در بعضی از کشورها همانند انگلستان طبق قانونی که با کمال وقاحت از پارلمان گذشته این موضوع جواز قانونی پیدا کرده!! ولی شیوع این‌گونه زشتی‌ها هرگز از قبح آن نمی‌کاهد و مفساد اخلاقی و روانی و اجتماعی آن در جای خود ثابت است. اما در افغانستان چون که یک کشور اسلامی است و پیروی از ارشادات دین اسلام و استفاده از احکام آن در قوانین جزایی لازم و ملزوم یک‌دیگر اند از اینرو در قوانین جزایی افغانستان "شخصی که طفل مذکر یا مخنث (خنثی‌مشکل) را به منظور لذت بردن جنسی یا رقصانیدن در محفل عام یا خصوصی نگهداری نماید، یا یکی از اعمال مندرج این فصل را انجام دهد، مرتکب جرم بچه‌بازی شناخته شده مطابق احکام که در کود جزا در نظر گرفته شده مجازات می‌گردد".

ثانیاً؛ استثمار (کسب درآمد): بدیهی است که اقتصاد در جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و وضعیت اقتصادی به‌طور مستقیم و غیر مستقیم با بسیاری از پدیده‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد؛ فقر اقتصادی یک جامعه را آسیب‌پذیر ساخته و سبب بروز ناهنجاری‌ها اجتماعی می‌شود؛ به همین‌گونه فقر اقتصادی خانواده‌ها، اعضای خانواده خصوصاً زنان و کودکان را آسیب‌پذیر می‌سازد؛ این در حالی است که افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان بوده و 36 درصد مردم

افغانستان زیر خط فقر قرار دارند.<sup>1</sup> وضعیت بد اقتصادی خانواده‌های قربانیان بچه‌بازی یکی از مهمترین عوامل تبارز و گسترش رسم بچه‌بازی به شمار می‌رود؛ بر اساس یافته‌های یک تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، اکثریت کسانی که کودکان را نگه‌داری و مورد بهره‌کشی جنسی قرار می‌دهند، از ضعف اقتصادی خانواده‌های آن‌ها سوءاستفاده کرده و پسران آن‌ها را در بدل پرداخت پول در نزد خود به منظور بچه‌بازی نگه‌داری می‌کنند؛ همچنین در بسیاری از شکایت مربوط به سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان پسر که توسط کمیسیون دریافت شده، نشان‌گر این است که قربانیان معمولاً از خانواده‌های فقیر می‌باشند؛ چنین خانواده‌های فقیر و بی‌بضاعت به منظور کسب درآمد، پسران‌شان را در خدمت افراد پولدار و قدرتمند قرار می‌دهند؛ یا اشخاص و افراد استفاده‌جو که خارج از خانواده طفل هستند برای بهره‌وری از اطفال زمینه‌جرائم بچه‌بازی، رقصانیدن و برگزاری همچون محافل به منظور کسب درآمد از آنان از نظر قانون محکوم است چون امروزه دیده می‌شود که بسیاری از خانواده‌ها از اینکه کودکان‌شان مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند یادار محافل به عنوان رقصنده استفاده می‌شوند، آگاهی ندارند؛ برخی از خانواده‌های چنین کودکان، بدون سرپرست بوده و از همان‌رو مجبوراند که برای امرار معیشت دست به چنین اعمال خطرناک بزنند.

در فقره دوم ماده 665 کود جزا آمده است که "هرگاه هدف از ارتکاب اعمال مندرج فقره‌های (1 و 2) این ماده، کسب منفعت یا مجبور ساختن طفل به اجرای

---

1 . The World Bank, Poverty Status in Afghanistan, Page 10, 2010, Available at: <http://www-wds.worldbank.org/>

external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/07/12/000333037\_20110712011847/Rendered/PDF/6318

00WP0Pover00Box0361508B0PUBLIC0.pdf (Aug 6, 2014)

عمل نامشروع باشد، مرتکب به جزایی که در قانون پیش بینی شده است محکوم می گردد."

بنابراین هرگونه استفاده از اطفال، رقصانیدن در محافل اشخاص استفاده جو، محیا ساختن زمینه های معیشتی برای آنان، ثبت و یا ضبط هویت قربانی بچه بازی و یا گرفتن عکس و فلم از حالات او و یا نگهداری، رقصاندن او در محافل، یا مهیا نمودن زمینه ی آن برای کسب منفعت که همه از عناصر قانون جرم بچه بازی است، برای تحقق این جرم کافی است و نیازمند عمل دیگری مانند سوءاستفاده از آن و یا نشر نمی باشد.

### **مطلب دوم: عنصر مادی جرم بچه بازی**

عنصر مادی جرم بچه بازی هر یک از افعال ذیل می باشد:

- نگهداری طفل مذکر و یا خنثی برای لذت جنسی و یا رقصانیدن در محافل. این عمل در بعضی از مناطق کشور شایع است و افراد زورمند و یا ثروتمند اطفال تا سن 18 سالگی را برای لذت بردن جنسی و یا هم برای رقصانیدن در محافل نگهداری می کنند.

- رقصانیدن طفل مذکر و یا خنثی برای لذت جنسی. در اغلب موارد مرتکب لباس دخترانه را به تن طفل مذکور می پوشاند و در محافل او را می رقصاند. این رقصانیدن خود عنصر مادی بچه بازی است.

- تجاوز جنسی، تفریح و یا آزار و اذیت جنسی چنین طفلی. تجاوز جنسی، تفریح و آزار و اذیت جنسی چنین اعمالی، ضمن این که هر یک دارای وصف جرمی جداگانه می باشند، عنصر مادی جرم بچه بازی نیز می باشند؛ یعنی عمل از مصادیق تعدد جرایم است.

- معنی علیه این جرم طفل مذکر و یا مخنث می باشد. منظور از طفل مخنث، اطفال خنثی هستند که دارای هر دو آلت جنسی و اندام مردانه و زنانه است.<sup>۱</sup>

- همچنین شرکت در محفل بچه بازی عنصر مادی این جرم است. در این جرم مرتکب به غیر از شرکت در این محفل عمل دیگری انجام نداده است.

بنابراین انجام هریک از اعمال مشروحه با طفل مذکر و یا خنثی عنصر مادی جرم بچه بازی را تشکیل می دهد.

### **مطلب سوم: عنصر معنوی جرم بچه بازی**

عنصر معنوی جرم بچه بازی قصد عام و قصد خاص هر دو می باشد. قصد عام یعنی مرتکب به طور عمدی عنصر مادی جرم بچه بازی را انجام داده باشد و قصد خاص یعنی برای لذت جنسی عنصر مادی را انجام داده باشد.

از طرف طرفی عنصر معنوی این جرم نیز علاوه بر عمد، آگاهی از ماهیت محفل برگزار شده است؛ یعنی مرتکب از این که محفل برای بچه بازی تشکیل شده است آگاهی داشته باشد.

گذشته از آن ثبت و یا ضبط هویت قربانی بچه بازی و یا گرفتن عکس و فیلم از حالات او و یا نگهداری آن ها در صورتی که همراه با عنصر معنوی این جرم باشد، برای تحقق این جرم کافی است و نیازمند عمل دیگری مانند سوءاستفاده از آن و یا نشر نمی باشد. یعنی این جرم از جرایم عمدی است و ارتکاب آن با عمد و علم می باشد؛ یعنی مرتکب عامدانه هویت معنی علیه را ثبت یا ضبط می نماید و به این که معنی علیه قربانی بچه بازی می باشد علم داشته باشد.<sup>۲</sup>

---

1. دهخدا، لغت نامه دهخدا، کلمه خنثی.

2 - وزارت عدلیه، شرح کود جزا، ج3، کابل: بنیاد آسیا، 1398، ص 461.

## مبحث دوم: مجازات جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان

پیش‌گیری از جرم بچه‌بازی و مبارزه با آن در جامعه افغانستان نیازمند اقدامات و سازوکار جامع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جزایی می‌باشد. جرم‌انگاری و تعیین جزا برای جرم بچه‌بازی و جرایم مرتبط با آن در قوانین جزایی قابل‌تحسین است؛ روی این ملحوظ در این تحقیق به مجازات جرم بچه‌بازی از دیدگاه قوانین افغانستان می‌پردازیم:

### مطلب اول: مجازات نگهداری طفل بمنظور رقاصیدن

بچه‌بازی در مناطق مختلف افغانستان به انواع مختلف وجود داشته و در تمام مناطق به طور یکسان نمی‌باشد؛ بنابراین یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از مجالس استماع عامه و جلسات فوکس‌گروپ‌ها، در بعضی مناطق، کودکان جذاب صرفاً به منظور بهره‌کشی جنسی و رفع غرایز جنسی نگهداری شده و از آنها به عنوان رقص استفاده نمی‌شود؛ احتمالاً در برخی مناطق دیگر بعضی از افراد این کودکان را نه به منظور بهره‌کشی جنسی؛ بلکه برای نشان دادن پول و قدرت شان نگه می‌دارند؛ در بعضی حالات ممکن است که این اشخاص پولدار و پر قدرت، کودکان را مستقیماً مورد تجاوز جنسی قرار ندهند؛ اما به اشکال گوناگون دیگر مانند لمس کردن بدن آنها مورد آزار جنسی قرار دهد؛ ولی براساس یافته‌های کمیسیون در اکثر موارد انگیزه اصلی بچه‌بازی سوءاستفاده جنسی می‌باشد. چنانچه 47 درصد از افراد که از ایشان تحقیق صورت گرفته گفته‌اند که اطفال را تنها به خاطر رقاصیدن نگهداری می‌کنند اما نخیر اینطور نیست بلکه اشخاصی که کودکان را برای بهره‌کشی جنسی نگه می‌دارند و مشهور به «بچه‌باز» می‌باشند، اکثراً پسران جذاب را به عنوان محافظ شخصی، مستخدم یا کارگر برای انجام کارهای خانه یا دکان یا هتل استخدام می‌کنند؛ در کنار استفاده آنها در انجام کارهای خانه، دکان یا هتل شان، از آنها



به‌عنوان هم‌مخوابه مورد آزار جنسی قرار داده و در بعضی مناطق آنها را در مجالس و محافل نیز می‌رقصانند؛ در محافل خصوصی بچه‌بازها در رقصاندن این کودکان با همدیگر به رقابت می‌پردازند و خوشگذارنی می‌کنند و گاهی هم این رقابت‌ها منجر به درگیری مسلحانه شده که تلفاتی نیز در پی می‌داشته باشد؛ یافته‌های کمیسیون نشان می‌دهد که اکثر این کودکان فقیر، بی‌سرپرست یا یتیم بده و دارای سنین 10 تا 18 سال می‌باشند؛ باید گفت عاملان بچه‌بازی از آسیب‌پذیری‌های کودکان بهره‌برداری کرده و بنابر تسلطی که بر آنها دارند، از کودکان سوءاستفاده جنسی می‌کنند.

از اینکه این عمل زشت و ناپسند است قوانین افغانستان مخصوصاً کود جزا این عمل را جداً محکوم نموده و مجازات شدیدی را علیه این افراد در نظر گرفته است؛ چنانچه ماده 654 برای مرتکب جرم بچه‌بازی که طفل مذکر و یا خنثی را برای لذت جنسی و یا رقصانیدن نگهداری می‌کند حبس متوسط تا 3 سال پیش‌بینی نموده است.

بنابر صراحت ماده فوق به خوبی دانسته می‌شود که نگهداری اطفال و استفاده از آن در در محافل و مجالس بچه‌بازی است جرم شمرده می‌شود؛ قسمی که این جرم عملاً در افغانستان مروج است و برای این کار معمولاً مراسم ویژه‌ای برگزار می‌کنند و بچه‌بازان بچه‌های دربندشان را به این محافل می‌آورند و می‌رقصانند؛ گاه در این محافل بر سر رقص این بچه‌ها، رقابت‌ها و شرط‌هایی میان بچه‌بازان گذاشته می‌شود و در مواردی حتماً منجر به نزاع و درگیری میان عاملان بچه‌بازی یا تماشاگران می‌شود. علاوه بر آن در مراسم‌های عروسی و امثال آن نیز از قربانیان بچه‌بازی به‌عنوان رقص استفاده می‌شود؛ در این مراسم‌ها نیز عاملان بچه‌بازی، این بچه‌ها را با خود به محافل متذکره می‌آورند و وادار به رقصیدن می‌کنند.<sup>1</sup>

---

1 - گزارش تحقیقی، عوامل و پیامدهای بچه‌بازی در افغانستان، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، 1396، ص 46.

## مطلب دوم: مجازات نگهداری طفل بمنظور آموزش رقص

نگهداری اطفال و کودکان زیر سن به منظور آموزش رقص که از آن بتواند در محافل عیاشی و خوشگذرانی استفاده برده شود این خود یک عمل از مصادیق جرم بچه‌بازی است و دارای مجازات‌های قانونی است چنانچه ماده 656 کود جزا در این زمینه تصریح نموده:

شخصی که طفل مذکر یا مخنث را به منظور بچه‌بازی آموزش رقص دهد، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد.

این ماده جرم مرتبط با بچه‌بازی را جرم‌انگاری نموده و مجازات آن را مشخص نموده است. بر اساس این ماده شخصی که برای بچه‌بازی به طفل آموزش رقص دهد، مرتکب جرم شده و به حبس بیش از 1-2 سال محکوم می‌شود. اگرچه در عنوان ماده نگهداری برای آموزش رقص آمده است، اما در متن ماده آموزش رقص برای بچه‌بازی ذکر شده است.

## مطلب سوم: مجازات رقصانیدن طفل

بچه‌بازی در نزد افکار عامه یک عمل بسیار زشت و حساسیت برانگیز است؛ بنابراین، عاملان بچه‌بازی به ویژه قربانیان بچه‌بازی از جامعه طرد و منزوی می‌گردند؛ چون قربانیان بچه‌بازی اغلب از خانواده‌های فقیر اند و دارای موقف بند اجتماعی نیستند، بیشتر در انزوای اجتماعی قرار می‌گیرند؛ انزوای اجتماعی چنین کودکان و خانواده‌های آنها در حالی بیشتر می‌گردد که قربانیان با رقصیدن در مجالس و محافل عمومی مشهور می‌شوند؛ مردم نه تنها با شخص قربانی؛ بلکه با سایر اعضای خانواده و بستگان آنها قطع رابطه می‌کنند؛ می‌کوشند تا با آنها معامله و داودستند نداشته باشد.<sup>1</sup>

---

1 - همان اثر، ص 8.

از اینرو است که قوانین جزایی افغانستان مخصوصاً کود جزا در ماده 656 چنین صراحت نموده:

(1) شخصی که طفل مذکر و یا مخنث را به قصد استثمار در محافل عام یا خصوصی برقصاند، به حبس متوسط بیش از سه سال، محکوم می گردد. همچنین (2) متکرر جرم مندرج فقره (1) این ماده، به حد اکثر حبس متوسط، محکوم می گردد. منظور از به قصد استثمار اعم از قصد لذت جنسی است و حتی اگر برای کسب درآمد هم باشد مشمول حکم این ماده می باشد که به حبس بیش از 3 سال تا 5 سال می باشد.

در فقره دوم این ماده مجازات مجرم متکرر رقصانیدن طفل مذکر یا خنثی به قصد استثمار بیان شده است که حداکثر حبس متوسط، یعنی 5 سال می باشد.

اگرچه عنوان مواد 655 و 656 کود جزا از رقصانیدن طفل حکایت می کند که دربرگیرنده هر دو جنس مذکر و مؤنث می شود، اما متن ماده این جرم مختص به مذکر و مخنث گردیده، در حالی که حمایت قانونی از طبقه آسیب پذیر مؤنث، موجه تر به نظر می رسد. جهت رفع تبعیض از قاعده مذکور بهتر است با اصلاح در متن قانون، جنس مؤنث نیز مورد حمایت قانون قرار گیرد تا از وارد شدن صدمه به شخصیتشان از اثر ارتکاب این جرایم، جلوگیری صورت گیرد.<sup>1</sup>

### **مطلب چهارم: مجازات برگزاری محفل بچه بازی**

برعلاوه نگهداری اطفال به منظور رقصانیدن، نگهداری به منظور آموزش رقص و رقصانیدن اطفال و کودکان که قوانین افغانستان آنرا جرم انگاری نموده است برگزاری

---

1 - وزارت عدلیه، شرح کود جزا، ج3، پیشین، ص 454.

محفل بچه بازی نیز از جمله این اعمال است که کود جزا برای این عمل نیز جزایی تعیین نموده است چنانچه در ماده 657 این قانون تصریح می دارد:

«شخصی که محفلی را به منظور بچه بازی برگزار نماید یا آگاهانه زمینه را برای ارتکاب این عمل فراهم سازد، به حبس قصیر سه ماه و در صورت تکرار به حد اکثر حبس قصیر، محکوم می گردد».

در این ماده موردی بیان شده است که مرتکب، بدون مداخله در عمل بچه بازی، صرفاً محفلی را برای بچه بازی برگزار نموده و یا این که آگاهانه زمینه ارتکاب جرم بچه بازی را مهیا نموده است اما خود مرتکب این جرم نشده است. این مورد نیز از جرایم مرتبط با بچه بازی می باشد. اگرچه این ماده بیان کننده تسهیلات ارتکاب جرم بچه بازی است و می توان مرتکب را بر اساس عناوین عمومی چون معاونت در جرم تعقیب نمود، اما صراحت در ذکر این مورد با توجه به شیوع این پدیده و توجه به جنبه بازدارندگی مقررات جزایی کار ارزنده است.

برگزاری محفل بچه بازی و یا ارایه تسهیلات برای آن، جرم می باشد و دارای مجازات حبس قصیر سه ماه است. مجرم متکرر این جرم به حداکثر حبس قصیر یعنی یک سال محکوم می شود.

با توجه به این که این ماده یکی از مصادیق معاونت در بچه بازی را ذکر نموده که به صورت مستقل جرم انگاری شده است و بر اساس اصول حقوق جزا در معاونت در جرم، زمانی فرد قابل مجازات است که به اثر معاونت وی جرم ارتکاب یافته باشد؛ در غیر آن فرد قابل مجازات نمی باشد، آیا در رابطه به این جرم نیز صدق می کند؛ یعنی برگزاری محفل و یا زمینه سازی برای ارتکاب این جرم زمانی قابل مجازات است که بچه بازی ارتکاب یافته باشد یا این که چنین قیدی وجود ندارد.<sup>1</sup>

---

1 - وزارت عدلیه، شرح کود جزا، ج3، پیشین، ص 455.

از متن ماده چنین قیدی استنباط نمی‌شود و بنابراین صرف برگزاری محفل به منظور بچه‌بازی و یا زمینه‌سازی برای آن جهت تحقق این جرم کفایت می‌کند.

### **مطلب پنجم: مجازات شرکت در محفل بچه‌بازی**

شرکت در محفل بچه‌بازی نیز از نظر کود جزای افغانستان جرم شمرده و مرتکبین آن را مورد مجازات قرار داده است.

در ماده 658 کود جزای چنین تصریح گردیده است:

«(1) شخصی که آگاهانه در محفلی که به منظور بچه‌بازی اختصاص یافته باشد، اشتراک نماید، به جزای نقدی از پنج هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (2) هرگاه شخصی جرم مندرج فقره (1) این ماده را به صورت متکرر مرتکب گردد، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.»

قانون‌گذار در ماده 658 موردی را جرم‌انگاری نموده است که نمی‌تواند مصداق بچه‌بازی باشد و نه هم تحت عنوان معاونت و شرکت در این جرم قابل مجازات است. شرکت در محفل بچه‌بازی نه مصداقی از جرم بچه‌بازی شمرده می‌شود و نه هم مصداق معاونت در این جرم، اما بر اساس مقابله با هرگونه تشویق و ترویج این پدیده شوم، قانون‌گذار صرف شرکت در محفل بچه‌بازی را جرم‌انگاری نموده است. شرکت در محفل بچه‌بازی به نوعی تشویق مرتکبین این جرم می‌باشد و سبب قبح‌زدایی اجتماعی از این پدیده زشت در جامعه می‌شود؛ بنابراین شرکت در محفل بچه‌بازی جرم مرتبط با بچه‌بازی است.<sup>1</sup>

---

1 - وزارت عدلیه، شرح کود جزا، ج3، پیشین، ص 456.

## مطلب ششم: مجازات اعتیاد اجباری طفل به مواد مخدر

برعلاوه مسائل که در فوق ذکر گردید اعتیاد اجباری اطفال یا کودکان به مواد مخدر نیز از زمره مسائلی است که از نظر قانون گذار مورد جرم انگاری قرار گرفته است چنانچه در ماده 659 کد جزای تصریح گردیده که «هرگاه ارتکاب جرایم مندرج این فصل منجر به اعتیاد طفل به مواد مخدر یا مسکر شده باشد، مرتکب علاوه بر مجازات جرم مرتکبه، به مجازات جرم اعتیاد اجباری مندرج این قانون، نیز محکوم می گردد».

ماده فوق زمانی در جرم بچه بازی مصداق پیدا می کند که مرتکبین جرم بچه بازی و جرایم مرتبط، در مواردی برای وادار ساختن قربانی به سوءاستفاده جنسی، اقدام به تزریق مواد مخدر و مسکر به مجنی علیه می نمایند و یا قربانی را مجبور به مصرف مواد مخدر می کنند. در صورتی که عمل مرتکبین جرم بچه بازی، منجر به اعتیاد طفل به مواد مخدر یا مسکر گردد، مرتکب هم به مجازات اعتیاد اجباری مذکور در ماده 318 این قانون و هم به مجازات جرم بچه بازی و یا جرایم مرتبط با بچه بازی محکوم می شوند. در حقیقت این مورد از مصادیق تعدد جرم است و قانون گذار حکم به محکومیت به مجازات هر دو جرم نموده است؛ بنابراین مرتکب به دلیل اعتیاد اجباری طفل به حداکثر حبس طویل و یا در صورت اعتیاد به چرس به حبس قصیر و همچنان به مجازات جرم بچه بازی و یا مجازات جرم مرتبط با بچه بازی محکوم می شود؛ بنابراین ملاحظه می گردد که قانون در این گونه موارد تعدد جرم و مجازات را پیش بینی نموده است.<sup>1</sup>

---

1 - وزارت عدلیه، شرح کد جزا، ج3، پیشین، ص 457.

## **مطلب هفتم: مجازات خرید یا فروش طفل بمنظور بچه‌بازی**

خرید یا فروش طفل بمنظور سوی استفاده از آن در جرایم بچه‌بازی نیز از نظر قوانین جزایی افغانستان جزای سنگین دارد. چنانچه ماده 662 این قانون تصریح می‌دارد که: «هرگاه شخصی طفل را به منظور ارتکاب یکی از جرایم مندرج این فصل به فروش برساند یا خریداری کند، به مجازات مندرج فصل قاچاق انسان، محکوم می‌گردد».

از ماده فوق به صراحت دانسته می‌شود که خرید و فروش اطفال، به منظور بچه‌بازی جرم قاچاق انسان دانسته شده و مطابق با فصل قاچاق انسان مجازات می‌گردد. مطابق به فقره (1) ماده 511 کود جزا، مرتکب قاچاق انسان حبس طویل تا ده سال، تعیین گردیده است.

## **مبحث سوم: مجازات تجاوز جنسی بر طفل، آزار و ثبت هویت آن**

تجاوز جنسی بر اطفال یا کودکان زیر سن یا نوجوان؛ آزار و ثبت هویت آن یکی اعمال غیراخلاقی و ضد موازین اخلاقی، انسانی و اسلامی است که این عمل از نظر دین اسلام قبیح‌ترین عمل بوده و از نظر قوانین جزایی نیز به شدیدترین مجازات محکوم می‌گردد که این مجازات قرار ذیل به بحث گرفته می‌شوند:

### **مطلب اول: مجازات تجاوز جنسی بر طفل**

تجاوز جنسی خود در ذاتش یک عمل بسیار شنیع و غیر انسانی است، حتی حیوان این عمل زشت را انجام نمی‌دهد چه برسد به انسان که خداوند انسان را شعور داده و صاحب کرامت ساخته است از اینرو نه تنها دین اسلام بلکه قوانین جزایی نیز برای این عمل زشت و بلید مجازات سختی را در نظر گرفته است.

در ماده 663 کود جزا تصریح گردیده که «(1) هرگاه ارتکاب جرایم که در مباحث قبلی تذکر داده شد شامل نگهداری طفل بمنظور رقصانیدن و یا آموزش رقص، برگزاری محافل بچه بازی، شرکت در محفل بچه بازی، اعتیاد اجباری طفل به مواد مخدر و خرید یا فروش طفل بمنظور بچه بازی که رفته رفته تا منجر به تجاوز جنسی بر طفل گردد، مرتکب این عمل علاوه بر مجازات مندرج ماده 639 این قانون، که احوال مشدده را بیان کرده است به مجازات جرم بچه بازی نیز محکوم می گردد. علاوه بر آن در فقر (2) این ماده تصریح گردیده که هرگاه بچه بازی منجر به تفریح یا مساحقه گردد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط محکوم می گردد».

بناءً مطابق به فقره یک این ماده، در صورتی که مرتکب جرم بچه بازی، بر قربانی تجاوز جنسی نماید به مجازات تجاوز جنسی و بچه بازی هر دو محکوم می گردد. در اغلب موارد قربانی بچه بازی مورد تجاوز جنسی مرتکب نیز قرار می گیرد. در چنین موارد، مرتکب با توجه به تعدد وصف جرمی عمل ارتكابی، محکوم به مجازات هر دو جرم تجاوز جنسی و جرم بچه بازی می شود.

بر اساس فقره دوم این ماده در صورتی که تجاوز صورت نگرفته، اما تفریح صورت گرفته است، مجازات حداکثر حبس متوسط برای مرتکب در نظر گرفته شده است؛ یعنی تفریح سبب شده است که مرتکب به حداکثر حبس متوسط محکوم گردد.

اگرچه کلمه مساحقه نیز در این ماده و ماده 664 ذکر شده است که به نظر می رسد سهو قلمی باشد. توضیح این که مرتکب جرم بچه بازی هر شخصی اعم از مرد و زن می تواند باشد، اما مجنی علیه این جرم تنها طفل مذکر و یا خنثی است. مساحقه تنها بین دو مؤنث می تواند انجام شود؛ بنابراین ذکر کلمه مساحقه در این دو ماده به صورت سهوی ذکر شده است.



در این ماده و ماده 664، قانون گذار سوءاستفاده های جنسی که مرتکب بچه بازی از قربانی می کند را مورد توجه خاص قرار داده است. این سوءاستفاده ها در قالب تجاوز جنسی، تفریح و آزار و اذیت جنسی قابل تصور است و همه این مصادیق سوءاستفاده جنسی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. در اغلب موارد مرتکب جرم بچه بازی، بر مجنی علیه تجاوز جنسی می کند و یا این که مجنی علیه مورد سایر سوءاستفاده های جنسی مانند تفریح و دیگر اعمال جنسی قرار می گیرد و این اعمال به صورت دوام دار انجام می شود.

در کود جزا قانون گذار موارد خاص از تعدد جرم را به صورت متفاوت و خاص ذکر نموده است و با توجه به اهمیت این موارد، اولاً مجازات آن ها را به صراحت ذکر نموده و به احکام عمومی اکتفا ننموده است.

### **مطلب دوم: مجازات آزار و اذیت طفل**

آزار و اذیت جنسی اطفال و کودکان نیز از زمره جرایمی است که قانونگذاران آنرا محکوم نموده و مجازات هایی را در این خصوص در نظر گرفته اند، چنانچه کود جزای افغانستان در ماده 664 تصریح می دارد که: «هرگاه بچه بازی منجر به آزار و اذیت جنسی طفل غیر از تفریح یا مساحقه گردد، مرتکب علاوه بر مجازات جرم بچه بازی، به مجازات جرم مرتکبه، نیز محکوم می گردد».

در صورتی که مرتکب بچه بازی بدون تجاوز جنسی بر مجنی علیه و یا ارتکاب تفریح، سایر اعمال جنسی را با مجنی علیه انجام دهد، مرتکب محکوم به مجازات جرم بچه بازی و جرم آزار و اذیت جنسی می گردد. با توجه به این که تحت عنوان آزار و اذیت جنسی ماده خاصی در کود وجود ندارد، مجازات این جرم مطابق به مواد 669-670 و 671، که تحت عنوان عام آزار و اذیت زن و طفل است، تعیین می گردد.

## مطلب سوم: مجازات ضبط و ثبت هویت مجنی علیه در هنگام بچه بازی

یکی از جرایم مرتبط با جرم بچه بازی، ثبت و ضبط هویت و یا حالات مجنی علیه جرم بچه بازی و یا نشر و افشای موارد ثبت و ضبط شده از مجنی علیه جرم بچه بازی می باشد. این عمل ممکن است توسط مرتکب جرم بچه بازی و یا شخص دیگری صورت گیرد. ثبت، ضبط و نشر هویت و حالات قربانی جرم بچه بازی به دلیل آسیب های روانی و اجتماعی که به قربانی و خانواده او وارد می کند و همچنین این عمل ممکن است زمینه سوءاستفاده های بعدی مرتکب از قربانی را فراهم می نماید. نیازمند جرم انگاری جداگانه می باشد. در این ماده ضمن جرم انگاری این اعمال، مجازات متناسب نیز معین شده است.

ماده 665 کود جزای در این خصوص صراحت می دارد که: (1) هرگاه شخصی هویت، تصویر، فلم یا حالت مجنی علیه جرایم مندرج این فصل را ضبط و یا ثبت نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد. (2) هرگاه شخصی هویت، تصویر، فلم یا حالت مجنی علیه جرایم مندرج این فصل را نشر یا افشا نماید، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می گردد. (3) هرگاه هدف از ارتکاب اعمال مندرج فقره های (1) و (2) این ماده، کسب منفعت یا مجبور ساختن طفل به اجرای عمل نامشروع باشد، مرتکب به حبس طویل بیش از هفت سال، محکوم می گردد.

در ماده مذکور دو جرم ثبت و ضبط هویت و حالات مجنی علیه بچه بازی و در جرم نشر و افشای هویت و حالات مجنی علیه مذکور به صورت جداگانه جرم انگاری شده و عناصر مادی و معنوی و مجازات هر یک به صورت جداگانه مشخص شده است. فقره (1) این ماده عنصر قانونی جرم ثبت و ضبط هویت مجنی علیه می باشد و در بردارنده عناصر مادی و معنوی این جرم می باشد. بر اساس این فقره عنصر مادی این جرم عبارت است از هر یک از اعمال ذیل:

- ثبت یا ضبط هویت مجنی علیه. هویت شامل مشخصات فردی مجنی علیه جرم بچه بازی از قبیل اسم، اسم پدر و امثال آن می باشد که منجر به شناسایی فرد می گردد. ثبت هویت مجنی علیه می تواند از طریق کتابت باشد.

ثبت، بیشتر به مفهوم درج و یادداشت کردن است و ضبط به معنای حفظ و نگهداری نمودن.<sup>1</sup>

- تصویربرداری و گرفتن عکس و یا فلم از حالت های مجنی علیه بچه بازی. مثلاً تصویر و فلم برداری از حالت رقص قربانی مشمول این فقره می باشد.

بنابراین صرف ثبت و یا ضبط هویت قربانی بچه بازی و یا گرفتن عکس و فلم از حالات او و یا نگهداری آن ها در صورتی که همراه با عنصر معنوی این جرم باشد، برای تحقق این جرم کافی است و نیازمند عمل دیگری مانند سوءاستفاده از آن و یا نشر نمی باشد.

این جرم از جرایم عمدی است و ارتکاب آن با عمد و علم می باشد؛ یعنی مرتکب عامدانه هویت مجنی علیه را ثبت یا ضبط می نماید و به این که مجنی علیه قربانی بچه بازی می باشد علم داشته باشد.

مجازات این جرم حبس قصیر تعیین شده است.

در فقره دوم ماده مذکور، جرم نشر و افشای هویت یا تصویر و یا فلم مجنی علیه جرم انگاری شده و مجازات آن معین شده است. بر اساس فقره فوق عنصر مادی جرم مذکور هریک از اعمال ذیل می باشد:

- افشاء هویت، عکس و تصویر و یا فلم از حالات مجنی علیه. منظور از افشاء آشکار و فاش نمودن آن ها می باشد.

---

1. فرهنگ معین، واژه های ثبت و ضبط.

- نشر هویت، تصویر و یا فلم از حالات مجنی علیه. منظور از نشر تکثیر و پخش نمودن می باشد؛ یعنی مرتکب فلم ثبت و ضبط شده را نشر و پخش نماید<sup>1</sup>. نشر عام بوده و شامل نشر از طریق اینترنت و فضای مجازی نیز می باشد.

مجازات این جرم حبس متوسط تا دو سال تعیین شده است.

این عمل از نظر قانون در بعضی از حالات مشدده یعنی جزای شدید در پی دارد چنانچه در فقره سوم این ماده حالات مشدده جرایم ثبت و یا ضبط و افشاء و یا نشر هویت و تصویر مجنی علیه جرم بچه بازی بیان شده است و دو حالت می باشد.

حالت اول موردی است که منظور مرتکب از ثبت، یا ضبط یا افشاء و یا نشر هویت و یا تصویر مذکور، کسب منفعت باشد. کسب منفعت در این ماده عام است و شامل کسب درآمد و یا شهرت و مانند آن می باشد. مثلاً مرتکب جریان بچه بازی را برای فروش فلم آن ضبط و فلم برداری می کند.

حالت دوم در صورتی است که منظور مرتکب از اعمال فوق تحت فشار قرار دادن و مجبور نمودن قربانی به انجام عمل غیرقانونی باشد. عمل غیرقانونی نیز عام است و شامل عمل بچه بازی و سایر اعمال غیرقانونی می شود. مانند این که قربانی را مجبور به سرقت نماید. رسیدن به منفعت و یا انجام عمل غیرقانونی توسط مجنی علیه جرم بچه بازی شرط نمی باشد و صرف اقدامات مذکور در ماده به منظور کسب منفعت و مجبور نمودن طفل به انجام عمل غیرقانونی برای تشدید مجازات کافی است.

به عنوان مثال مرتکب، جریان بچه بازی را ضبط می کند تا در آینده و با سوءاستفاده از ضبط این جریان، مجنی علیه را تحت فشار قرار داده و او را وادار به سوءاستفاده جنسی نماید.

---

1. همان، واژه های افشا و نشر.

در این فقره یکی از عوامل تشدید مجازات مجبور نمودن طفل قربانی بچه‌بازی به انجام عمل غیرقانونی است. بهتر بود که این فقره علاوه بر مجبور نمودن طفل، شامل اجبار خانواده طفل به عمل غیرقانونی نیز می‌گردید.

مجازات جرم ثبت یا ضبط یا افشاء و یا نشر هویت و تصویر مجنی علیه بچه‌بازی به منظور کسب منفعت و یا مجبور نمودن قربانی به انجام عمل غیرقانونی حبس طویل بیش از 7 سال تعیین گردیده است.

### **مبحث چهارم: مجازات منسوبین نظامی در عمل بچه‌بازی و یا عدم جلوگیری آن**

عاملان بچه‌بازی که دین اسلام و همچنین قوانین جزایی افغانستان آنرا یکی از بدترین تخلفات حقوق بشری در افغانستان می‌خوانند، معمولاً قبل از اینکه کود به تصویب برسد قوانین جزایی افغانستان تنها جرم بچه‌بازی را توسط زورمندان و فرماندهان محلی هستند جرم‌انگاری نموده بودند اما نظر به نیازمندی روز خوشبختانه که قانون‌گذاران افغانستان در کود جزای افغانستان یک ماده دیگر تحت عنوان ارتکاب جرم بچه‌بازی توسط منسوب نیروهای نظامی علاوه نمودند که در این مبحث به آن پرداخته می‌شود:

#### **مطلب اول: مجازات منسوبین نظامی در عمل جرم بچه‌بازی**

هیچ کس حق آزار و اذیت کودکان را ندارد. کسانی که با کودکان بدرفتاری می‌کنند و یا آن‌ها را مورد آزار و اذیت جنسی و یا بچه‌بازی قرار می‌دهند، طبق قانون باید مجازات شوند. چه که از افراد و اشخاص زورمند باشند و یا از منسوبین نیروهای نظامی کشور؛ این مسئله در ماده 660 کود جزای برجسته گردیده که هرگاه جرایم مشمول بچه‌بازی، توسط منسوب نیروهای نظامی ارتکاب یابد، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

مطابق به این ماده در صورتی که منسوب نیروهای نظامی، مرتکب جرم بچه‌بازی و جرایم مرتبط با آن گردد، محکوم به حبس متوسط می‌شود. منظور از منسوب نظامی، منسوبین نظامی اردوی ملی، پولیس ملی و همچنین ریاست امنیت ملی و منسوبین نظامی سایر ادارات دارای تشکیلات نظامی می‌باشند.

### **مطلب دوم: مجازات منسوبین نظامی در عدم جلوگیری از جرم بچه‌بازی**

علاوه بر آن هر آن فردی که از منسوبین نیروهای نظامی که به ارتکاب جرم بچه‌بازی توسط اشخاص تحت امر خود آگاهی داشته باشد، از ارتکاب آن قصداً جلوگیری ننماید یا اقدامات لازم را، در حدود صلاحیت خود، برای جلوگیری از ارتکاب آن انجام ندهد، به حد اکثر مجازات حبس قصیر، محکوم می‌گردد.

ماده 661 کود جزای در این خصوص تصریح می‌دارد که: «هرگاه منسوب نیروهای نظامی که از ارتکاب جرم بچه‌بازی توسط اشخاص تحت امر خود آگاهی داشته باشد، از ارتکاب آن قصداً جلوگیری ننماید یا اقدامات لازم را، در حدود صلاحیت خود، برای جلوگیری از ارتکاب آن انجام ندهد، به حد اکثر مجازات حبس قصیر، محکوم می‌گردد».

مطابق به این ماده، در صورتی که شخص نظامی از ارتکاب جرم بچه‌بازی توسط افراد تحت امر خود آگاه گردد و راجع به جلوگیری از آن اقدام ننماید به حد اکثر حبس قصیر محکوم می‌گردد. در این ماده آمران نیروهای نظامی مکلف به جلوگیری از ارتکاب جرم بچه‌بازی توسط اشخاص تحت امر خود می‌باشند و در صورت عدم اقدام در جلوگیری از این جرم در حدود صلاحیت خود، مجازات می‌گردند.

قانون‌گذار در ماده‌های 660 و 661 کود جزا به ارتکاب جرم بچه‌بازی به صورت خاص در نهادهای امنیتی و نظامی کشور توجه نموده است. ارتکاب این جرم در صفوف نیروهای نظامی کشور ضمن این که انضباط نظامی را آسیب می‌زند، اعتماد و

حمایت عمومی را از نیروهای نظامی کشور کاهش می‌دهد؛ بنابراین مبارزه با ارتکاب این جرم در بین نیروهای نظامی و از بین بردن همه زمینه‌های ارتکاب این جرم مد نظر قانون‌گذار بوده است و به همین دلیل مجازات جرم بچه‌بازی و جرایم مرتبط با آن توسط نظامیان تشدید شده است و آمران نیز به صورت خاص مکلف به جلوگیری از ارتکاب این جرم در بین نیروهای تحت امرشان می‌باشند که در صورت عدم اقدام در جلوگیری از ارتکاب این جرم خود قابل مجازات دانسته شده‌اند.

منع استخدام اطفال در قطعات نظامی که بر اساس قانون منع استخدام اطفال در قطعات نظامی مصوب 1393، مقرر شده است و از نظر مقررات بین‌المللی چنین ممنوعیتی وجود دارد، نیز برای از بین بردن همه بسترهای سوءاستفاده از اطفال از جمله سوءاستفاده‌های جنسی در قطعات نظامی است.

### **مبحث پنجم: حالات مشدده جرم بچه‌بازی**

قانون‌گذار افغانستان حالات مشدده جرم بچه‌بازی را در 6 بخش بیان نموده است. موارد ذکر شده حالاتی است که در آن قربانی بچه‌بازی آسیب بیشتری را متحمل گردیده و یا این که به دلیل شرایط خاص، مجنی‌علیه نیازمند حمایت قانونی بیشتری می‌باشد و یا این که مرتکب به دلیل وضعیت خاص زمینه بیشتری را برای ارتکاب این جرم دارد. قانون‌گذار با توجه به این عوامل است که برای بازدارندگی بیشتر اقدام به تشدید مجازات نموده است. شش موردی که مجازات جرم بچه‌بازی را تشدید می‌نماید عبارت است از:

### **مطلب اول: مجازات نگهداری بیشتر از یک طفل جهت ارتکاب جرم بچه‌بازی**

فقره اول ماده 666 کود جزا در این خصوص تصریح می‌دارد که «در حالتی مرتکب بیشتر از یک طفل را نگهداری نماید» شامل مجازات شدید می‌گردد.

در صورتی که مرتکب بیشتر از یک طفل را برای بچه‌بازی نگهداری نماید. با توجه به این که یکی از مصادیق بارز جرم بچه‌بازی نگهداری طفل به منظور لذت جنسی و یا رقصانیدن می‌باشد، چنانچه شخصی بیشتر از یک طفل را نگهداری نماید، مجازاتش تشدید می‌شود. نگهداری بیشتر از یک طفل به منظور مذکور، از مصادیق تعدد جرم شمرده نمی‌شود، اما به دلیل این که مجنی علیه این جرم بیشتر از یک نفر می‌باشد و آسیب این جرم به بیش از یک فرد وارد می‌شود، مجازات آن باید افزایش داده شود.

### **مطلب دوم: مجازات قربانی کننده اطفال پایین تر از سن 12 در جرم بچه‌بازی**

فقرة دوم ماده 666 کود جزای افغانستان تصریح می‌دارد که «در حالتی که قربانی 12 سالگی را تکمیل نکرده باشد».

دومین حالت تشدیدکننده مجازات جرم بچه‌بازی این است که مجنی علیه این جرم زیر سن 13 سالگی باشد؛ زیرا طفل در سنین کمتر آسیب پذیرتر می‌باشد و نیازمند حمایت جزایی بیشتری می‌باشد. بر اساس حکم ماده 97 کود جزا، طفل کمتر از 13 سال، در صورت ارتکاب جرم مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد، زیرا توانایی فهم کامل رفتار و پیامد رفتار خود را ندارد و نیازمند مراقبت و حمایت می‌باشد و در صورت مجنی علیه واقع شدن نیز نیازمند حمایت بیشتر از بقیه می‌باشند.

### **مطلب سوم: مجنی علیه قرار دادن طفل به جرم بچه‌بازی در صورت مشکلات اقتصادی وی**

در حالتی که جرایم مندرج این فصل با استفاده از ضعف اقتصادی طفل ارتکاب یافته باشد.

سومین حالت مشدده مجازات در این مورد، حالت ضعف اقتصادی مجنی علیه می‌باشد. با توجه به این که یکی از عوامل شایع برای مجنی علیه واقع شدن در جرم



بچه بازی فقر اقتصادی مجنی علیه و خانواده او می باشد. ابرای مسدود نمودن این زمینه شایع در جرم بچه بازی، قانون گذار بازدارندگی از طریق تشدید مجازات را در پیش گرفته است.

### **مطلب چهارم: مجازات اقاربین طفل در قربانی جرم بچه بازی**

در حالتی که جرم توسط اقارب یا هر شخصی که بالای طفل تسلط قانونی داشته باشد، ارتکاب یابد.

چهارمین مورد تشدید مجازات برای مرتکب جرم بچه بازی، سلطه و نفوذ داشتن مرتکب این جرم بر قربانی می باشد؛ بنابراین در صورتی که مرتکب از اقارب مجنی علیه باشد و یا بر او سلطه و نفوذ داشته باشد، مانند این که معلم یا آمر قربانی باشد، به دلیل همین سوءاستفاده از چنین سلطه و نفوذی، مجازات تشدید شده است.

اقارب در فقره (17) ماده 4 قانون اجراءات جزایی مصوب 1392، ذیل عنوان اصطلاحات به صورت ذیل بیان شده است:

«17- اقارب: زوج، زوجه و اصول و فروع آنها برای یک دیگر الی درجه دوم، پدر، مادر و اصول آنها آلی درجه دوم و برادر، خواهر، کاکا، ماما، خاله، عمه و فروع آنها الی درجه دوم می باشند.»<sup>2</sup>

---

1. - خلاصه گزارش تحقیق ملی در مورد بچه بازی در افغانستان، پیشین.

2. ماده 65 قانون اصول محاکمات مدنی مصوب 1369 نیز مفهوم تقریباً همانند فقره 17 ماده 4 قانون اجراءات جزایی 1392 بیان نموده است: در قانون اصول محاکمات مدنی در ماده 65 راجع به موارد اجتناب و رد قاضی مقرر شده است که «رئیس و اعضای محکمه هر يك در حالات آتی از اشتراك در ترکیب محاکمه و رسیدگی بدعوی مدنی اجتناب می ورزند.»  
در صورتی که در قضیه مورد رسیدگی ذینفع و یا دعوی مربوط به اصول و فروع، زوج، زوجه و یا اقارب آنها باشد.  
اقارب به این منظور عبارت است از برادر، برادرزاده، خواهر، خواهرزاده، کاکا، عمه، خاله، ماما، خسر و خشو.» از مقایسه مفهوم این ماده با قانون اجراءات جزایی مفهوم مشابه و همانند استنباط می شود.

## **مطلب پنجم: مجازات جرم بچه‌بازی با استفاده از صلاحیت وظیفوی**

در حالتی که جرم با استفاده از صلاحیت وظیفوی ارتکاب یافته باشد.

استفاده از صلاحیت وظیفوی برای ارتکاب جرم بچه‌بازی، عامل دیگر تشدیدکننده جزای این جرم می‌باشد. در صورتی که بر اساس صلاحیت وظیفوی که دارد، مرتکب این جرم شود مجازاتش تشدید می‌شود. به عنوان مثال مسئول مراقبت از اطفال بی‌سرپرست با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مرتکب چنین جرمی شده باشد؛ زیرا چنین فردی نوعی از سلطه و نفوذ قانونی بر مجنی‌علیه دارد و زمینه سوءاستفاده برای چنین فردی آماده‌تر می‌باشد؛ بنابراین قانون‌گذار مجازات را در مورد چنین شخصی تشدید نموده است.

## **مطلب ششم: مجازات جرم بچه‌بازی در صورت اضرار جسمی و روانی اطفال**

در صورتی که جرم موجب ضرر جسمی یا روانی به طفل گردیده باشد.

ششمین حالت تشدید جزای جرم بچه‌بازی موردی است که مجنی‌علیه متحمل ضرر جسمانی و یا روانی گردیده باشد. منظور از این ضرر، آسیب‌های بیشتر از ضررهای ساده ناشی از این عمل است. توضیح این که جرم بچه‌بازی به صورت طبیعی آسیب‌هایی اعم از جسمانی و روانی را در پی خواهد داشت، علت تشدید در این مورد خاص ضررهای جسمانی و روانی بیشتر است مانند جراحت، ضرب‌دیدگی، کوفتگی و امثال آن یا آسیب‌های روانی که حالت سلامت روانی مجنی‌علیه را مختل نموده باشد.

## نتیجه گیری

پس از تحقیقات و بررسی های انجام شده در خصوص موضوع جرم بچه بازی و نتایج به آمده از آنرا قرار شرح ذیل به بحث می گیریم:

بچه بازی عبارت از نگهداری طفل مذکر و یا خنثی به منظور لذت جنسی و رقصانیدن در محافل، و تجاوز جنسی، تفریخیزد و یا آزار و اذیت جنسی چنین طفلی می باشد که در گفتار عامیانه مردم افغان به معنای هرگونه سوء استفاده جنسی از کودکان به قصد کسب درآمد بکار برده می شود.

مصادیق جرم بچه بازی را از منظر کود جزای افغانستان می توان به لذت بردن جنسی از بچه و یا رقصانیدن، آموزش رقص جهت تدویر برنامه های بچه بازی و به قصد استثمار در محافل عام یا خصوصی رقصانیدن بچه نام برد.

عوامل گسترش فرهنگ بچه بازی در افغانستان را می توان به نابه هنجار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، فقر و ناآگاهی، عدم حاکمیت قانون و فساد اداری، نبود امنیت و گسترش آن، بی سرپرستی، بی سواد و خشونت های خانوادگی نسبت داد که زمینه های ترویج رسم بچه بازی را فراهم نموده است.

جرم بچه بازی می تواند اثرات ناگواری را همچون سوی استفاده جنسی قرار گرفتن اطفال، آسیب زدن به جسم و روان آنان، رواج ساختن ناهنجاری های اخلاقی و جنسی، در انزوا قرار گرفتن افراد در جامعه، زخم و افسردگی، حس ناامیدی، بدبینی و عدم اعتماد، ایجاد دشمنی و زمینه انتقام گیری را فراهم می سازد.

بچه بازی عمل زشت و ناپسندی است که فقها کرام انرا ممنوع قرار داده و دیدن بدن مرد را برای مردان جهت نفع بردن غرایض جنسی از جمله اعمال زشت و ناپسند قرار داده اند گرچه فقهای کرام مختص در خصوص جرم بچه بازی چیزی سخن نگفته اند اما ممنوع قرار دادن دیدن بدن برای مردان برای نفع بردن غرایض جنسی تبیین

کننده این بحث است. گذشته از آن محافل فحشا که مصداق آن شراب نوشی، بی‌حیایی، لواط کاری و امثال آن است که در افغانستان این نوع اعمال مروج است از طرف فقها ممنوع قرار داده شده اند.

قرآن کریم افراد بچه‌بازان را به قوم لوط نسبت می‌دهد، چنانچه شیطان عامل انحراف قوم لوط (علیه السلام) گردید و آنان را از راه فلاح و رستگاری به گمراهی و از انسانیت و اخلاق به غیر انسانی سوق داد و خداوند برای این قوم بلاهای آسمانی و زمینی نازل ساخت.

علاوه بر تحریم قرار دادن جرم بچه‌بازی در قرآن کریم؛ احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز وجود دارند که بیان کننده آن است که جرم بچه‌بازی یک عمل ناروا بوده که مورد خشم خداوند متعال قرار می‌گیرد و جزای سنگینی در انتظار وی می‌باشد.

قوانین جزای افغانستان مخصوصاً کود جزا نیز عمل بچه‌بازی را از اعمال جرمی شمرده و برای عاملین آن مجازات در نظر گرفته است که بنابر تقسیم‌بندی کود جزا نظر به نگهداری طفل بمنظور رقصانیدن آن، نگهداری طفل بمنظور آموزش رقص، رقصانیدن طفل، برگزاری محافل بچه‌بازی، شرکت در محفل بچه‌بازی، اعتیاد اجباری طفل به مواد مخدر به منظور استفاده از آن، خرید یا فروش طفل بمنظور بچه‌بازی، تجاوز جنسی بر طفل، آزار و اذیت طفل، ضبط و ثبت هویت مجنی علیه در هنگام بچه‌بازی؛ مجازات آن نیز تفاوت می‌کند.

گذشته از آن کود جزای افغانستان افراد و اشخاصی را که در منسوبین نظامی هستند و از جایگا و مقام خویش در عمل جرم بچه‌بازی سوی استفاده می‌نمایند و برای جلوگیری آن توجه نمی‌نمایند مجازات مشخصی را در نظر گرفته است.

همچنین در بعضی حالات جرم بچه‌بازی حالات شدیدتری را به خود می‌گیرد که کودجا در این خصوص نیز تصریح کرده است که نگهداری بیشتر از یک طفل جهت ارتکاب جرم بچه‌بازی، قربانی کننده اطفال پایین تر از سن 12 در جرم بچه‌بازی، مجنی علیه قرار دادن طفل به جرم بچه‌بازی در صورت مشکلات اقتصادی وی، اقاربین طفل در قربانی جرم بچه‌بازی، جرم بچه‌بازی با استفاده از صلاحیت وظیفوی و جرم بچه‌بازی در صورت اضرار جسمی و روانی اطفال.

در اخیر برای اینکه جرم بچه‌بازی یک عمل شنیع و ضد موازین اسلامی و انسانی بوده علما و دانشمندان برای رفع و جلوگیری آن راهکارهای را در نظر گرفته اند که از جمله می‌توان در نظر گرفتن عدالت قانون و تطبیق آن، مورد پیگرد قرار گرفتن مجرمین توسط ارگان‌های عدلی و قضایی، محکوم قرار دادن مختص جرم بچه‌بازی توسط فقهای معاصر را نام برد.

## پیشنهادات

برای اینکه جرم بچه‌بازی یک عمل بسیار بد و شنیع بوده و مخاطره‌کننده عفت انسان‌ها می‌باشد؛ پس از تحقیق و بررسی‌های انجام شده در این موضوع و مشکلات‌های موجود در این زمینه لازمی دانستیم تا بعضی از پیشنهادات لازمی و ضروری را خدمت‌تان ارائه بداریم که قرار ذیل خلاصه می‌شوند:

1- نخست از همه اینکه یگانه مشکل اساسی که بنده نیز در آن برخورد نمودم نبود منابع مؤثق علمی در زمینه جرم بچه‌بازی است که از تمامی زوایا مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد از اینرو پیشنهاد می‌گردد تا دانشمندان رشته حقوق و فقهای معاصر افغانستان در این زمینه غور و بررسی نمایند.

2- از اینکه افغانستان یک کشور اسلامی است شایعه فحشا و منکرات در این کشور جای ندارد پیشنهاد می‌گردد تا برای آن عده از افراد که در این مسائل آغشته اند نظر به احکام الله متعال که این نوع مسایل را تحریم نموده جداً پرهیزند.

3- برای نهادهای ذیربط پیشنهاد می‌گردد که در صورت برخورد با افراد و اشخاص بچه‌باز و آن‌عده از افرادی که زمینه برای این نوع افراد محیا میکنند به صورت جدی برخورد نموده و سزای اعمال افراد متخلف جرم بچه‌باز را مطابق به قوانین جزای افغانستان و احکام شریعت غرای محمدی به صورت واقعی داده بدهند.

4- برای خانواده‌های محترم پیشنهاد می‌گردد که تعلیم و تربیه درست اطفال و فرزندان خویش کوشا باشند تا نشود که خدای ناخواسته کودکان شان به اعمال ناشایسته رو آورده تا مورد استفاده اشخاص استفاده جو قرار گیرند.

5- برای آن‌عده از افراد جامعه که در صورت برخورد با افراد و اشخاص استفاده جو و متخلف جرم بچه‌بازی عاجل به نهادهای کشفی، عدلی و قضایی راپور دهند تا باشد کشور ما از هر نوع فجایع به دور باشد.

## فهرست آیات

شماره	نص آیات مبارکه	آدرس سوره و آیه	صفحه
1	﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ...﴾	سوره هود، آیه 91	12
2	:﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ...﴾	سوره نساء، آیه 78.	13
3	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ...﴾	سوره الممتحنه، آیه 10	17
4	﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكِيعِينَ﴾	سوره البقره، آیه 43	19
5	:﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾	سوره الاسراء، آیه 32.	19
6	﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ...﴾	سوره انعام، آیه 151	49
7	﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾	سوره نحل، آیت 90	51
8	﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ...﴾	سوره الانبیا آیات 11-13	53
9	﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ...﴾	سوره هود؛ آیت 116	55
10	﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾	سوره حجر، آیت 15	56
11	﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ﴾	سوره	59

	زخرف، آيات 23- 25	﴿مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا ...﴾	
60	سوره بقره، آيه 268	﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾	12
61	سوره نور، آيه 21	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ ...﴾	13
62	سوره هود، آيات 116- 117	﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ ...﴾	14
64	سوره بقره، آيه 268	﴿وَلَيْسَتَعْتَفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحاً حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ ...﴾	15
65	سوره نساء، آيه 5	﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً وَارزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾	16
67	سوره اعراف، آيه 28	﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾	17
67	سوره عنكبوت، آيه 45	﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾	18
68	سوره اعراف، آيات 80- 82	﴿وَلَوْطاً إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ ...﴾	19
70	سوره اعراف، آيه 80	﴿أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾	20



70	سوره اعراف، آيات، 81-84	﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ...﴾	21
72	سوره هود آيه 82	﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ﴾	22
94	سوره نور، آيه 19	﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾	23
94	سوره نور، آيه 30	﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصُرِهِمْ﴾	24
95	سوره الشورى، آيه 42	﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾	25
96	سوره الأحزاب، آيه 58	﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾	26
97	سوره بروج، آيه 10	﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾	27

## فهرست احاديث

شماره	احاديث	آدرس كتاب	صفحه
1	عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالَ: لَا أَحَدَ أَعْيَزُ مِنَ اللَّهِ»	صحيح البخارى/4634	74
2	«أَسْمَاءٌ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - أَنَّهَا سَمِعَتْ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، يَقُولُ: لَا شَيْءَ أَعْيَزُ مِنَ اللَّهِ»	صحيح البخارى/1757	75
3	«أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ ...»	صحيح المسلم/1757	76
4	«أَبِي مُوسَى قَالَ: قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ قَالَ: مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»	صحيح المسلم/25	76
5	«مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنْ ...»	صحيح المسلم/2734	77
6	«وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، ...»	صحيح المسلم/1627	78
7	«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ <small>رضي الله عنه</small> عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: كُتِبَ عَلَى ابْنِ آدَمَ نَصِيْبُهُ ...»	صحيح البخارى/1622	79
8	«وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ <small>رضي الله عنه</small> قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ، وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»	صحيح المسلم/1559	80
9	«وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُزْحَزَحَ عَنِ النَّارِ، وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ، ...»	صحيح المسلم/1566	80
10	«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَعَنَ النَّبِيُّ <small>صلى الله عليه وسلم</small> الْمُحَنِّثِينَ مِنَ الرَّجَالِ، وَالْمُتَرَجَّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...»	صحيح البخارى/5886	81
11	«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةَ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ»	سنن ابو داود/4096	83
12	«كُلُّ شَرَابٍ أَسْكَرَ فَهُوَ حَرَامٌ»	صحيح البخارى/5585	83
13	«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ ...»	صحيح البخارى/5575	84
14	«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " أَرْبَعَةٌ يُصْبِحُونَ فِي ...»	السنن الكبر للبيهقى/1344	99

100	السنن الكبير للبيهقي 1345/	« أَخْبَرَنَا أَبُو مَنْصُورِ الْبَغْدَادِيُّ، أَخْبَرَنَا إِبْرَاهِيمُ ... عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " لَعَنَ اللَّهُ سَبْعَةَ مِنْ خَلْقِهِ..." »	15
100	سنن ابو داود/4098	«عن ابن عباس ب قال: لعن رسول الله ص المحدثين من الرجال، والمترجلات من النساء»	16
100	صحیح البخاری/5886	«لعن رسول الله ص المتشبهين من الرجال بالنساء، والمتشبهات من النساء بالرجال»	17
101	صحیح المسلم/2564	«وعن أبي هريرة <small>رضي الله عنه</small> أن رسول الله ص قال «بحسب امرئ من الشر أن يحقر أخاه المسلم»»	18
101	صحیح المسلم/2563	«وعن أبي هريرة <small>رضي الله عنه</small> أن رسول الله ص قال: «إياكم والظن، فإن الظن أكذب الحديث،...»»	19
102	صحیح البخاری/6474	«وعن سهل بن سعد قال: قال رسول الله ص: «من يضمن لي ما بين لحيته وما بين رجليه أضمن له الجنة»»	20
104	سنن ابو داود/4462	مَنْ وَجَدْتُمُوهُ يَعْمَلْ عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ فَاقْتُلُوا الْفَاعِلَ وَالْمَفْعُولَ بِهِ	21
106	السنن الكبير للبيهقي 233/8/	وإذا أتت المرأة المرأة فهما زانيتان	22

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

1. سنن ابی ابوداود
2. علاء الدین ابی بکر بن مسعود، الکاسانی النحنفی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1424.
3. صبحی رجب، محمصانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، مترم اسماعیل گلستانی، تهران: نشر آثار اندیشه، 1386.
4. أبو بکر أحمد بن الحسين بن علی البیهقی، السنن الکبر للبیهقی، باب التحريم علی رمی، ج 10، المکة المکرمة، مکتبة دار الباز، 1344.
5. ابوالفضل عضدالدین عبدالرحمن بن عبدالغفار، الایجی، شرح مختصر المنتهی لابن حاجب، قاهره: مطبعة الامیریة، ج 2.
6. ابویعلی، القاضی أبو یعلی، محمد بن الحسین بن محمد بن خلف ابن الفراء (المتوفی: 458هـ)، الأحکام السلطانیة للفراء صححه وعلق علیه: محمد حامد الفقی، طبع 2، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1421.
7. ابی الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی، الدمشقی، تفسیر ابن کثیر، بیروت - لبنان، نشر دار ابن حزم، 1420 هـ - 200 م.
8. احمد محمد الرفاعی، المدخل للعلوم القانونیه (نظریة القانون)، کویت: جامعة البنها، 2008.
9. أحمد مختار عبد الحمید، عمر، معجم اللغة العربیة المعاصرة، قاهره: عالم الکتب، طبع 1، ج 1، 1429.
10. بچه بازی؛ قانون سازی و مماشات حکومت در اجرای قوانین، روزنامه اطلاعات روز، 7 حوت 1395.

11. بی بی سی، صفحه فارسی، «بر کناری و محاکمه ده‌ها قاضی در افغانستان به اتهام رشوه ستانی»، 29 فبروری 2012، برگرفته به تاریخ 26 جولای 2014
12. جمعی از نویسندگان، تفسیر کود جزا، کابل: نشر بنیاد آسیا، ج 1، 1398.
13. حسن، انوری، فرهنگ فشرده سخن، تهران: نشر علمی، 1390.
14. د. رووف سبحانی، المعجم الفظی، (لغتنامه فارسی-عربی)، بیروت: دارالحجّة البيضاء، 1429-2008.
15. دکتر عبدالرحیم فیروزه‌روی، فیض الباری شرح صحیح البخاری، ج 6، نشر و پخش کتاب محمدی، 1391.
16. زمینه‌ها و پیامدهای «بچه‌بازی»، روزنامه اطلاعات روز، 30 اسد 1393.
17. زین الدین ابن نجیم الحنفی ابن عابدین، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ومعه منحة الخالق، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج 1، 1418.
18. سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله، التفتازانی، التلویح علی التوضیح، قاهره: مطبعة الصبیح، الجزء الاول، 1957.
19. سید، سابق، فقه السنه، تهران: نشر احسان، 1397.
20. سیدامیر ابوالفتوح، جرجانی، آیات احکام، قم: انتشارات نوید، چاپ اول، 1404 هـ.ق.
21. سیدقطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ج 1، ترجمه: مصطفی خرم‌دل، تهران: نشر احسان، 1387.
22. شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری تفسیر انوارالقرآن، ج 2، مترجم: عبدالروف مخلص، ایران: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، 1388.
23. شیخ الحدیث مولانا عبدالحکیم شرف قادری تفسیر انوارالقرآن، ج 2، مترجم: عبدالروف مخلص.

24. طلوع نیوز، «دیده‌یان شفافیت افغانستان: فساد اداری در حال افزایش است»، 7 جوزا 1393، برگرفته به تاریخ 26 جولای 2014
25. عباس علی عمید، زنجانی، دانشنامه فقه سیاسی، تهران: نشر دانشگاه تهران، 1389.
26. عبدالاقرار، واصل، حقوق جزای اختصاصی، کابل: نشر سعید، 1398.
27. عبدالجلیل براهویی، زاهدی، اعمال منافی عفت در اسلام از دیدگاه اهل سنت، تهران: تربت جام آوای اسلام، 1388.
28. عبدالحمید محمود، طهاز، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، برمبنای مذهب امام ابوحنیفه با ذکر دلایل از قرآن و سنت، جلد ششم، مترجم: سعدی بهبودی، تهران: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، 1394.
29. عبدالرحیم بن حسن بن علی، الاسنوی، نهاییه السول شرح منجاج الوصول الی الاصول، بیروت:؟، جزء الاول، بی تا.
30. عبدالظاهر، احمد الجامی، مهتمم، محمد طاهر، خدری، هنوز در توبه باز است، فرصت را غنیمت شمار، چاپ ششم، مؤسسه انتشارات الزهراء، 1389.
31. عبدالقادر، عوده، مقدمه ای التشریح الجنائی الاسلامی، ج 1.
32. عبدالکریم احمد، محمودی، مبانی فقه، تهران: نشر احسان، 1378.
33. عفیف عبدالفتاح طباره، گناهان و لغزشها از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمد صالح سعیدی، تهران: نشر احسان، 1386
34. علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان المرادوی دمشقی الصالحی الحنبلی، مرادوی، الإنصاف فی معرفه الراجح من الخلاف، بیروت: دار احیاء التراث العربی، طبع 2، ب ت، ج 9.

35. علامه جلال الدین، محلی و علامه جلال الدین سیوطی، تفسیر جلالین، بیروت - لبنان، مکتبه اللبنا، طبع الاولی، 2003م
36. علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی، تفسیر راستین، ترجمه ی تیسیر الکریم الرحمن، تهران: نشر احسان.
37. علی اکبر، قریشی، قاموس قرآن، ج 6؛ تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، 1371.
38. عوده، عبد القادر عوده: قاضی و متخصص حقوق اساسی، در سال (1324هـ - 1906م)،
39. غفور احمد، غزنوی، اصول فقه، کابل: انتشارات تمدن شرق، 1398.
40. غلام رضا، انصاف پور، فرهنگ فارسی کامل، کابل: نشر بین المللی سرور سعادت، 1394.
41. فضل بن حسن، الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 2، بیروت - لبنان: نشر، دار المعرفه، 1412ق.
42. قیلم مستند «بچه های رقااص افغانستان»، تولید جیمی دران، گزارش از نجیب الله قریشی.
43. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش وضعیت حقوق اطفال در افغانستان، 1392.
44. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مختصر گزارش تحقیقی ملی در مودر بچه بازی در افغانستان، سال 2014.
45. گزارش تحقیقی، عوامل و پیامدهای بچه بازی در افغانستان، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، 1396.

46. لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، الفتاوى الهندية، بيروت: دار الفكر، طبع 2، 1310.
47. للإمام أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، صحيح البخاري، باب (30) نزديك نشدن به كارهاي حرام خواه به صورت آشكار و خواه به صورت پنهان.
48. اللؤلؤ والمرجان: فيما اتفق عليه الشيخان اماما المحدثين ابو عبد الله محمد بن اسماعيل البخاري و ابو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابوري، ج 3، مترجم: ابوبكر حسن زاده، تهران: نشر احسان، 1380.
49. محمد اسماعيل، نوري، آشنایی با ابواب فقه، تهران: نشر کتابخانه مدرسه فقهت، 1390.
50. محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة بن شهاب الدين الرملي، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، بيروت: دارالكتب العلمية، 1420.
51. محمد بن حسن بن محمد، اصفهاني، كشف اللثام عن قواعد الاحكام، بيروت: نشر مؤسسه الاسلامي، 1416.
52. محمد بن حسين، راغب اصفهاني، مفهوم الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، 1424.
53. محمد، معين، فرهنگ فارسي معين، تهران: نشر امير كبير، جلد 3، 1391.
54. مختصر صحيح البخاري.
55. مخلص، عبد الرؤوف، تفسير انوار القرآن، تهران: انتشارات شيخ الاسلام احمد جام، 1392.



56. مسلم 4 / 2167 ح 69، دارمی ح 2734، مسند احمد 1/385. الراوی : عبدالله بن مسعود |المحدث: مسلم |المصدر: صحيح مسلم الصفحة أو الرقم: 2814 |خلاصة حكم المحدث: [صحيح]
57. جمعی از نویسندگان، المعجم الوسيط، ترجمه: احمد حسن، زیات، ابراهیم مصطفی و دیگران، تهران: نشر صادق، ج 2، 1392.
58. مولانا پروفیسرو شاه فیصل فاضل امداد العلوم، تسهیل الهدایه، ج 7، پشاور: فیصل کتب خانہ، بی تاریخ.
59. مولانا محمد عمر، سربازی، تفسیر تبیین القرآن، ج 4، تهران: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، 1386.
60. نصرالله، ستانکزی، قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل: انتشارات سعید، 1387.
61. نظام الدین، عبدالله، فرهنگ اصطلاحات حقوق مدنی افغانستان، کابل: نشر سعید، 1397.
62. وزارت عدلیه، جریده رسمی، کود جزای افغانستان، کابل: نشر دولتی، 1396، نمبر مسلسل 1260.
63. وزارت عدلیه، شرح کود جزا، ج 3، کابل: بنیاد آسیا، 1398.
64. ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب، تبریزی، ترجمه و شرح مشکوٰۃ المصابیح (مصابیح السنه)، ج 1، مترجم: فیض محمد بلوچ، تهران: انتشارات خواجه عبدالله انصاری، 1388.
65. وهبه، الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، بیروت: دارالفکر، 1418.
66. Boys in Afghanistan Sold Into Prostitution, Sexual Slavery, Digital Journal, Nov 20, 2007.
67. <http://www.heyvafamily.com/web/articles/view>.

68. London Times: Kandahar Men Return to Original Love: Teenage Boys. January 27, 2002. Accessed February 9, 2015.
69. Schuyler, Eugene, Turkistan: Notes of a Journey in Russian Turkistan, Khokand, Bukhara and Kuldja (London: Sampson, Low, Marston, Searle & Rivington) 1876, Vol.I p 132.
70. The World Bank, Poverty Status in Afghanistan, Page 10, 2010, Available at: [http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/07/12/000333037\\_20110712011847/Rendered/PDF/6318](http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/07/12/000333037_20110712011847/Rendered/PDF/6318)
71. افزایش عمل بچه بازی و سکوت ادارات حکومتی، آژانس خبری پژواک، <https://pajhwok.com/fa>
72. خلاصه گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نشر شده در: [http://www.aihrc.org.af/home/daily\\_report/3322](http://www.aihrc.org.af/home/daily_report/3322) دسترسی شده 1396/11/25.
73. 00WP0Pover00Box0361508B0PUBLIC0.pdf (Aug 6, 2014)
74. <http://www.Tolonews.com/fa/Afghanistan/15034-new-survey-shows-increased-corrupation>
75. <http://www.bbc.vo.uk/persian/afghanistan/2012/02/120229-k01-af-courts-corrupation.shtml>.
76. <https://www.annahar.com>

## **Abstract**

The crime of child play is one of the deviant social acts that raises absolute disobedience, complete immorality, public immorality, blatant indecency, unculturedness and destruction of the generation, honor, dignity and honor of human beings and leads them to misery and misfortune through salvation and happiness. Pure resonance and good nature lead them to the trap of evil desires and as a result, the fire of hell returns them.

Therefore, this study examines the crime of child play from the perspective of Islamic jurisprudence and Afghan law, and its importance is highlighted here, which can eradicate the problems of society from the practice of superstition, or at least offer a solution to this heinous act. This research has been achieved by using analytical and descriptive research methods and gathering information from library sources. The results of this study are that the crime of child play is a very heinous act and against human, moral and Islamic standards. If the jurists agree on this issue that this act is an evil act and God Almighty and His Messenger have forbidden it and for those who violate this act, a heavy punishment is considered in this world and the hereafter. In addition, the Afghan penal code, especially the Penal Code, criminalizes child play as a crime against human rights and severe punishment in terms of its nature, manner, instances, circumstances, time and place.

**Keywords:** ruling, child, child play, Islamic jurisprudence, Afghan law.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master's program in jurisprudence & law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Deputy Minister of Scientific Affairs

# **The crime of pederasty from the perspective of Islamic jurisprudence and the laws of Afghanistan**

A Master's Thesis

Student: Haley "Rashidi"

Supervisor: Dr. Dr. Mohammad Younes "Ebrahimi"

Year: 2019



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master's program in jurisprudence & law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Deputy Minister of Scientific Affairs

# **The crime of pederasty from the perspective of Islamic jurisprudence and the laws of Afghanistan**

A Master's Thesis

Student: Haley "Rashidi"

Supervisor: Dr. Dr. Mohammad Younes "Ebrahimi"

Year: 2019